

شماره ۳۹۷، صابر ۲۰۱۲، ۱۶۹ بیج

پیام بهائی



میزگرد برنامه افق صدای امریکا درباره

فشارها و آزارهای وارده بر جامعه بهائیان سمنان

یادداشت ماه

سینه‌الله - سینه‌نوح

در کتب مقدسه داستان سفینه نوح آمده که هر چند رنگ افسانه‌ای دارد ولی از امکان وقوع به دور نیست زیرا در کره زمین مکرراً حوادث جوی و طبیعی عظیم و خطیر روی داده و بخشی از تاریخ گذشته جوامع انسانی را معدوم کرده است. در آثار بهائی نیز اشاره به سفینه نوح هست و یادآور این شعر حافظ که 'چه بیم از موج بحر آن را که باشد نوح کشتی بان'. و سفینه الهی علاوه بر سفینه قانون که در لوح کرمیل بدان اشارت شده بر امر الهی که حافظ جامعه بشری از تلاطمات نامطلوب روزگار است نیز اطلاق شده است. درست صد سال پیش در همین ماه دسامبر وقتی حضرت عبدالبهاء از نیویورک با کشتی سلتیک به سوی اروپا حرکت می‌کردند، دریا (اقیانوس) طوفانی شد و بعد همین که اندکی آرامش دست داد حضرت عبدالبهاء بیانی فرمودند که جناب محمود زرقانی در *بهایع الآثار* جلد دوم ثبت کرده‌اند و آن این است: باید در کشتی الهی سوار شد زیرا این عالم دریای پرتقلاب است. جمیع خلق روی زمین که بیش از دو میلیاردند تا صد سال دیگر همه غرق می‌شوند مگر نفوسی که در کشتی الهی سوارند آنها نجات یابند. آن کشتی کشتی ملکوتی است، آسمانی است، هر کس سوار آن شود ابداً غرق نمی‌شود. چقدر پادشاهان آمدند، چقدر بزرگان در دنیا بودند که همه غرق شدند اما حواریون مسیح محفوظ ماندند. مقصود این است که به نور الهی منور می‌شوند، همیشه از افق عزت ابدی می‌درخشند.

ادامه در صفحه ۱۴

فهرست مندرجات

آثار مقدسه / ۳	گزارش نقض حقوق بهائیان
اصول سیاست الهی / ۵	سمنان طی چهار سال اخیر / ۲۸
یلدا در فرهنگ ایران / ۷	شرحی کوتاه بر سفرم به عگا (۲) / ۳۵
مراسم شب یلدا	بر قهرمانان ایران چه می‌گذرد؟ / ۳۹
در نقاط مختلف ایران / ۱۲	معرفی کتاب / ۴۶
دنباله یادداشت ماه / ۱۴	از گلخن فانی به گلشن باقی / ۴۹
تاریخ جامعه بهائیان قزوین (۲) / ۱۵	ز عشق گل روی عبدالبهاء / ۵۳
رساله مدنیّه: طرحی	نامه‌های خوانندگان / ۵۴
برای اصلاح و آبادانی ایران (۳) / ۲۱	فهرست تفصیلی سال سی و چهارم / ۵۶

شرح روی جلد: میزگردی در مورد آزار و اذیت‌های وارده بر جامعه بهائیان سمنان و بویژه خانواده خانجانی‌ها.

در تو
سکون روح
در صحرای
را حکمت
زندگی تعبیر

آنچه در
امری به و
مداوا به نوع
مریض است
مهمل و معض
افسان باید به
نه آن که
بلبل گلزار
نفرماید چو
خرابه زار ف

منظور از حکمت؟

از مکاتیب مبارکه حضرت عبدالبهاء

❖ در الواح الهی ذکر حکمت گشته و بیان مراعات مقتضیات مکان و وقت شده مراد سکون روحی و شئون عنصری نبوده بلکه مراد الهی این بوده که شمع در جمع برافروزد نه در صحرای بی نفع، ماء فیض الهی بر ارض طئیه نازل گردد نه ارض جزره، والا خاموشی شمع را حکمت نتوان گفت و پریشانی جمع را علامت وحدت نتوان شمرد. افسردگی حیات و زندگی تعبیر نشود و ناتوانی و درماندگی، هوشمندی و زیرکی نگردد.

مکاتیب، ج ۱، ص ۴۴۵

❖ آنچه در الواح الهی ذکر حکمت است مقصود این است که در امور اتقان شود و در هر امری به وسائط کامله و مناسب زمان و مکان تشبث شود تا مریض معالجه به قاعده گردد و علیل مداوا به نوع موافق نه این که به کلی از معالجه و مداوا دست کشیده شود. هیکل امکان مریض است و جسم کیهان علیل. اگر طبیب و پرستار به کلی ترک علاج و دوا نمایند به کلی مهمل و معطل گردد بلکه به مرض موت مبتلای شود... مقصود از حکمت این است که انسان باید به نوع موافقی که در قلوب تأثیر نماید و نفوس ادارک کنند، تبلیغ امرالله نموده و نماید نه آن که سکون و سکوت یافت. عندلیب هزار آواز اگر ساز و نغمه نماید صعوه لال است و بلبل گلزار معانی اگر ترانه نسازد عصفور آنکم بی پروبال است. حمامه گلشن اسرار اگر تغزیدی نفرماید چون غراب گلخن نمودار گردد و طاوس فردوس بقا اگر جلوه ای نفرماید چون زاغ خرابه زار فناست.

مکاتیب، ج ۱، صص ۴۷۵-۴۷۲

وقوع به دور
تاریخ گذشته
مرا حافظ که
مکرم بدن
شده است.
سلیتیک به
داد حضرت
این است:
که بیش از
آنها نجات
وق نمی شود.
سیح محفوظ
در خشنند.
در صفحه ۱۴

۳۵
۳

۵۶

نجانها.

❖ حکمت این است که به مدارای الهی و محبت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال و افعال ربّانی تبلیغ نماید نه این که به صمت و سکوت پردازد و به کلی فراموش نماید خلاصه اجبای الهی را فرداً فرداً به تبلیغ امرالله تشویق نماید که حکمت مذکوره در کتاب، نفس تبلیغ است ولی به مدارا.

گلزار تعالیم بهائی، ص ۱۵۸

❖ اگر نفسی از اجبای با نفسی از غافلین مهربانی کند و در کمال محبت حقیقت امرالله را به تدریج تفهیم نماید که بداند اساس دین الله بر چه منوال است و مطلب چیست البته منقلب گردد مگر نادر نفسی که حکم رماد دارد... اگر بر این منوال هر یک از اجبای نفسی را بکوشد که هدایت نماید در هر سال نفوس مضاعف شوند و این را به نهایت حکمت می توان مجری داشت.

گلزار تعالیم بهائی، ص ۱۰۰

❖ اگر هر نفسی از اجبای با نفسی از غافلین طرح دوستی و راستی اندازد و به کمال مهربانی با او معاشرت و مجانست نماید و در ضمن به اخلاق و اطوار و حسن رفتار و تربیت الهی و وصایا و نضای ربّانی سلوک نماید البته کم کم آن شخص غافل را بیدار کند.

گلزار تعالیم بهائی، ص ۱۰۰

معانی لغات دشوار

ارض طیّبه: زمین پاکیزه. ارض جزره: زمین خشک و بی گیاه. اتقان: محکم کاری. تشبث: دست آویختن. علیل: بیمار. صعوه: گنجشک کوچک. عصفوره: گنجشک. آبگم: گنگ و لال. حمامه: کبوتر. تغرد: آوازخوانی. غراب: کلاغ. صمت: خاموشی. رماد: خاکستر. مضاعف: دو برابر.

هر چند
سیاست مع
حاوی طرح
است به ع
بشری ز
سیاسی و
نکرده است
در خطب
که در مورد
فرموده اند
انحد وند
رزق می
باید مت
قدر کت
سیاست
[دن] صبح
به همه م

در نصی
که در آن
می گویند
می کنند
«امید»
فکران

پیام بهائی

اصول سیاست الهی

هرچند امر بهائی احباء را از مداخله عملی در سیاست منع کرده ولکن تعلیمات حضرت بهاء الله حاوی طرحی برای اصلاح نظام سیاسی موجود است به عبارت دیگر این آئین شریف جامعه بشری را از راهنمایی خود در مورد بهترین نظام سیاسی و اصول و قواعد کار سیاست محروم نکرده است.

در خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء می خوانیم که در مورد لزوم اخذ و اجرای سیاست الهی چنین فرموده اند:

«خداوند مهربان کل را خلق کرده و جمیع را رزق می دهد و به جمیع مهربان است پس باید متابعت سیاست الهیه نمود زیرا بشر هر قدر کوشش نماید نمی تواند سیاستی بهتر از سیاست الهیه تأسیس نماید. خدا با جمیع [در] صالح است، ما چرا در جنگ باشیم؟ او به همه مهربان است ما چرا نامهربان باشیم؟» (ج ۲، صص ۳-۴)

در نطقی در منزل مسیو دریفوس در پاریس که در آن راجع به تفکیک دین از سیاست سخن می گویند، احبای حاضر را چنین نصیحت می کنند:

«امیدم چنین است تمام عادل باشید و همه فکرتان این باشد که با عموم بشر آمیزش کنید

و نهایت عدل و انصاف در معاملات خود مجری دارید، همیشه حقوق دیگران را بیش از حقوق خود ملاحظه داشته باشید و منفعت دیگران را مرجح بر منفعت خود بدانید تا مظاهر عدل الهی شوید.» (ج ۱، ص ۱۷۸)

پس علاوه بر صلح و مهربانی، عدل، ترجیح دیگری بر خود و حفظ حقوق مردم، از جمله ارکان اساسی سیاست الهی محسوب هستند و از جمله حقوق مردم که باید ملحوظ داشت تساوی زن و مرد در مقام و حیثیت انسانی است. در نطقی در منزل مبارک در پاریس فرموده اند:

«جمیع کائنات موجوده مذکور و مؤتشد و در مابین ذکور و اناث آنها فرقی نیست... ولی چون نظر در عالم انسانی می کنیم می بینیم تفاوت است» (ج ۱، ص ۱۶۳)

و البته سیاست الهی اقتضا می کند که این تفاوت مراتب در اجتماع به کنار گذاشته شود.

سیاست الهی مطلقاً تبعیض نژادی را بر نمی تابد چون همه افراد بشر فارغ از جنسیت و نژاد آفریده خالق واحد هستند و کل مورد محبت الهی قرار دارند. حضرت عبدالبهاء در واشینگتون فرمودند:

«در پیش خدا سفید و سیاه نیست، جمیع رنگ ها رنگ واحد است و آن رنگ عبودیت

آلهی است و رنگ حکمی ندارد قلب حکم دارد... هرکس قلبش پاک تر بهتر». (ج ۲، ص ۳۹)

در سیاست بشری کاربرد زور و تحمیل فکر و نظرو توسل به خشونت امر معمول و متداول است اما در سیاست آلهی وسیله باید با هدف منطبق باشد، وقتی هدف بهبود و ترقی زندگی انسان‌هاست وسیله هم باید با رأفت و رحمت قرین باشد نظیر تعلیم و تربیت و تذکار و هدایت. در خطابه ای در امریکا راجع به وحدت عالم انسانی حضرت عبدالبهاء به صراحت می‌فرمایند: «در ایجاد آلهی ابداً اختلافی نیست، جمیع بشر یکی است... لهذا باید با یکدیگر در نهایت الفت و اتحاد باشید ولی اگر چنانچه ناقصی باشد باید کوشید تا کامل شود اگر چنانچه نادانی باشد باید تعلیم نمود و الا همه یکی است...» (ج ۲، ص ۱۹۸)

دورنگی و دورویی در سیاست بشری سگّه رایج است. اما سیاست آلهی با صدق و صفای کامل توأم است. حضرت بهاء الله فرموده‌اند: «علیکم بالصدق الخالص لا تنّ به یزین انفسکم و یعلو مقدارکم». (گلزار تعالیم بهائی، ص ۲۰۵) یعنی با صدق خالص رفتار کنید که آرایش نفس شما و سبب اعتلاء مقام و منزلت شماست.

حضرت عبدالبهاء درباره صدق فرموده‌اند که: «صفتی محسوب تر از این نیست و طریقه ای مقبول تر از این نه». (همانجا، ص ۲۰۶) و حتی اعلام داشته‌اند که: «در جهان آلهی نوری روشن تر از صدق و راستی نه». و «صدق و راستی اساس جمیع فضائل انسانی است». (ص ۲۰۷)

در این روزها که بازار انتخابات در چند مملکت بزرگ جهان گرم است همه ما شاهد آن هستیم که چقدر وعده‌های بزرگ 'دل خوش

کنک' که گاه تحقق آنها در زمان کوتاه خارج از قوه بشری است (مثل ایجاد امکانات اشتغال برای همه جمعیت جویای کار) برای تحصیل رأی بیشتر به مردم آسان‌باور داده می‌شود و بعد به معاذیر مختلف اجرای آنها به تعویق و حتی تعطیل می‌افتد در حالی که بر طبق معیار آلهی چنان که حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند:

«صدق بهترین صفتی است از صفات چه که شخص صادق محفوظ از جمیع آفات و مصون از کل خطیات» (ص ۲۰۷)

در حالیکه: «بدترین اخلاق و مبعوض ترین صفات که اساس جمیع شرور است دروغ است». (همان، ص ۴۰۲)

اصحاب سیاست در هنگام مبارزات انتخاباتی از تحقیر و تخفیف شأن و مقام یکدیگر مضایقه ندارند در حالیکه سیاست آلهی عفو خطایا و نادیده گرفتن نقائص و حفظ حرمت نفوس را اقتضاء می‌کند. حضرت عبدالبهاء مسلاک عمل از نظرگاه آلهی را چنین بیان فرموده‌اند: «نظر به قصور در حق یکدیگر ننمایید». (گلزار تعالیم بهائی، ص ۱۷۸) و نیز: «پرده‌داری شأن و حشوش است نه انسان پرورش و هوش» (ص ۱۷۸). عیب‌جویی در آثار آلهی نهی شده، به فرموده حضرت عبدالبهاء:

«مبعوض ترین اخلاق عیب‌جویی است، باید تحرّی مدایح نفوس نمود نه تجسس عیوب نفوس». (گلزار تعالیم بهائی، ص ۴۲۸)

اخیراً با یکی از دوستان آگاه مسلمان سخن می‌گفتم. اظهار کرد وقتی این همه آلودگی‌ها را در عالم سیاست می‌بینم می‌فهمم که چه عاقلانه بوده و هست که بهائیان در سیاست [بشری] مداخله نکرده و نمی‌کنند. ■

بلدا

بخش ز...

دکتر توحید بنیاد میراث

چکیده

جشن

شب پیر

شب سال

خود

می‌شود.

دارد که

در بسیاری

اروپا گر می

شده می

خانوادگی

همچون

خشکبار

جشن

پیشینه آیین

در هزاره

زندگی می‌کند

پیام بهائی

یله در فرهنگ ایران

جشن زایش مرد بلندترین شب سال

دکتر توج پارسى، دکتر شاهین سپنا
بنیاد میراث پاسارگاد

چکیده

ستارگان و تجربه تغییرات طبیعی فصول و کوتاهی و بلندی روز و شب، فعالیت‌های روزانه خود را بر بنیان این پدیده‌های طبیعی و دگرگونی‌های آنها تنظیم می‌کردند و از آنها بهره‌های فراوان می‌بردند. از این‌روی زندگی بخشی این پدیده‌های طبیعی را ستودند و آنان را تجلی وجود خداوند دانستند. از میان این پدیده‌های طبیعی، خورشید که با پرتوهایش (مهر) به این زمین و همه زیست‌مندان روی آن گرمای زندگی می‌بخشید، بیش از همه مورد ستایش قرار گرفت. سپس مردمان با اندیشیدن و ژرف نگری در بزرگترین منشأ نور



مادی (خورشید) و شناخت اثرات زندگی بخش پرتوهای آن (مهر) به شناخت بزرگترین منشأ نور معنوی (خداوند) دست یافتند. آنگاه مهر معنوی خداوند را ستودند و کوشیدند تا این صفت

جشن 'یلدا' یا جشن 'شب چله' در آخرین شب پاییز (۳۰ آذرماه برابر با ۲۱ دسامبر) که بلندترین شب سال نیز هست، در خاستگاه اصلی خود 'ایران' با شور و شوق فراوان برپا می‌شود. این جشن ریشه در آیین کهن 'مهر' دارد که دیرزمانی در ایران و سپس در بسیاری از کشورهای آسیا و اروپا گرامی داشته می‌شد. شادمانی، گردهمایی خانوادگی و خوردن میوه‌هایی همچون هندوانه و انار و خشکبار از آیین‌های ویژه جشن یلدا است.

پیشینه آیین مهر

در هزاره‌های دور، مردمانی که در طبیعت زندگی می‌کردند بر اثر مشاهده خورشید، ماه و

خارج از
غالب برای
بیشتر
معاذیر
تعطیل
چنان که

ت چه که
آفات و

صفات
(همان،

بازرات

م یکدیگر

بھی عفو

حرمت

عبدالبهاء

بسیان

ر نماييد».

دري شأن

(ص ۱۷۸).

فرموده

ست. بايد

س عيوب

مدن سخن

دگی ها را

چه عاقلانه

ت [بشري]

خداوندی را که به معنای صلح و دوستی، محبت و پیمان‌داری و میانه‌روی است، در نهاد خود نیز پرورش دهند.

مهر، در زبان سنسکریت Mitra، در اوستایی Mithra، در زبان پهلوی Mitr و در پارسی امروزی Mitra یا Mehr گفته می‌شود.

مهر، در زبان‌های سنسکریت و اوستایی به معنای پیمان و همبستگی و پیوستگی دویا چندین نفر است. مهر در زبان پارسی نیز محبت و دوستی، آشتی و پیمان معنا می‌دهد. بر این پایه در فرهنگ ایران 'مهر' دشمن دروغ و دروغگو است چون نمی‌توان از انسان بسد کردار و دروغ‌گفتار انتظار داشت که پای بند به پیمان باشد و کسی می‌تواند به پیمان خود وفادار باشد که گوهر راستی را برگزیده باشد.

اگر مهر را عینی تر کرده و پوششی زمینی به آن بدهیم، پایداری هستی و گسترش نیکی محض را در آن جلوه‌گر خواهیم یافت. مهر، جلوه‌ای از پیمان انسان با انسان، پیمان انسان با محیط اجتماعی و طبیعی، و مسئولیت‌پذیری برای نگهداری از خانواده، شهر و کشور است. در یک نگاه ژرف تر انسان پای بند به پیمان، پرچم دار و نگهدار هستی خواهد بود. بنا بر این 'پای بندی به پیمان' با 'آبادانی' مترادف می‌شود، و 'پیمان شکنی' با 'ویرانی و ظلمت' هم معنا می‌گردد. بر پایه این دیدگاه، نظام کیهانی نیز بر مدار نظم و هنجاری 'آشا' می‌چرخد که نمودی از اصل پیمان و نگهداشت آن است.

این دیدگاه در فرهنگ و ادب ایران زمین بسیار تأثیر گذاشته است. در همین راستا، شانزدهمین روز هر ماه و هفتمین ماه سال در گاه‌شماری ایرانی نام 'مهر' برخوردار. همچنین

یشت دهم از کتاب اوستای متأخر نام مهر را بر پیشانی دارد. به گزارش هردوت نیز ایرانیان از دوره هخامنشی نام مهر را بر فرزندان خود می‌گذاشتند. البته امروز نیز نام مهر یا میترا را همچنان بر فرزندان خود می‌گذارند و افزون بر آن واژه 'پیمان' را نیز به عنوان نامی برای فرزندان خود بر می‌گزینند.

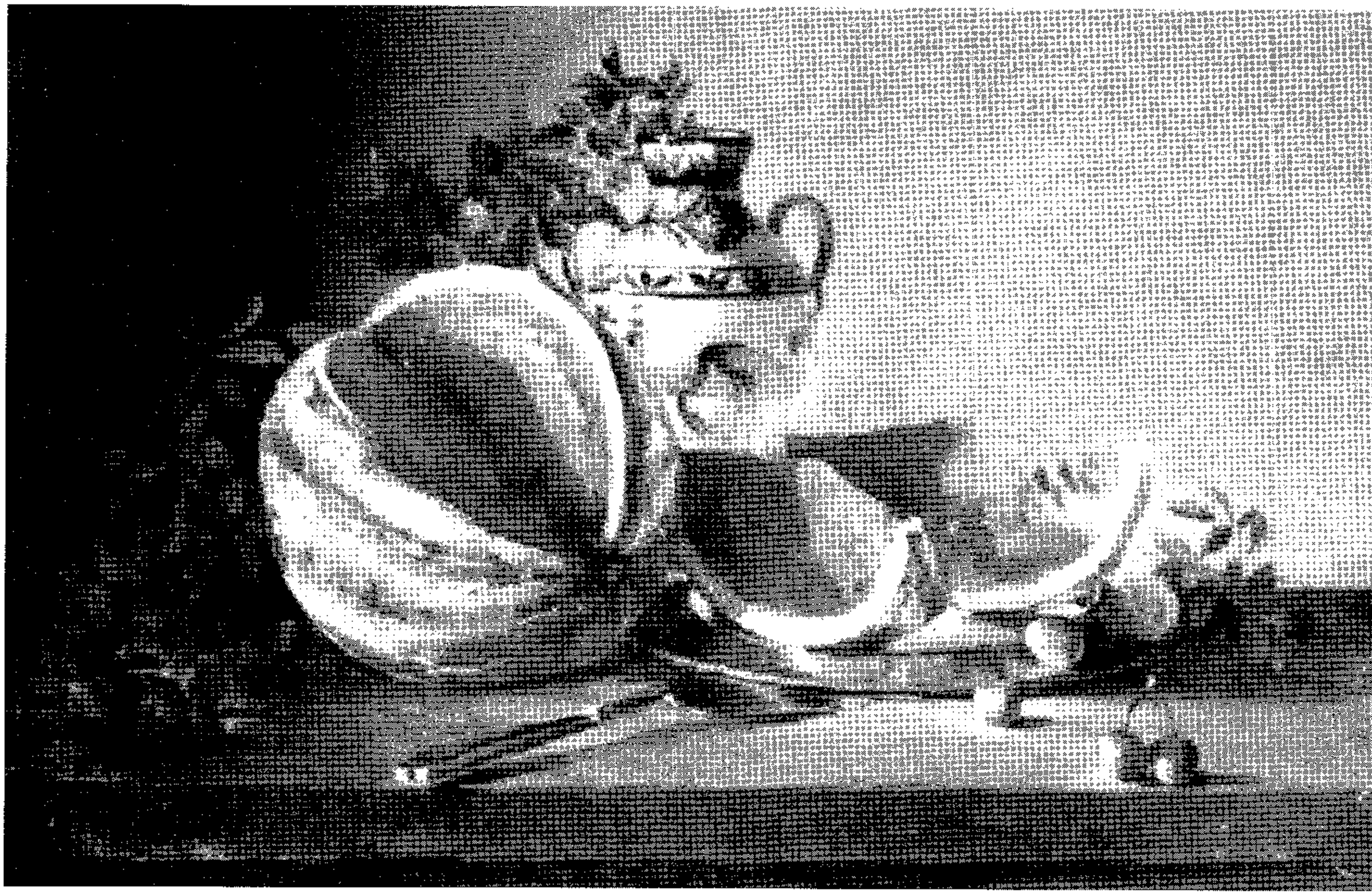
پیروان آیین مهر به نشانه پیمان دوستی حلقه مهر را بر انگشتان یکدیگر می‌نشانند و این نماد زیبا امروز در جوامع بشری به شکل حلقه زناشویی به هنگام پیوند و پیمان زناشویی بین دوزوج جوان تبادل می‌شود.

آیین مهر در ایران زاده شد، به بالندگی رسید و هزاران سال به چهره‌ها و جلوه‌های گوناگون در همه سرزمین‌های پهناور ایرانی پایدار ماند و پیروان فراوان داشته و دارد. کهن‌ترین سندی که نام مهر یا میترا را مورد باور ایرانیان و هندیان در آن آمده و به دست ما رسیده، لوح‌هایی است متعلق به ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد که در سال ۱۹۰۷ میلادی در 'کاپادوکیه' Cappadocia کشف شده است و این پیمانی است که میان هیتی‌ها و میتانی‌ها بسته شده است. این سند هم اکنون (۲۰۰۷ م) عمری ۴۱۰۰ ساله دارد. با این همه، پژوهشگران بر این باورند که پیشینه آیین مهر به هزاران سال پیش از آن باز می‌گردد.

در سده اول پیش از میلاد، این آیین در چهره‌ای نو با نام آیین میترا 'میترایسم' توسط رومی‌های تحت نفوذ فرهنگ ایران، در سراسر قاره اروپا، غرب و شمال آفریقا و آسیای صغیر و نواحی اطراف دریای سیاه منتشر شد و طی پنج سده در بخش بزرگی از جهان گسترش یافت و معابد میترا توسط پیروان آیین میترا در سراسر اروپا

ساخته شد.
باستان‌شناسان
چهارم میلاد
وجود داشت
به سرزمین
آلمان.
اوایل سده
تدریج میترا
هنوز
آیین کهن
سنت‌های
مانده است
جشن برگرد
دیگری که
نام گرفته
جشن یلدا.
هزاران

پیام بهائی



آغاز دی ماه روزها به تدریج بلندتر و شب‌ها کوتاه‌تر می‌شود و خورشید هر روز بیش‌تر در آسمان می‌ماند و نور و گرمی می‌پراکند. از این‌روی در پایان آخرین شب پاییز 'درازترین شب سال' و سپیده‌دم نخستین روز زمستان، برآمدن 'نخستین پرتوهای خورشید تابان' را که 'مهر' می‌نامیدند، به عنوان لحظه 'زایش مهر' جشن می‌گرفتند که بعدها جشن 'یلدا' و یا جشن 'شب چله'^۱ نامیده شد و تا امروز باقی مانده است. یلدا واژه‌ای سُریانی^۲ و به معنای 'زاده شدن' است که توسط مسیحیان سُریانی به ایران آورده و ماندگار شد. ایرانیان از اول دی ماه تا دهم بهمن ماه^۳ (روز جشن سده) را که ۴۰ روز است 'چله بزرگ' می‌نامند و از دهم بهمن ماه تا بیستم اسفند ماه را نیز 'چله کوچک' می‌نامند. چون در این ۴۰ روز دوم یا چله کوچک از شدت سرما نسبت به چله بزرگ کاسته شده است.

رومیان نیز مهم‌ترین جشن خود را 'سُل' -

ساخته شد؛ به گونه‌ای که بر اساس شواهد باستان‌شناختی و تاریخی موجود، در آغاز سده چهارم میلادی بیش از ۳۰۰ معبد میترا در ایتالیا وجود داشت و این آیین توسط لژیون‌های رومی به سرزمین‌های زیر نفوذ آن امپراتوری از جمله آلمان، اتریش و انگلستان انتقال یافت. اما از اوایل سده چهارم میلادی با گسترش مسیحیت به تدریج میترایسم و سنن آن در اروپا کمرنگ شد. هنوز نیز بسیاری از نمادها و سنت‌های این آیین کهن به صورت‌های گوناگون در باورها و سنت‌های مردم ایران و دیگر ملت‌های جهان زنده مانده است. از دیرباز ایرانیان به نام 'مهر' دو جشن برگزار کرده‌اند که یکی 'مهرگان' نام دارد و دیگری که موضوع این نوشتار است جشن 'یلدا' نام گرفته است.

جشن یلدا، جشن زایش مهر

هزاران سال پیش، ایرانیان دریافته بودند که از

ناتالیس انویکتوس 'Sol- Natalis Invictus' یعنی 'میلااد خورشید شکست ناپذیر' می نامیدند و گرامی می داشتند و از این روی پس از آشنایی با آیین مهر به این همانی 'مهر' با 'خدای آفتاب' دست زدند. (natalis=noel=birth)

شب یلدا، بلندترین شب سال

می دانیم که زمین در اول دی ماه (۲۱ دسامبر) هر سال به نقطه انقلاب زمستانی خود می رسد. نقطه ای که در آن، ناظران نیم کره شمالی دارای کوتاه ترین روز و بلندترین شب سال بوده و بر عکس در نیم کره جنوبی بلندترین روز سال اتفاق می افتد. اما باید توجه داشت که در این شب همه ناظران نیم کره شمالی دارای طول شب یکسان نیستند. در استوا طول شب و روز برابر و هر یک مساوی با ۱۲ ساعت است و هرچه به طرف قطب می رویم طول شب یلدا افزایش می یابد. چنانکه در ازای شب یلدا در تهران ۱۴ ساعت و ۲۶ دقیقه، پاریس ۱۵ ساعت و ۵۹ دقیقه، لندن ۱۶ ساعت و ۲۵ دقیقه، مسکو ۱۷ ساعت و ۱۷ دقیقه، استکهلم ۱۸ ساعت و ۱۸ دقیقه و ریکجاویک در ایسلند ۲۰ ساعت و ۳۱ دقیقه است.

همانگونه که ذکر گردید شب یلدا برای برخی کشورها طولانی تر است. برای مثال در چین شبی در استکهلم پایتخت سوئد، خورشید ساعت ۸ و ۵۵ دقیقه طلوع و ساعت ۱۴ و ۳۷ دقیقه غروب خواهد کرد. یعنی طول روز تنها ۵ ساعت و ۴۲ دقیقه است و شب بسیار زود فرا می رسد! البته خورشید هم در این روزها کم فروغ است، زیرا در وسط روز حد اکثر ارتفاع آن از افق حدود ۸ درجه خواهد بود.

آداب و رسوم شب یلدا

جشن یلدا نیز همانند دیگر جشن های ایرانی یک جشن خانوادگی است. در این جشن اکثر خانواده های ایرانی با هر دین و مذهب، در پرتو نور (آتش یا شمع یا نور چراغ) به شادی می پردازند و سفره ای گسترده می کنند و خوراکی های ویژه ای را بر آن می نهند. این خوراکی ها را در بیشتر نواحی 'شب چره' می نامند و معمولاً شامل هفت نوع میوه و آجیل هفت مغز می باشد. البته گاهی شمار آنها از هفت نوع بیشتر می شود و افزون بر آن انواع شیرینی سنتی و غیر سنتی نیز تهیه می شود. شور و شوق مردم برای خرید خوراکی های ویژه شب یلدا را از چند روز زودتر بویژه در روزهای ۲۹ و ۳۰ آذرماه (۲۰ و ۲۱ دسامبر). در بازارها و فروشگاه های میوه و آجیل می توان دید. معمولاً این خریدها تا پاسی از شب نیز ادامه دارد و در آخرین لحظه ها نیز کسانی را می بینیم که از سرکار برگشته و میوه های شب یلدا را خریداری نموده و به خانه می برند. از میوه های ویژه شب یلدا هندوانه، انار و انگور است و در کنار آنها از میوه های تابستانی دیگر همچون سیب، خربزه، خیار و گاهی به استفاده می کنند. در بین میوه های شب یلدا، هندوانه اهمیت بیشتری دارد و اگر وضعیت اقتصادی خانواده ها اجازه دهد حتماً آن را برای این شب تهیه خواهند کرد زیرا بسیاری باور دارند که اگر مقداری هندوانه در شب یلدا بخورند در سراسر چاله بزرگ و کوچک یعنی در سراسر زمستان سرما بر آنها چیره نخواهد شد و بیمار نمی شوند. پژوهشگران بر این باورند که خوردن هندوانه و انار در این شب معنایی رمزگونه در خود نهفته دارد و هندوانه و انار سرخ و گرد، نمادی از گرمای مهر در شب سرد زمستان هستند.



شب چره یلدا همچنین شامل دانه‌هایی چون گندم و شاه‌دانه و برنجک و نخود بوداده یا برشته (نخودچی)، و آجیل شامل تخمه هندوانه و کسبدو و گسادی تخمه آفتاب‌گردان، بادام، پسته، فندق و گردو است که در کنار آن از میوه‌های خشک یا خشکبار همچون سنجد

سرخ، کشمش، انجیر خشک، برگه زردآلو و توت خشک است.

معمولاً برای شب یلدا شام ویژه‌ای تهیه نمی‌شود و تهیه شام بستگی به وضع اقتصادی و نوع تغذیه خانواده دارد. در بیشتر خانواده‌ها در شب یلدا، پس از خوردن شام، برای 'شب نشینی' یا 'شب زنده‌داری' به خانه خویشاوند بزرگتر می‌روند.

گسترده سفره‌ای از خوراکی‌های گوناگون ریشه در یکی از مراسم آیین مهر دارد که 'بزم مهر' یا مهمانی مهر نام داشت. در این مراسم سفره‌ای آیینی گسترده می‌شد و پیروان مهر به نشانه همسانی و برابری و استواری در پیمان با همدیگر و با خداوند، با یکدیگر هم سفره و هم پیاله می‌شدند و به خوردن گوشت گاو و بعدها نان مقدس درون Draona و نوشیدن آشامیدنی مقدس هوم Haoma می‌پرداختند. گسترده این سفره آیینی هنوز نیز در بین زرتشتیان با نام 'میزد' Myazd متداول است که بر آن خوراکی‌هایی همچون نان، سیروگ (نوعی نان روغنی)، انواع میوه، شیرینی و آجیل لُرک Lork که مخلوطی از مغز پسته، بادام، گردو، فندق، کشمش سبز، برگه زردآلو، خرما

خشک و چند نمونه خشکبار دیگر است، می‌نهند و پس از نیاش، خوراکی‌ها بین حاضران پخش می‌شود و آنها به نشانه تبرک از آنها می‌خورند. یکی دیگر از رسوم شب یلدا که در بیشتر خانواده‌های ایرانی متداول است هدایای ویژه شب چله (یلدا) برای نو عروسان و تازه دامادان است. معمولاً در خانواده‌هایی که به تازگی بین یک زوج جوان خطبه عقد خوانده شده اما هنوز زندگی مشترک را به صورت رسمی آغاز نکرده‌اند، در شب چله (یلدا) مادر داماد به همراه مجموعه‌ای از خوراکی‌های ویژه شب یلدا که با ذوق و سلیقه خاصی آراسته شده‌اند، هدایای دیگری همچون لباس یا پارچه و طلا تهیه نموده و برای عروس می‌فرستد. این عمل به صورت متقابل از سوی مادر عروس نیز صورت می‌گیرد که البته زمان آن در برخی مناطق یک شب بعد از شب چله و در بیشتر مناطق نخستین شب چله پس از آغاز زندگی مشترک زوج جوان در خانه بخت خواهد بود.

در سده‌های اخیر فال گرفتن از کتاب حافظ (شاعر و عارف بزرگ ایرانی) نیز در شب یلدا و در برخی از خانواده‌ها مرسوم شده است.

های ایرانی
ن جشن اکثر
ب، در پرتو
می پردازند
های ویژه‌ای
را در بیشتر
شامل هفت
البته گاهی
و افزون بر آن
تهیه می‌شود.
کی‌های ویژه
روزهای ۲۹
در بازارها و
دید. معمولاً
مه دارد و در
که از سرکار
ری نموده و
شب یلدا
کنار آنها از
سبب خربزه،
بین میوه‌های
ی در و اگر
دهد حتماً آن
ریر بسیاری
در شب یلدا
حک یعنی در
نحوه شد و
بشورند که
عربی رمزگونه
سرخ و گرد،
مستان هستند.

ضرورت ثبت جهانی یلدا

یلدا، جشن مهرورزی و صلح و دوستی جهانی است که به صورت همگانی و غیررسمی در خانواده‌های ایرانی و برخی دیگر از کشورها، از هر قشر و با هر دین و مذهب برگزار می‌شود. یلدا جشنی است که در آن مردمان به انتظار سپیده‌دم و دریافت گرمای مهر تابان می‌نشینند و این گرمای زندگی بخش را که از طبیعت گرفته‌اند به همدیگر هدیه می‌دهند. نزدیک بودن زمان برپایی کریسمس یا جشن میلاد عیسی مسیح (۲۵ دسامبر) و جشن یلدا (۲۱ دسامبر) و مشابهت سنت‌های این آیین‌های زیبا نشان از همدلی همه مردمان زمین با هر دین و آیین است. پس شناسایی بهتر و ثبت این جشن کهنسال به عنوان میراث مشترک بشری ضمن اینکه می‌تواند آن را به همه

ملت‌های جهان بیشتر بشناساند، امکان حفظ ارزش‌های جهانی نهفته در این جشن و انتقال بهتر آن را به نسل‌های بعدی بشر فراهم خواهد آورد. ■

یادداشت‌ها

- ۱- یک دوره ۴۰ روزه را 'چله' یا 'چله' می‌نامند.
- ۲- سریانی زبان مردم سوریه و شمال عراق، قبیل از میلاد مسیح تا چند قرن بعد از آن یعنی تا ظهور اسلام بود و هنوز نیز گویندگانی دارد.
- ۳- برپایه یک باور ایرانی، دهم بهمن روزی است که آتش توسط 'هوشنگ' پادشاه اسطوره‌ای کشف شد و بر این پایه در این روز 'جشن سده' یا جشن پیدایش آتش برپا می‌شود.

منبع

<http://www.savepasargad.com/December/yalda.bonyadmiras.htm>

مراسم شب یلدا در نقاط مختلف ایران

در طولانی‌ترین شب سال، مردم ایران در نقاط مختلف کشور و همچنین ایرانیان خارج کشور مراسم شب یلدا، برگزار می‌کنند. در نقاط مختلف ایران سنت‌های گوناگونی برای این شب وجود دارد.

در آذربایجان 'چیلله قسارپیزی' یا همان هندوانه چله را می‌خورند و رسم است که کسانی که نامزد هستند، در این شب برای نامزد خود طبق خوانچه می‌فرستند. آش شیرو تنقلاتی چون

'قاورقا' یا همان گندم برشته با شاه دانه در میان آذربایجانی‌ها رایج است و معمولاً ریش سفید خانواده وقتی هندوانه شب یلدا را می‌برد می‌گوید «قادا بلامیزی بو گنججه کسدوخ» یعنی «بلای خودمان را امروز بریدیم».

در غرب ایران و بخصوص مناطق کرد نشین، یلدا از جایگاهی ویژه برخوردار است و معمولاً ریش سفیدان داستان‌هایی از شیرین و فرهاد، رستم و سهراب و حکایات‌های حسین کرد



خوراکی شب یلداست، اما در این میان گروهی از جوانان بسا پرتساب آن بسه شادی و نشاط می پردازند.

در استان مرکزی، یکی از بازی های شب یلدا 'پریا پوچ' است که بزرگان و کودکان با هم بازی می کنند. در اصفهان هندوانه را زمانی که یخچال وجود نداشت به بند می کشیدند تا برای این شب تازه بماند.

در کرمان و شرق ایران، بسا بسرافسانه ای انتظار می کشند تا قارون افسانه ای، در لباس هیزم شکن، برای خانواده های فقیر تگه های

چوب بیاورد. چوب هایی که به طلا تبدیل می شوند و برای خانواده برکت و ثروت می آورند.

در همسدان خوانسار اشعار بابا طاهر رایج است و مراسمی که فال سوزن نام دارد. ■

منبع:

خبرهای صدای آمریکا



شبستری را نقل می کنند. راحت الحلقوم، نان پنجره ای و کاک و نان برنجی از شیرینی های اختصاصی این شب است.

در شمال ایران و بویژه گیلان، سبزی پلو و ماهی، شام شب یلدا را تشکیل می دهد. همچنین معمولاً از گیل

را از چند ماه پیش در آب نمک می خوابانند و محصول را که 'آو کونوس' نام دارد، چاشنی دور هم نشینی در این شب می کنند. برای نوعروسان در یک سینی، ماهی سفید بزرگی فرستاده می شود تا نماد برکت و فراوانی باشد. در خراسان، مراسم کسف زدن برپاست. گیاهی به نام چوبک که در آنجا 'بیخ' نام دارد در ظرف سفالی 'تغار' می جوشانند و مردان و جوانان با دسته ای از چوب های نازک درخت انار به نام دسته گز آن را بهم می زنند. محصول،

کان حفظ
ن و انتقال
هم خواهد

می نامند.
قبل از
ظهور اسلام

ی است که
کشف شد و
شن پیدایش

<http://www.spiritsadmiras.com>

ن

در میان
ریش سفید
می بسرد
یعنی

کرد نشین،
ت و معمولاً
پس و فرهاد،
حسین گورد

ملاحظه کنید که در این صد سال مردمانی که در کشتی اقتصاد و سیاست و فلسفه مادی زندگی سوار شدند، چند بار و با چه شدتی گرفتار انقلابات شدند. چند ده میلیون نفوس در جنگ اول و جنگ دوم جهانی تلف شدند، در دهه سی و چهل چند میلیون یهودی در کوره های آتش نازی ها سوختند، در اتحاد جماهیر شوروی میلیون ها دهقان دلبسته به آب و خاک شخصی را رژیم استالین معدوم کرد. بعد از خاتمه جنگ دوم بین المللی چند ده جنگ محلی و منطقه ای روی داده و باز چند ده میلیون را رهسپار دیار عدم کرد. آنها هم که از جنگ ها جان سالم بدر بردند گرفتار چنان مادیت و بی خبری از حقائق روحانی و معنوی بوده و هستند که باز جماعات کثیری به نحوی دیگر در آن دریای پراقتلاب غرق شدند. مثلاً همین نئولیبرالیسم اقتصادی بی بند و بار سال های اخیر، میلیون ها فرد و خانواده را از هستی ساقط کرد. آفات ناشی از آلودگی محیط زیست، اتم زدگی، نبود آب نوشیدنی سالم، بیماری ایدز، هم میلیون ها نفر را یا به کشتن داد و یا گرفتار بیماری های صعب العلاج کرد. با این وجود، همه ظواهر حکایت از آن می کند که هنوز اکثریت عظیم مردم جهان به همان تخته پاره های گذشته خود را بند کرده اند و از سوار شدن در یک کشتی ایمن یعنی کشتی روحانیت و معنویت و نقشه الهی برای نجات بشر، عامداً عالماً یا بدون آگاهی کافی امتناع

دارند در حالیکه به فرموده حضرت عبدالبهاء در همان سخنان کشتی سلطیک:

«انسان باید عاقل باشد، قناعت به این حیات دنیا ننماید، که روز دیگر منتهی می شود، عاقل باید حیات ابدیه طلبد و عزت سرمدیه جوید».

که البته مراد آن حضرت پشت پا زدن به دنیا نبوده بلکه انتخاب آن نوع زندگی بوده که آدمی را اسیر و ذلیل مادیگری و عواقب ناخوش تمدن مادی افراطی نکند بلکه با حصول اعتدال میان روحانیت و مادیت به همان مدینه فاضله یا ملکوت الهی که استقرارش به روی زمین وعده داده شده رهنمون گردد.

سال ۲۰۱۲ که اینک به پایانش می رسیم شاهد انتخاب رئیس دولت یا مملکت در چند کشور بزرگ و نیرومند جهان بود: از جمله ایالات متحده آمریکا، روسیه، فرانسه و چنان که دیدیم و شنیدیم همه جاسخن از اصلاحات کوچک در زندگی مادی و معیشتی ملت متبوع می رفت. آیا زمان آن نرسیده است که جامعه بشری و اولیای امور نظربه شرایط نوین و مقتضیات مهم جدید عالم بشری کنند و دیدگاه خود را بالاتر از وعده های کوچک که غالباً هم عملی نمی شود، قرار دهند؟ یعنی نظرها معطوف به این ایده آل های والای بشری کنند: صلح بین المللی، استقرار امنیت تضامنی، خلع سلاح عمومی یا محدودیت تسلیحات، تربیت شهروندی جهانی، تحکیم و تقویت ارزش های اخلاقی، تضمین حقوق و آزادی های بنیادی بشری که از جمله در طول زمان تأمین حد اقل معاش برای همگان است. ■

تاریخ جامعه بهائیان قزوین

نگارش مؤثران مؤمن
ترجمه کیومرث مظلوم

نحوه پایه‌گذاری و شکل‌گیری جامعه بهائی در قزوین

میرزا منیب کاشانی در طهران بود که *سوره اصحاب* صادره از قلم حضرت بهاءالله را دریافت داشت. در این اثربه وی مأموریت داده شده بود که ادعای آن حضرت را به تعدادی از بابیان قزوین ابلاغ دارد.^{۲۰} محتمل است که وی بر این اساس در اوایل سال ۱۲۸۲ (تابستان ۱۸۶۵) به قزوین رفته باشد و مأموریت خود را انجام داده باشد، گرچه ممکن هم هست که او فقط به ارسال *سوره* مذکور اقدام کرده باشد.^{۲۱} ولی به هر حال تعدادی از بابیان برجسته قزوین ادعای حضرت بهاءالله را پذیرفتند. از سرکرده‌های دارو دسته بابی مذکور در فوق محمد حسن فتی و ملا محمد هادی قزوینی سرانجام ازلی شدند در حالی که ملا عبدالرحیم به حضرت بهاءالله ایمان آورد.

ملا عبدالرحیم ملایی بود عالم و دانا که در خانواده میرزا حسین خان مشیرالدوله (سفیر ایران در استانبول و بعد صدراعظم ایران) دارای سمت ملا باشی (مسئول تدریس افراد خانواده) بود. وی به

بسیاری از روستاهای قزوین مسافرت کرد و موجب ایمان افراد زیادی شد و چون به بهائی بودن شهرت یافته بود در سال ۱۲۸۴ / ۱۸۶۷ دستگیر گردید. گرچه وی را زنجیر کرده به طهران فرستادند ولی مسأله رابطه او با خانواده مشیرالدوله برایش مفید واقع شد و موفق به آزاد کردن خود گردید. فرزند وی ملا عبدالرزاق نیز بهائی بود و لُوحی مهم از حضرت بهاءالله درباره خلقت، حیات پس از مرگ و پیامبران گذشته دریافت داشت.^{۲۲} از میان بابی‌هایی که به دیانت بهائی گرویدند سه خانواده بازرگان مهمی بودند که پیش از این نامشان به میان آمد. حاجی نصیر و پسرش به لاهیجان ورشت نقل مکان کردند. شیخ محمد نبیل قزوینی در سال ۱۲۷۸ / ۱۸۶۱ درگذشت و فرزند ارشدش شیخ محمد کاظم سمندر (۵ فوریه ۱۹۱۸-۷ فوریه ۱۸۴۴) یکی از بهائیان سرشناس قزوین شد. شیخ محمد کاظم بازرگانی بود ثروتمند و برجسته که در لاهیجان ورشت تجارتخانه داشت و به تبریز و لاهیجان چند بار سفر نمود. از سال ۱۲۷۴ / ۱۸۵۷ وی به مدت دو سال ساکن تبریز بود و در آنجا زبان عربی را از ملا علی اکبر

اردستانی آموخت و نیز از سال ۱۲۸۰/۱۸۶۳ به مدت یک سال و نیم در لاهیجان زندگی کرد. هنگامی که خیر ادعای حضرت بهاء الله به قزوین رسید وی آن را پذیرفت و حضرت بهاء الله به او لقب سمندر عنایت فرمودند. [سمندر نام موجودی است افسانه‌ای و عرفانی که در آتش زیست می‌کند و شاعران و عارفان از آن به شخصیتی که نمونه کاملی از جانبازی و عشق‌ورزی و فداکاری است تعبیر کرده‌اند.] سمندر در سال



پانزدهمین شیخ محمد کاظم سمندر

علی با حضرت عبدالبهاء به گوش بهائیان رسید سمندر در طهران زندگی می‌کرد و رساله‌ای در ردّ برخی از ادعاهائی که میرزا حسین جهرمی (خرطومی) به طرفداری از میرزا محمد علی می‌کرد، نگاشت. در سال ۱۳۱۷/۱۸۹۹ سمندر با همسر خود معصومه خانم (در گذشت در سال ۱۹۱۸، دختر آقا محمد مهدی فرهادی و صاحب خانم، نگاه شود به مطالب بعد)، فرزندش میرزا غلامعلی و همسر برادرش

۱۸۶۶ با نگارش رساله‌ای در اثبات حقانیت دعوی حضرت بهاء الله^{۲۳} اقدام به تبلیغ بابیان برای قبول امر بهائی کرد و نیز سفرهای زیادی به رشت و لاهیجان و آذربایجان، هم برای کارهای بازرگانی خود و هم برای تبلیغ امر الهی نمود. هنگامی که در سال ۱۸۸۳ در رشت سرکوبی و ستم بر بهائیان بروز کرد و از جمله حاجی نصیر نماینده او را در آن شهر دستگیر نمودند سمندر هم به مدت کوتاهی بازداشت و جریمه گردید اما موقعیت برجسته او در شهر باعث شد که وی را زندانی ننمایند. (نگاه شود به مطالب بعد)

سمندر در سال‌های ۱۲۹۰/۱۸۷۳ و ۱۳۰۸/۱۸۹۰ برای زیارت حضرت بهاء الله به عکا سفر نمود. وی دختر خود نوریّه را، که هیکل مبارک بر او ثریا نام نهادند، برای ازدواج با میرزا ضیاء الله فرزند حضرت بهاء الله به ارض اقدس فرستاد. در سال ۱۸۹۴ که در ایران خبر مخالفت میرزا محمد

شریفه بیگم به عکا رفت. هنگامی که وی در بهجی بود با دخترش ثریا که همسرش در یک سال پیش درگذشته بود در مدخل روضه مبارکه ملاقات کرد. سمندر سرگرم گفتگو با دختر خود برای متقاعد کردن او به رفتن به عکا بود که گروهی از ناقضان از قصر بهجی سر رسیدند و سمندر و خانواده اش را دستگیر و زندانی نمودند. آنان سپس به حاکم چنین گزارش دادند که سمندر سعی در ربودن ثریا را داشت. پس از نه ساعت بازجویی، بی اساس بودن این اتهام بر مقامات مربوطه ثابت گردید و آنان را آزاد نمودند. سمندر بعداً شرح این رویداد را نگاشت و در قاهره منتشر گردید.^{۲۳} مکرر

سمندر چندین اثر در تاریخ از خود به یادگار گذاشته است. از جمله تاریخ دیانت بهائی در قزوین (تکمیل شده در سال ۱۳۰۳/۱۸۸۵) و مجموعه‌ای از شرح زندگانی نخستین بهائیان مشهور که

بسیاری از آنان را وی شخصاً ملاقات کرده بود (تکمیل شده در سال ۱۳۳۳ / ۱۹۱۵). به این اثر اخیر، بر اساس درخواست دکتر مودی Dr Moody وی شرح حیات طاهره و تعدادی از زنان مشهور بابی و بهائی قزوین را نیز افزود. در سال ۱۳۲۰ / ۱۹۰۲ حضرت عبدالبهاء از سمندر، نعیم و ابن ابهرخواستند که پاسخی به نوشته‌های ادوارد براون E.G. Browne که با هدف طرفداری از ازل نگاشته شده، بنگارند و سمندر از جمله کسانی بود که در سال ۱۳۳۲ / ۱۹۱۴ مطالبی را برای تکمیل کتاب *کشف الغطاء* (در پاسخ کتاب *نقطه الکاف* منتشر شده توسط ادوارد براون)، که نگارش آن بوسیله میرزا ابوالفضل گلپایگانی آغاز شده بود، تهیه نمود.^{۲۴}

حاجی شیخ محمدعلی (نییل ابن نییل، تولد ۱۱ اوت ۱۸۵۰) برادر شیخ محمد کاظم سمندر از سال ۱۸۶۴-۵ مقیم لاهیجان بود و در سال ۱۸۷۰ مسافرتی طولانی در پیش گرفت و از استانبول، اسکندریه، عکا و مکه دیدن نمود. در سال ۱۲۹۹ / ۱۸۸۲ وی برای اداره تجارتخانه‌ای که خانواده افنان در استانبول دایر کرده بودند به آن شهر رفت. در استانبول به او اتهامات ناروایی نسبت دادند و چنان زیرستم ازلی‌های ساکن آنجا قرار گرفت که سرانجام در تاریخ اول مارس ۱۸۹۰ دست به خودکشی زد.^{۲۵}

سومین خانواده بازرگان قزوین که در گذشته شیخی شده بودند، بعد به دیانت بابی گرویدند و سرانجام بهائی شدند خانواده فرهادی بودند. فرهاد ثروتمندی گرجی بود که خواهرش به همسری محمد علی میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار درآمده بود. وی مقیم قزوین شد و ساختمانی بزرگ شامل عمارت‌هایی چند را برای خانواده

خود بنا نهاد. دوتن از پسران او شیخی شدند. پسر بزرگترش که حاجی اللهوردی نام داشت پیش از ظهور حضرت اعلی درگذشت. برادر کوچکتر به نام حاجی اسدالله موقعی که از ادعای حضرت باب آگاهی یافت میرزا جواد ولیانی را برای تحقیق به شیراز فرستاد. بعد هنگامی که ملا جلیل ارومی از حروف حی به قزوین آمد در خانه حاجی اسدالله ساکن شد و با یکی از بستگان او ازدواج کرد.^{۲۶} خانه حاجی اسدالله در سه واقعه مورد حمله قرار گرفت و غارت شد. در آخرین حمله در سال ۱۸۴۷، بنا به دستور شیخ محمد برغانی به خونخواهی قتل پدرش شیخ محمد تقی، حاجی اسدالله را از بستر بیماری بیرون کشیدند و زندانی نمودند. وی در زندان طهران یسا کشته شد یسا درگذشت. حاجی اسدالله چهار دختر داشت که آنها را به عقد ازدواج چهار پسر برادرش حاجی اللهوردی درآورد.^{۲۷}

خانواده فرهادی برای تجارت بین قزوین و یزد در آمد و شد بودند. بزرگترین پسر حاجی اللهوردی در یزد اقامت داشت و به حضرت باب ایمان نیاورد. سه پسر دیگر در قزوین زندگی می‌کردند و از دل‌بستگان دیانت جدید بودند. بزرگترین این سه برادر، محمد هادی فرهادی (درگذشت در ۱۸۴۷) بسیار شجاع و تا اندازه‌ای بی‌قرار و شتاب‌زده بود. او به منظور آماده شدن برای جهاد در زیرزمین خانه خود شمشیرهایی ساخته بود و هنگامی که حضرت اعلی را از راه قزوین به ماکو می‌بردند به دیدار آن حضرت شتافت و اجازه خواست که هیکل مبارک را از دست محافظان رها سازد. حضرت باب وی را منع فرمودند. بعد هنگامی که ملا جلیل ارومی به فرمان شیخ محمد تقی برغانی اسیر گردید وی با تعدادی از پهلوانان محله خود به

سوی مدرسه برغانی یورش برد و ملا جلیل را آزاد ساخت. بر این اساس پس از مدت کوتاهی که شیخ محمد تقی کشته شد به محمد هادی در این قتل مظنون گردیدند و خانه او را جستجو کردند و چون نامبرده را نیافتند عمویش حاجی اسدالله را، چنانکه در بالا ذکر گردید، دستگیر نمودند. هنگامی که جناب طاهره از عراق به قزوین رسید، محمد هادی در خانه‌های متعدد از همراهان ایشان مهمانداری و پذیرایی کرد و نیز با همسرش خاتون جان، دختر حاجی اسدالله، توانست



جناب محمد جواد فرهادی

جناب طاهره را که پس از قتل شیخ محمد تقی برغانی در یکی از اطاق‌های خانه پدرش زندانی کرده بودند، رها سازد. وی در گردهمایی بدشت حضور داشت ولی پس از آن یا درگذشت یا کشته شد و به قلعه شیخ طبرسی نرسید.^{۲۸} دو برادر کوچکتر فرهادی، آقا محمد مهدی و آقا محمد جواد (عموجان، ۱۸۲۹-۱۹۱۱) نیز به دنبال قتل شیخ محمد تقی برغانی متحمل رنج بسیار شدند و همسران آنان صاحب یا صاحبه خانم و شیرین خانم (درگذشت در ۱۸۹۲) بسا کودکان مجبور گردیدند به مدت چهار ماه در بقعه مخروبه امامزاده‌ای پنهان شوند و پس از آنکه به خانه غارت‌شده خود بازگشتند آنان را به حمام عمومی شهر راه ندادند. آقا محمد جواد (عمو جان) که به یزد گریخته بود پس از ۱۶ ماه به قزوین بازگشت ولی نتوانست در شهر خود بماند از

این رو به زنجان رفت و در آنجا به کار بازرگانی پرداخت اما در زنجان هم در سال ۱۸۵۲ او را دستگیر و از آن شهر بیرون کردند و وی از زنجان به قزوین نقل مکان کرد. در سال ۱۳۱۳ / ۱۸۹۵ نوه او طرازیه خانم با طرازالله سمندری یکی از فرزندان شیخ محمد کاظم سمندر و از طرف مادر نوه آقا محمد مهدی و صاحب خانم عقد ازدواج بست.^{۲۹}

از میان سایر بازرگانان و سوداگرانی که بابی و سپس بهائی شدند حاجی میرزا محمد برّاز بود. همسر او فاطمه خانم خواهر سلطان خانم همسر حاجی اسدالله فرهادی بود. بر اساس روایتی خانوادگی، حاجی میرزا محمد در یکی از دوره‌های قحطی ظرف‌های دم‌پختک (پلوی آبکش نشده) را برای مستمندان و خانواده‌ها می‌برد و می‌گفت: «بخور چاق شو» و از این روی به نام «بخور چاق شو» معروف شد. هنگامی که قتل شیخ محمد تقی برغانی روی داد، وی از دوست و همسایه اش حاجی سید تقی که یکی از علمای مشهور شهر بود خواست که به او پناه دهد ولی این همسایه سر باز زد اما به هر حال همسایه دیگری، وی را پذیرفت و تا هنگام آرام شدن اوضاع او را در پناه خود گرفت. مدتی بعد، به دنبال سوء قصد به جان ناصرالدین شاه در سال ۱۸۵۲، دوستان او به وی توصیه کردند که از شهر خارج شود، از این رو او به همدان و کرمانشاه رفت و در آنجا درگذشت.

هر سه پسر حاجی میرزا محمد بزّاز نیز پیشه بازرگانی و سوداگری داشتند و هر سه به دیدار حضرت بهاء الله در بغداد رسیدند. پسر بزرگتر به نام حاجی محمد باقر در تاریخ امر از آن جهت که از حضرت بهاء الله در بغداد تقاضای ثروت کرد و پس از آنکه با تجارت پنبه به مکنّت رسید از دیانت بهائی روی گرداند معروف است. پس از این روی گردانی، به علت کاهش قیمت پنبه وی ورشکست شد و از حضرت بهاء الله درخواست عفو و برای بار دیگر خواهش کرد که به او ثروت داده شود. اما این بار نیز پس از دستیابی به ثروت، دیانت بهائی را به کنار گذاشت. وی پس از این روی گردانی دوم نیز به فقر مبتلا گردید. ولی سرانجام از این رویدادها پند گرفت و در تبریز ساکن گردید و یکی از اعضاء گرانقدر جامعه بهائی شد. برادر دوم، حاجی محمد ابراهیم، کوشش کرد که در ادرنه به حضور حضرت بهاء الله رسد اما هنگامی به استانبول رسید که امکان رفتن به ادرنه نبود از این رو وی به تفلیس رفت و راه سوداگری و بازرگانی را در پیش گرفت و درگذشت. وی با هاجر خانم یکی از دختران آقا محمد مهدی فرهادی ازدواج کرده بود. برادر کوچکتر که آقا محمد جواد نام داشت (درگذشت در حدود ۱۳۳۶ / ۱۹۱۷)، در تبریز زندگانی می کرد و از جمله کسانی بود که در سال ۱۸۶۶ در آن شهر دستگیر گردیدند. وی در سال ۱۲۸۴ / ۱۸۶۷ به ادرنه مسافرت کرد و از همراهان مسافرت حضرت بهاء الله به عکا بود. از آنجا که وی خوشنویس لایقی بود به نسخه برداری از الواح مشغول شد. همچنین وی امین صندوق پول هائی بود که برای حقوق الله واصل می شد. حضرت بهاء الله به وی لقب اسم الله جواد یا جود دادند.^{۳۰}

وی با دختر حاجی علی عسکر، که دختر دیگر او همسر میرزا محمد علی ناقص اکبر بود، ازدواج کرد و بعداً در بهجی در یکی از ساختمان های پیوسته به قصر ساکن گردید. پس از صعود حضرت بهاء الله به علت خویشاوندی سببی که وی با میرزا محمد علی داشت از او جانبداری کرد و چند رساله به طرفداری از وی نگاشت. از این رو حضرت عبدالبهاء وی را از جامعه امر طرد فرمودند.^{۳۱}

دو بازرگان دیگر بهائی پسران تاجری بودند شیخی به نام حاجی عبدالمجید. یکی از آنان حاجی علی اکبر نام داشت و آن دیگری حاجی محمد ابراهیم که حضرت بهاء الله به وی لقب خلیل داده بودند (۱۲۶۰ / ۱۸۴۴ - ۱۳۱۶ / ۱۸۹۸). از این هر دو برادر بازماندگانی در ظل امر بجای ماندند.^{۳۲} پسر خواهر آنان حاجی نظرعلی (مشهور به حاجی آقا بزرگ، درگذشت در سال ۱۳۳۷ / ۱۹۱۸) نیز بازرگان برجسته ای بود.^{۳۳}

هنگامی که جناب طاهره در قزوین بودند در زیرزمین خانه حاجی اسدالله فرهادی ترتیبی برای گردهمایی گروهی از زنان بابی داده شده بود و جناب طاهره به آنان درس می دادند. این زنان بیشتر از خانواده های بازرگانانی بودند که نامشان به میان آمد. بسیاری از زنان برجسته این گروه باسواد بودند و موجب اشاعه دیانت بهائی در میان زنان قزوین شدند. بستگی نزدیک خانوادگی آنان و ازدواج بین این خانواده ها نقش مهمی در استحکام جامعه بهائی این شهر در سال های بعدی داشت. ■ ادامه دارد

یادداشت ها

۲۰ - حضرت بهاء الله، آثار قلم اعلیٰ (نشر جدید)

۲۲- ظهور الحق ۵۴۳: ۶-۴؛ سمندر، آثار ۷-۹۵، ۲۱۲
بخش‌هایی از لوح خطاب به عبدالرزاق در منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله شماره‌های ۷۸، ۸۰ و ۸۷ درج شده است.

۲۳- سمندر، آثار ۸۲-۳۷۳؛ رساله دیگری نیز در همین زمینه در سال ۱۹۱۲ توسط سمندر نگاشته شده که در سمندر، آثار ۹۹-۳۸۳ و محبوب عالم صص ۳۳-۳۲۱ منتشر گردیده است.

۲۳ مکرر- سمندر، آثار ۱۰۳-۱۱۹

۲۴- سرگذشت سمندر را به قلم خود او در سمندر، آثار ۳۰۳-۲۶۵ می‌توان یافت. نیز شرح زندگانی او در کتاب ظهور الحق ۳۳-۵۲۵: ۶، ۹-۶۰۶: ۱۸ الف؛ خوشبین، طراز آلهی ۶-۱۸۱، ۱۲۲-۶۱: ۱؛ میرزائی، خاندان ۱۰۵؛ سمندری، 'احوال'؛ سمندر، تاریخ ۶-۳ آمده است.

در سمندر، تاریخ، تاریخ قزوین در صص ۱۳-۱۵۰ و شرح زندگانی دیگران در صص ۱۵۱-۳۷۰ درج گردیده؛ در سمندر، آثار، تاریخ قزوین در صص ۳۰-۱۰۱ و شرح زندگانی دیگران در صص ۱۶۸-۲۴۳ آمده است.

۲۵- سمندر، آثار ۴۴-۷؛ خوشبین، طراز آلهی ۸۶-۹۲؛ سمندری، 'ایادی' ۸۷-۹۰؛

Balyuzi, *Baha'u'llah* 387-402.

حضرت بهاء‌الله در لوح شیخ محمد تقی اصفهانی معروف به نجفی [ابن ذئب] صص ۷۲-۳ به خودکشی وی اشاره فرمودند.

۲۶- ظهور الحق ۴۷: ۳-۸، ۳۷۲؛ میرزائی، خاندان ۸۰-۸۳؛ سمندری، 'خاندان فرهادی'؛ منبع اخیر اظهار می‌دارد که حاجی الله‌وردی حضرت باب را در کربلا زیارت نموده بود.

۲۷- ظهور الحق ۳۷۱: ۳-۳؛ سمندر، آثار ۱۳۴-۵؛ سمندری، 'خاندان فرهادی'.

۲۸- ظهور الحق ۳۷۳: ۳-۷؛ سمندر، آثار ۱۳۵؛ میرزائی، خاندان ۸۵-۸۸، ۹۳؛ سمندری، 'خاندان فرهادی'.

۲۹- ظهور الحق ۳۷۷: ۳-۹؛ سمندر، آثار ۱۳۵؛

خوشبین، طراز آلهی، ۱: ۷۸-۱۰۹۵، ۸۱؛ میرزائی، خاندان ۸۴، ۸۹-۹۰، ۹۲، ۹۴-۵.

۳۰- به نظر می‌رسد که این لقب ابتدا به سید جواد کربلائی داده شده بود. ممکن است کسه پس از درگذشت سید جواد این عنوان به آقا محمد جواد قزوینی تعلق گرفته باشد.

۳۱- ظهور الحق ۵۳۷: ۶-۸؛ حاجی حیدر علی اصفهانی، بهجت الصدور ۶۰-۷۰؛ میرزائی، خاندان ۹-۲۰. تاریخ درگذشت حاجی محمد باقر در دو منبع متفاوت ذکر گردیده: ۱۳۰۵ / ۱۸۸۷ (ظهور الحق ۵۳۸: ۶) و ۱۳۲۰ / ۱۹۰۲ (میرزائی، خاندان ۱۳). در

تاریخ خانوادگی (میرزائی، خاندان)، حاجی محمد باقر با عنوان نیل قزوینی نام برده شده و لسی در تاریخ‌های بهائی به طور کلی از وی با این عنوان یاد نگردیده و بیشتر شیخ محمد، پدر شیخ محمد کاظم سمندر، است که به او این عنوان داده شده است.

۳۲- ظهور الحق ۵۴۱: ۶-۲.

۳۳- ظهور الحق ۶۲۲: ۸ الف.

کتاب‌شناسی

(در این سیاهه، منبع‌هایی که مشخصات آنها در شماره پیش آمده تکرار نگردیده است)

- اصفهانی، حاجی میرزا حیدر علی. بهجت الصدور. هوفهایم: مؤسسه مطبوعات امری آلمان، ۲۰۰۲.

- بهاء‌الله. آثار قلم اعلیٰ. نشر جدید. ۲ جلد. همپلتون، اونتاریو (کانادا): مؤسسه معارف بهائی، ۱۹۹۶-۲۰۰۲.

- بهاء‌الله. لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی. طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۱۹ بدیع.

- بهاء‌الله. منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله. لانگه‌این: مؤسسه مطبوعات امری آلمان، ۱۴۱ بدیع / ۱۹۸۴.

- سمندری، مهدی. ایادی امیرالله جناب طرازالله سمندری و خاندان‌های سمندری و نیلایی، خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر ۹ (۱۹۹۸)، ۷۵-۹۶.

- محبوب عالم. کانادا: هیئت تحریریه عندلیب نشریه محفل روحانی ملی بهائیان کانادا، ۱۹۹۲.

- میرزائی (گرچی)، تاریخ. خاندان نیل جلیل و فرهاد. پرت (استرالیا)، انتشار شخصی، ۲۰۰۳.

رساله مد طرحی به

بهر روز ثابت

تجدد گرایی و

عبدالبهاء

غربی اندخته

«الآن بین قتل

و ترتیب و

و علوم و مع

و اکثر مرقع

در ازمنه قدی

جاهل و کده

عبدالبهاء سب

قرن پانزده میلادی

اروپا اشره کرده

طلبانه و توسعه

بیداری غرب

مبحث ایشان

ضرر و سستی

می‌شود و در

«بعضی گویند

بعیده است

پیام بهائی شمره

رساله مدنیّه:

طرحی برای اصلاح و آبادانی ایران

بهروز ثابت

تجدد گرایی و تمدن غرب

عبدالبهاء نگاهی به حال و گذشته جوامع غربی انداخته آن را این چنین ارزیابی می کند:

«الآن بین قطعات خمسۀ عالم به حسب نظم و ترتیب و سیاست و تجارت و صناعت و فنون و علوم و معارف و حکمت طبیعیۀ قطعۀ اروپ و اکثر مواقع امریک شهرت یافته و حال آنکه در ازمۀ قدیمه متوحش ترین طوائف عالم و جاهل و کاهل ترین قبائل و امم بودند»

عبدالبهاء سپس به قرون وسطی - از قرن پنجم تا قرن پانزده میلادی - و دوران تاریک اندیشی در اروپا اشاره کرده ظهور و بروز افکار جدید اصلاح طلبانه و توسعه علم و معرفت را عامل تحرک و بیداری غرب به حساب می آورد. در ادامه این مبحث ایشان این سؤال را مطرح می کند که چه ضرر و سستی در اقتباس از افکار جدید حاصل می شود و در توضیح مطلب می نویسد:

«بعضی گویند که این افکار جدیدۀ ممالک بعیده است و منافی مقتضیات حالیه و اطوار

قدیم ایران. و برخی بیچارگان، ناس را که از اساس متین دین و ارکان شرع مبین بی خبرند و قوۀ امتیازیۀ ندارند جمع نموده گویند که این قوانین بلاد کفریۀ است و مغایر اصول مرعیۀ شرعیۀ. اشخاصی که گویند این افکار جدیدۀ موافق حال طوائف سائرۀ است و به مقتضیات حالیه و روش احوال ایران مناسبتی ندارد فی الجملة ملاحظه نمی نمایند که ممالک سائرۀ نیز در قرون سابقه بر این منوال بوده چگونه این ترتیب و تنظیم و تشبّثات مدنیۀ سبب ترقی آن ممالک و اقالیم گشته. آیا اهل اروپ از این تشبّثات ضری مشاهده نموده اند و یا خود بالعکس به کمال علم و منزلت جسمانیۀ نائل گشتند؟»

عبدالبهاء اشاره می کند که این اصلاحات یعنی ایجاد اسباب و وسایل تمدن مادی و پیشرفت علم و فن و بسط دائره صنایع و نیز انتظام و ضبط و ربط امور مملکت مطابق ضوابط نوین، مغایرتی با اصل دیانت و روحانیت و مبانی

اخلاق ندارد. سپس با نقل نمونه‌هایی از تاریخ و سنت ادیان الهی استدلال می‌کند که دیانت حقیقی همواره مسرّوح و مشوّق علم و دانش و تعلیم و تربیت بوده است. و نیز اشاره می‌کند که جریان وحی و شریعت الهی با آداب و رسوم فرهنگی و سنن قومی و محلی و

تعصبات دوران جاهلیت متفاوت است. باید به اصل دین و جنبه پویا و متحوّل آن توجه داشت. اگر دین را با عادات فرسوده و تعصبات قبیله‌ای دوران جاهلیت ترکیب کنیم دین به سدی در مقابل ترقی و پیشرفت تبدیل خواهد شد. می‌گوید در روایات دینی آمده که انسان می‌تواند برخی اخلاق و شیم مرضیه را از وحوش اقتباس کند و عبرت گیرد. پس اگر عبرت‌گیری از حیوان جائز است، اگر حتی حیوان می‌تواند به انسان چیزی بیاموزد، چرا ما نتوانیم از سایر ملل اقتباس و کسب معارف و فنون کنیم؟

عبدالبهاء اکتساب اصول و قوانین مدنی و اقتباس معارف و صنایع را یسک شرط لازم می‌داند که در طول تاریخ جلوه‌های متعدّد تمدن را از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر منتقل ساخته و مقدمات ایجاد یک تمدن جهانی را فراهم ساخته است. عبدالبهاء خدمات دانشمندان ایرانی و فلاسفه اسلامی را ستایش می‌کند. همچنین اشاره می‌کند که علما و متفکرین شرق و

«از جمله اسباب کلیه که سبب اجتناب ادیان سائره به تدین به دین الهی گشته تعصب و حمیت جاهلیه است... اجتناب و احتراز و خشونت سبب اشمئزاز قلوب و نفوس گردد و محبت و ملاطفت و مدارا سبب اقبال و توجّه قلوب شود.»

غرب بر این رأی متفق القولند که بسیاری از معارف مثل طب و ریاضی و نیز علم منطق از فلسفه یونان و افکار فلاسفه‌ای مانند ارسطو ریشه گرفته است و لذا اکتساب دانش به مفهوم تقلید از آداب و رسوم فرهنگ خاصی نیست بلکه یک جریان عمومی و جهانی و منشعب از

نیاز طبیعی انسان به شناخت و آگاهی است. جریانی است تاریخی که در طول آن غنای اندیشه و بلوغ فکر در ماورای ملاحظات قومی صورت پذیرفته است. ایشان توجه به استدلال منطقی را که نتیجه باروری فکر فلسفی و علمیست تأکید می‌کند و می‌نویسد:

«اگر عالمی در فنون شستی مهارت کامله داشته و لکن در فن منطق تتبع تمام نیافته اعتماد کلی بر اقوال و نتایج فکریه و استنباط مسائل کلیه اونه.»

عبدالبهاء تمدن غرب را تمدنی می‌داند پیشرفته در امور مادی، علمی، فنی، و سازمان‌های اجتماعی. ایشان در عین حال معتقد است که جنبه مادی تمدن غرب نیازمند نوعی جهان بینی معنوی است که با تفکر علمی منازعه نداشته باشد و دستاوردهای ممتاز غرب را در زمینه حقوق بشر و ایجاد جامعه مدنی تخطئه نکند. بلکه آنها را با مقتضیات یک جهان متحد هماهنگ سازد و با جستجو و تلاش تاریخی انسان به جهت کسب معنا و درک علل غائی و

ن رأی متفق
بسیاری از
طسب و
علم منطق
افکار
ارسطو
ست و لذا
نش به مفهوم
ب و رسوم
صی نیست
تریان عمومی
منشعب از
می است.
آن غنای
ضات قومی
به استدلال
و علم نیست
رت کامله
تنام نیافته
یه و استنباط
می دانند
فنی، و
حل معتقد
یزمند نوعی
عممی منازعه
غرب را در
تخطئه
جهن متحد
تاریخی
غن غائی و

شناخت ارزش‌هایی برتر از جهان مادی وفق دهد.
رساله مدنیته همچنین شامل انتقاد از جنبه‌های
نظامی‌گری و میلیتاریسم غرب است و به لزومیت
صلح جهانی تأکید می‌کند. از دیدگاه ایشان صلح
و وحدت محور فلسفه اخلاق است. اگر صلح
صورت نگیرد هر تشبثی به فضائل نیز در غایت
معطل و معسوق می‌ماند. عبدالبهاء با بیان
مثال‌هایی از جنگ‌های میان دول اروپایی به
مضرات و نتایج وخیم جنگ، به کشتار هزاران
انسان، به یتیم شدن و آوارگی کودکان، و به
مصارف سنگین جنگ که مردم عادی بایستی
خرج آن را پردازند اشاره کرده این امور را مغایر
آداب تمدن دانسته می‌گوید تا این امور متوقف
نگردد هیچ تمدنی نمی‌تواند ادعای کامل بودن و
یا حقیقی بودن داشته باشد. پس از این اشارات،
پیشنهادی را مطرح می‌کند که یکی از مفاهیم
اصلی این رساله است و یکی از جنبه‌هایی است
که این رساله را از سایر رسالات همزمانش جدا و
ممتاز می‌سازد. این پیشنهاد دستورالعملی است
برای تمام ملل عالم بخصوص دول پیشرفته
صنعتی غرب. می‌نویسد:

«بلی تمدن حقیقی وقتی در قطب عالم علم
افرازد که چند ملوک بزرگوار بلند همت چون
آفتاب رخشنده عالم غیرت و حمیت به جهت
خیریت و سعادت عموم بشر به عزمی ثابت و
رأی راسخ قدم پیش نهاده مسأله صلح
عمومی را در میدان مشورت گذارند و به
جمیع وسائل و وسائط تشبث نموده عقد
انجمن دول عالم نمایند و یک معاهده قوی و
میثاق و شروط محکمه‌ثابته تأسیس نمایند و
اعلان نموده به اتفاق عموم هیئت بشریه
مؤکد فرمایند. این امر اتم اقوم را که فی

الحقیقه سبب آسایش آفرینش است کُل
سگان ارض مقدس شمرده جمیع قوای عالم
متوجه ثبوت و بقای این عهد اعظم باشند. و
در این معاهده عمومی تعیین و تحدید حدود
و ثغور هر دولتی گردد و توضیح روش و
حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات و
مناسبات دولتی و روابط و ضوابط مابین هیئت
حکومته بشریه مقرر و معین گردد و کذلک
قوه حربیه هر حکومتی به حدی معلوم
مخصص شود. چه اگر تدارکات محاربه و قوه
عسکریه دولتی از دیاد یابد سبب توهم دول
سائره گردد. باری اصل مبنای این عهد قوم
را بر آن قرار دهند که اگر دولتی از دول من
بعد شرطی از شروط را فسخ نماید کُل دول
عالم بر اضمحلال او قیام نمایند بلکه هیئت
بشریه به کمال قوت بر تدمیر آن حکومت
برخیزد... اگر جسم مریض عالم به این داروی
اعظم موفق گردد البته اعتدال کلی کسب
نموده به شفای باقی دائمی فائز گردد».

در ادامه این موضوع عبدالبهاء توجه خواننده را به
این مطلب جلب می‌کند که اگر چنین تحولی در
نظام عالم صورت گیرد و خلع سلاح عمومی در
تحت چنین شرایطی پیاده شود ملل عالم محتاج
تدارکات مهمات جنگ نخواهند بود و فقط
نیازمند نیروی مختصری خواهند بود که امنیت
داخلی آنها را حفظ کند.

این رساله که در سال ۱۸۷۵ میلادی نوشته
شده شاید از جمله معدود رسالاتی باشد که در آن
زمان به صراحت و دقت اصول و مبانی امنیت
جمعی را مطرح کرده است. باید توجه داشت که
اولین جلسه عملی امنیت جمعی سال‌ها بعد-
تقریباً ۴۵ سال بعد- در طرح صلح ویلسون و

تشکیل جامعه ملل تحقق پیدا کرد. طرح امنیت جمعی عبدالبهاء به نحوی محسوس واقعیت گرا و معطوف به جنبه‌های عملیست. خلع سلاح را به صورت عمومی و جامع و در سطح بین‌المللی و در تحت یک میثاق جهانی مطرح می‌کنند. دیدگاهش از صلح یک دیدگاه ایده‌آلی محض نیست. توسل به قوه قهریه را یک طرفه نفی نمی‌کند. لزوم استفاده از قوه قهریه را اگر در قالب مکانیسم امنیت جمعی باشد و از نقض عهد میثاق جهانی جلوگیری کند مجاز می‌داند. ایشان می‌دانست که با توجه به شرایط سیاسی جهان بسیاری ممکن است گمان کنند این افکار و آراء با واقعیت وفق نمی‌کند و اجرای آنها مشکل و یا ممتنع است. ایشان ضمن تأکید بر دشواری تحقق امنیت جمعی آن را امری امکان پذیر می‌داند. صلح را مطابق اراده الهی دانسته معتقد است هیچ امر خیری در عالم وجود ممتنع و محال نیست. به گذشته اشاره کرده و می‌خواهد که از تاریخ درس بگیریم. استدلال عبدالبهاء آنست که چقدر امور مشکل که عقل تصور وقوع آنها را نمی‌نمود حال به مرور تحقق یافته است. پس چرا صلح را که سبب مدنیت و فوز و فلاح و راحت عالم است ممتنع و محال فرض کنیم. «لابد بر اینست که عاقبت شاهد این سعادت در انجمن عالم جاوه‌گر گردد». تحولاتی که در قرن بیستم رخ داد از ظهور جامعه ملل تا تشکیل سازمان ملل و رویدادهایی که روابط بین‌المللی را به سمت مقتضیات یک نظام جهانی سوق داده نشانه‌های روشن و بارزیست که اطمینان عبدالبهاء به تحقق نهائی صلح ریشه در واقعیت داشته و تنها یک ایده‌آل محض و یا تکرار یک آرزو و امید نبوده است. عبدالبهاء معتقد است که تهیة اسباب

جنگ و عواقب مادی و روانی آن به درجه‌ای خواهد رسید که مافوق تحمل مردم عالم خواهد بود و جهان از جنگ خسته خواهد شد. رنج و مشقت ناشی از جنگ در نفس خود موجد و محرک واکنشی روانی و اخلاقی خواهد بود که بالمآل به تثبیت مبانی صلح خواهد انجامید. چرا که فطرت روحانی انسان و قوای وجدانی او به صورت طبیعی معطوف به صلح است و سرانجام جنگ و خشونت چندین هزار ساله تحمل او را اشباع خواهد کرد. ندای وجدان و خرد و اخلاق به درد و رنج ناشی از جنگ واکنش نشان خواهد داد. دول و ملل پی خواهند برد که نتایج جنگ جز انهدام چیز دیگری نیست. عبدالبهاء نتیجه می‌گیرد که قوای ظاهری و قهر و غلبه نمی‌تواند برای همیشه استیلا پیدا کند چرا که هیچ نیرویی نمی‌تواند در مقابل قوای عدالت ایستادگی کند. عدالت است که بایستی فرق حکومت را به انوارش روشن کند. عقل و عدالت را «جبال آهنین مقاومت نتواند و سد سکندری را متانت نماند».

معنای حقیقی دیانت

و نقش آن در اجتماع و سیاست

عبدالبهاء می‌نویسد:

«اگر به نظر دقیق ملاحظه نمائید مشهود گردد که در این عصر سیف (شمشیر) واسطه ترویج نه بلکه سبب وحشت و دهشت و اشمئزاز قلوب و نفوس گردد و در شریعت مبارکه غرأ اهل کتاب را به قوه قاهره اجبار بر اقرار و ایمان جائز نه... چه که ایمانی که به ضرب سیف حاصل گردد بسیار بی اعتبار و به سبب امر جزئی منقلب به کفر و ضلال می‌شود».

رجه‌ای خواهد رنج و موجود بود که پیدا. چرا او به سر انجامش او را خلاق خواهد جنگ نتیجه می‌تواند نیرویی نمی‌کند. ت را به اقبال متانت

رنگ گردد ترویج نه رقیب همل و میان ت سیف سب امر

در ادامه این مطالب پس از ذکر نمونه‌ها و شواهدی از مسیحیت و اسلام نتیجه می‌گیرد که: «دین الهی به کمالات انسانی و اخلاق حسنه و شیم مرضیه و روش و حرکت روحانیه است. اگر نفسی به صرافت فطرت اقبال الی الله نماید مقبول درگاه احدیت بوده چه که این نفس از اغراض شخصی و طمع منافع ذاتیه مبرا و به صون حمایت حق التجا نموده به صفت امانت و صداقت و پرهیزکاری و حقوق پروری و همت و وفا و دیانت و تقی بین خلق ظاهر گردد و مقصود اصلی از انزال شرایع مقدسه سمائیه که سعادت اخروی و تمدن دنیوی و

تهدیب اخلاق باشد حاصل گردد و الا به ضرب سیف به ظاهر مقبل و در بساطن مغسل و مدبر گردند».

دیدگاه عبدالبهاء

آنست که مفهوم حقیقی دیانت با آنچه قرن‌ها به اسم دیانت عمل شده تفاوت اساسی دارد. او معتقد است معنویت حقیقی در جهان امروز بایستی زمینه‌ساز آشتی ادیان و فرهنگ صلح قرار گیرد. منازعات مذهبی برای قرن‌ها جامعه انسانی را به بستر ناکامی انداخته و بسیاری را به باور کشانده که دیانت وسیله و اسباب توجیه خشونت و جنگ بوده است. عبدالبهاء با صراحت و دقت، نظر دیدگاهی را عرضه می‌کند که اصل دیانت را از منازعه و مرافعه فراتر می‌بیند و ناظر به معنویتی می‌داند که بایستی فرد را از درون دچار

تحول سازد و هر تغییر بیرونی انعکاسی از آن تغییرات درونی و اخلاقی باشد. منظور از انزال شرایع آسمانی را پیشرفت و تکامل تمدن انسان و تهدیب اخلاق او می‌داند. یعنی مفهوم حقیقی دیانت در مباحث جدلی و اختلافات تئولوژیک نیست بلکه در ایجاد جامعه‌ای است که کمال معنوی و اخلاقی انسان‌ها را ایجاد کند و مروج تعلیم و تربیت باشد و با پیشرفت تمدن هم‌گام گردد. اگر هدف دیانت صلح و ترقی اجتماعی است وسیله دستیابی به چنان هدفی نیز بایستی با اهداف صلح و ترقی موافق و مقارن باشد. عبدالبهاء به اهل ادیان خطاب می‌کند که اگر می‌خواهند حقانیت

خود را ترویج کنند راه آن استفاده از ارباب و خشونت نیست. بایستی جریان تغییر را از درون آغاز کرد. فضائل و کمالات اخلاقی را اکتساب کرد. قوای

«اگر عالمی در فنون شتی مهارت کامله داشته و لکن در فن منطق تتبع تمام نیافته اعتماد کلی بر اقوال و نتایج فکریه و استنباط مسائل کلیه اونه».

فکری و عقلانی را تقویت نمود. اسباب تعلیم و تربیت را گسترش داد. علم و فن زمانه را کسب کرد. نظم اجتماعی را بر موازین قانونی استوار ساخت و به حقوق و آزادی انسان‌ها احترام گذاشت. تنها در این صورت است و تنها با تشبث به مقتضیات تمدن است که می‌توان دیگران را به حقانیت یک ادعا راهبر شد.

عبدالبهاء تأکید می‌کند که مفهوم حقیقی دیانت در آشتی و مرافقت میان اهل ادیان است. می‌نویسد:

«از جمله اسباب کلیه که سبب اجتناب ادیان

سائره به تدین به دین الهی گشته تعصب و حمیت جاهلیه است... اجتناب و احتراز و خشونت سبب اشمئزاز قلوب و نفوس گردد و محبت و ملاحظت و مدارا سبب اقبال و توجه قلوب شود».

به مؤمنین توصیه می کند که اگر با دیگران و سایر ملل نیامیزیم و خدای ناکرده آنها را فاقد طهارت بدانیم چنان سبب حزن قلوب خواهیم شد که آنها اگر شق القمر نیز مشاهده کنند از اقبال به حق سر باز خواهند زد. لذا صفت ایمان در تعصب عقیدتی نیست بلکه تشبث به عدل و انصاف و بردباری و مرحمت و حقوق پروریست. در ادامه این بحث با صراحت و دلسوزی هم وطنان خود را این چنین مورد خطاب قرار می دهد:

«پس اگر نفسی فی الحقیقه پاک و مقدس باشد متشبث به وسائلی شود که جلب قلوب کل ملل عالم نماید و به صفات حق جمیع عالم را به صراط مستقیم کشاند و از کوثر حیات ابدیه چشاند. حال ما از جمیع امور خیریه چشم پوشیده سعادت ابدیه جمهور را فدای منافع موقته خود می نماییم و تعصب و حمیت جاهلیسه را وسیله عسرت و اعتبار خویشتن می شمیریم. به این قناعت ننموده به تکفیر و تسد میر یکدیگر می کوشیم و چون خواهیم که اظهار معرفت و دانایی وزهد و ورع و تقوای الهی نمائیم به طعن و سب این و آن پردازیم که عقیده فلان باطل است و عمل فلان ناقص. عبادت زید قلیل است و دیانت عمرو ضعیف. افکار فلان مشابه اطوار فرهنگ است و اسرار فلان متوجه نام و ننگ».

عبدالبهاء با شهامت و صراحت علماء را از

دخالت در امور سیاسی بر حذر می دارد و وظیفه ایشان را ترویج معرفت و اخلاق می داند، نه در دست گرفتن حکومت. ایشان در رساله مدتیسه و رساله سیاسییه لزومیت تفکیک دولت و روحانیت را مطرح کرد. عبدالبهاء استدلال می کند که علمای ربّانی از سعه صدر برخوردارند و از تعلق بیزار. چون در سیاست مداخله کنند و مرجع تنفیذ شوند خود تیشه به ریشه مقام خود می زنند. اگر دیانت در پی کسب قدرت ظاهریست و می خواهد نهادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را نیز متأثر سازد راه آن در استفاده از روش آمرانه معطوف به کسب قدرت سیاسی نیست. روشی که در طول تاریخ وخیم ترین نتایج را برای جامعه انسانی ببار آورده است. روشی که مقبولیت ظاهری و مادی را برای دین به همراه می آورد روش هم گامی با شرایط پیشرفت و ترقی تمدن است. روشی که تشریح آن هدف اصلی در نگارش رساله مدتیسه بوده است. عبدالبهاء این مفاهیم را زمانی مطرح کرد که تازه مقدمات ارتباطات جهانی در حال تحقق بود. انقلاب صنعتی در اروپا آغاز و در آمریکا تقویت شده بود. در قرن بیستم این جریان از شدت بیشتر برخوردار گشت و دامنه ارتباطات جهانی به صورت تصاعدی افزایش یافت. انقلاب فنی دامنه تجارت بین المللی و مبادلات میان کشورها و قارات عالم را افزایش داد. قوه بخار انرژی کارخانه ها و مراکز تولید را فراهم آورد و راه آهن و کشتی های اقیانوس پیما را به حرکت درآورد. این تحولات طبیعتاً فرهنگ ها و ادیان مختلف را به یکدیگر نزدیکتر ساخت و به صورت فیزیکی در مقابل هم قرار داد. عبدالبهاء به روشنی از این تحولات آگاه بود و می دانست که اگر فرهنگ

«الآن بین قطعات خمسۀ عالم به حسب نظم و ترتیب و سیاست و تجارت و صناعت و فنون و علوم و معارف و حکمت طبیعیۀ قطعۀ اروپا و اکثر مواقع امریک شہرت یافته و حال آنکہ در ازمنہ قدیمہ متوحش ترین طوائف عالم و جاہل و کاهل ترین قبائل و امم بودند»

صلح در روابط ادیان
حاکم نشود گسترش
دامنہ ارتباطات می تواند
تصادم فرهنگی و منازعہ
ادیان را بہ دنبال آورد.
لذا پیشنهاد ایشان بہ اهل
ادیان آنست کہ بیایید زور

مدنیہ عبدالبهاء از فضای قرن نوزده به شرایط حساس قرن بیست و یکم ارتباط پیدا می کند. عبدالبهاء در رسالہ مدنیہ بر آن است کہ میان مفهوم حقیقت دیانت و جریان لا یزال پیشرفت تمدن رابطه ای ضروری و متعادل برقرار سازد. قرائت متن بہ روشنی نشان می دهد کہ رسالہ مدنیہ مبدع افکار تازه بوده است. این رسالہ مبتنی بر مشاهدات و تفکرات نویسنده آن است کہ از روی ضرورت تاریخی و عرضہ راه حلّ برای رکود جامعہ ایران نوشته شده. خطاب و گوشزدی است برای بیداری اجتماعی. قطعاً از تفکرات محیطش متأثر است و زبان خاصّ خود را دارد. اما بینش آن از محدوده زمانی و مکانیش فراتر می رود. این بینش عبارتست از ایجاد نوعی تعادل فکری و هم آهنگی نظری در گفتمان سیاسی و فرهنگی جامعہ معاصر ایران. تعادلی میان واقع بینی و آرمان گرایی، میان هویت ملی و جهانی شدن روابط انسان ها. در مقایسہ تطبیقی رسالہ مدنیہ با سایر رسالاتی کہ هم زمان با آن نوشته شده، توجّہ بہ این بینش از اهمیت خاصّی برخوردار است. یکی دیگر از جنبه های این بینش تفکیک دولت و روحانیت و عرضہ تعریفی عمومی و کلی از مفهوم دیانت و ارتباط آن با فرهنگ صلح و ایجاد زمینه برای آشتی ادیان است. ■

ادامه دارد

و تحمیل عقیده را از میان برداریم و همسہ بہ اسباب تمدن تشبّث جویم. چه اگر در دنیایی کہ هزاران مرام و آئین رایج است هریک بخواهد حرف خود را بہ دیگری تحمیل کند در زمانی کوتاہ جنگ هفتاد و دو دولت بہ راه می افتد. عبدالبهاء با نفسی روش آمرانه و خشونت آمیز، ادیان را بہ یک گفتگوی جهانی برای ایجاد یک نظم بین المللی فرا می خواند. در این راه شرفیانی را بہ لزومیت برخورداری و اقتباس از نتایج تجدد تشویق می کند و غربیان را بہ اعتدال در امور و آشتی آزادی با انضباط اخلاقی، فرا می خواند چرا کہ نفس تمدن اگر از مدار اعتدال خارج شود اسباب تشویش عالم خواهد شد.

در قرن بیست و یکم نہ تنها اعتبار دین از میان نرفته بلکه لزوم معنویت و تعبیری روحانی از مقام انسان و هدف حیات دوبارہ زنده گشته است. در کنار این جریان تعصبات و قشری گرایی مذهبی نیز فرصتی یافته تا با سوء استفاده از اضطراب متافیزیکی قد علم کند و یکسره تمام دستاوردهای تجدد را نامشروع قلمداد کند. در نتیجہ این تحولات یکی از موضوعات اصلی کہ حال در سطح جهان مورد مشورت قرار گرفته آنست کہ چگونه می توان از مفهوم حقیقی دیانت بہ نفع تمدن بهره برد بدون آنکہ در غرقاب تعصب و تحجّر فرورفت. اینجاست کہ رسالہ

گزارش نقض حقوق بهائیان سمنان طی چهار سال اخیر

از خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

سه‌شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۱

خبرگزاری هرانا: از آن‌رو که بهائیان استان سمنان بیشترین قربانیان نقض حقوق بشر در بین اقلیت‌های مذهبی ایران بشمار می‌روند این بار بطور خلاصه نگاهی به مسائل پیرامون ایشان از سال ۱۳۸۷ تا کنون می‌کنیم. باشد که انتشار دورنمایی چند ساله از نقض حقوق اولیه بهائیان استان سمنان توجه بیشتر نهادهای حقوق بشری را به این اقلیت دینی ایران جلب نماید.

در زیر گزارش نقض حقوق اولیه بهائیان استان سمنان طی چهار سال گذشته می‌آید:

سال ۱۳۸۷ شمسی

- یورش به منازل بهائیان در یک روز و بردن کتب ادعیه و مناجات، اسناد و مدارک بانکی و ملکی، عکس‌ها و فیلم‌های خانوادگی. از این عکس‌ها و فیلم‌ها در بازجویی‌ها سوء استفاده شده است.
- نام بهائینی که به منزلشان یورش بردند از این قرار است:

- ۱- نظام الدین فنائیان ۲- جهانگیر نورانی ۳-
 - ۴- عادل فنائیان ۴- طساهر اسکندریان ۵- بهفر
 - ۶- خاندانی ۶- نجات خاندانی ۷- بهناز خاندانی
 - ۸- هژیر هدایتی ۹- میترا اسکندریان ۱۰- عباس نورانی ۱۱- اکبر پورحسینی ۱۲- پویا تبیانیان ۱۳-
 - ۱۴- افراسیاب سبحانی ۱۴- سعید منزویان ۱۵- سیاوش جابری ۱۶- سیامک ایقانی ۱۷- افشین ایقانی
 - ۱۸- علی احسانی ۱۹- ضیاء بشارتی ۲۰- شاهین خاندانی ۲۱- گودرز بیدقی.
- بازداشت صهبا رضوانی که پس از تحمل ۳ ماه زندان انفرادی و بازجویی‌های غیرقانونی و... محکوم به ۳ سال و هشت ماه تحمل زندان گردید که در دادگاه تجدید نظر به ۳ سال حبس تقلیل یافت و پس از ۵ ماه از زندان سمنان به زندان اوین منتقل گردید و تا پایان ۳ سال حبس خود در آنجا بود.
 - ۳ بار شکستن شیشه ماشین نظام الدین فنائیان برای آزار و اذیت وی و خانواده ایشان. نظام الدین فنائیان همسر صهبا رضوانی می‌باشد.
 - تلفن‌های مکرر تهدیدآمیز به اعضای خانواده



حبس محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۲ سال حبس تقلیل یافت. ایشان پس از تحمّل ۱۴ ماه حبس از زندان آزاد شدند ولی در اسفند ۱۳۸۹ مجدداً به منزل ایشان یورش بردند و ایشان را بازداشت کردند و محکوم به ۶ سال حبس نمودند، هم‌اکنون پویا تبیانیان با سپردن وثیقه آزاد هستند و به حکم خود اعتراض کرده و منتظر رأی دادگاه تجدید نظر می‌باشند.

سال ۱۳۸۸ شمسی

- جواز مغازه فروش لباس زیرزنانه، متعلق به خانم سوسن تبیانیان باطل گردید و ایشان از کسب و کار محروم شدند.
- بازداشت خانم منیژه منزویان و محکومیت ایشان به ۳ سال و ۶ ماه حبس. ایشان هم‌اکنون در زندان اوین هستند و بیش از ۲ سال از محکومیتشان را گذرانده‌اند.

صهبا رضوانی و نظام الدین فنائیان از طرف اداره اطلاعات استان سمنان.

- زندانی کردن عادل فنائیان به مدت ۶ ماه در پی اجرای حکم سال ۱۳۸۴.
- زندانی کردن عباس نورانی به مدت ۶ ماه در پی اجرای حکم سال ۱۳۸۴.
- زندانی کردن طاهر اسکندریان به مدت ۶ ماه در پی اجرای حکم سال ۱۳۸۴.
- تشکیل سمینارها و سخنرانی‌های متعدد بر علیه دیانت بهائی در شهر سمنان.
- مراجعه روحانیون به مدارس سمنان و توهین به دیانت بهائی در حضور کودکان بهائی.
- پرتاب سنگ و وسایل آتش‌زا در نیمه‌های شب به منزل یحیی هدایتی. (ایشان دارای ۳ فرزند می‌باشند)
- بازداشت پویا تبیانیان که پس از تحمّل زندان انفرادی و تشکیل دادگاه به ۲ سال و ۶ ماه

نورانی ۳-

۵- بهفسر

خانجانی

۱۰- عباس

تبیانیان ۱۳-

۱۵- سیاوش

تبیان ابقانی

۲۰- شاهین

تحمّل ۳ ماه

رف نونی و...

حبس زندان

۲ سال حبس

سمنان به

۲ سال حبس

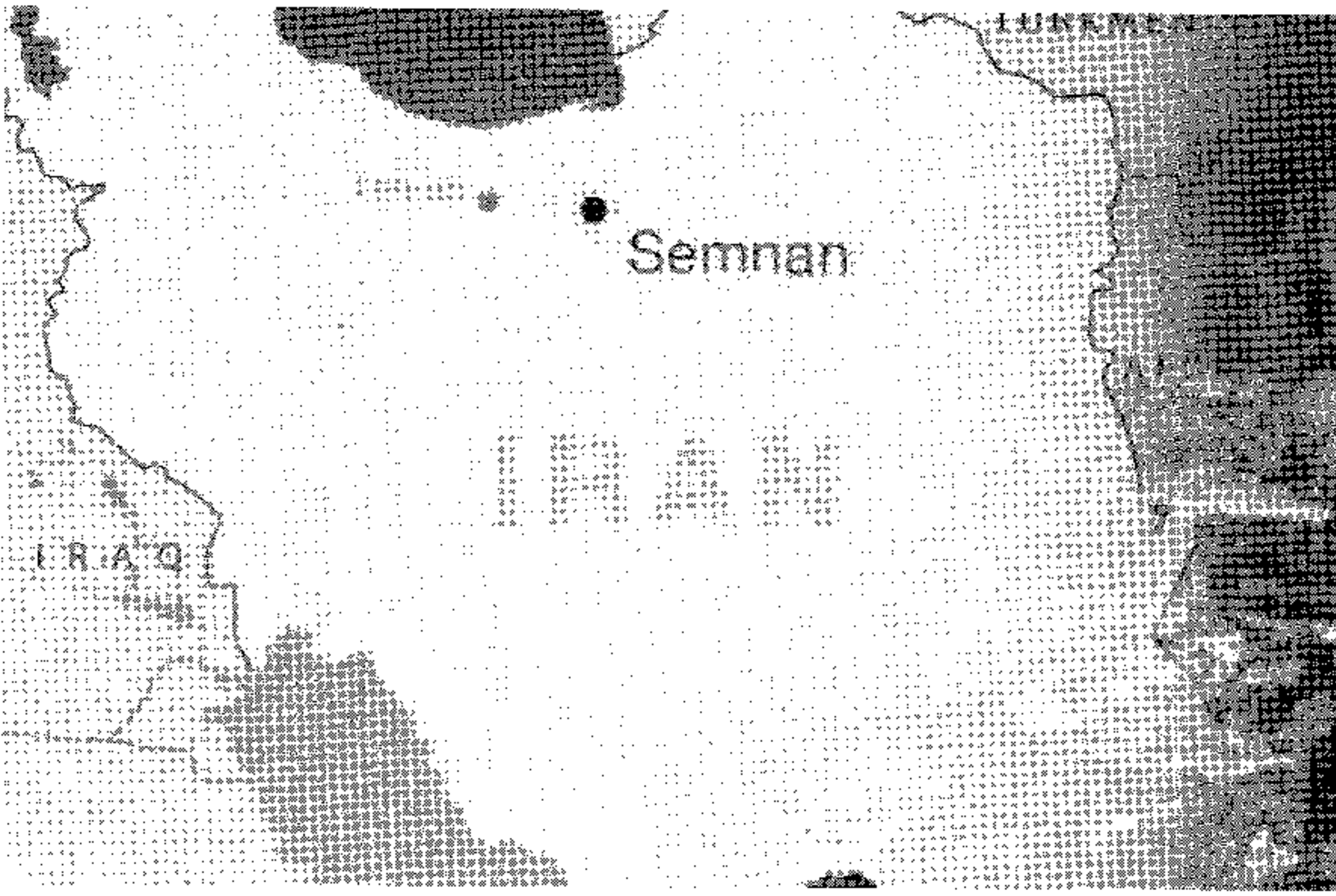
تبیان فنائیان

یشن. نظام

می باشد.

ی خانواده

تخریب نموده‌اند. هم‌اکنون بهائیان سمنان و سنگسر برای دفن متوفیان خود با مشکلات زیادی روبرو هستند.



سال ۱۳۸۹ شمسی

- یورش مجدد به منزل عادل فنائیان و بازداشت ایشان که نهایتاً منجر به محکومیتشان به ۶ سال حبس شد. ایشان هم‌اکنون در زندان سمنان بسر می‌برند.
- بازداشت و محکومیت آقای بهنام متعارفی به یک سال و نیم حبس.
- بازداشت و محکوم کردن آقای سیامک ایقانی به ۳ سال حبس. ایشان هنوز در زندان سمنان هستند و بخاطر شرایط بسیار بد زندان سمنان از تنگی نفس و رماتیسم رنج می‌برند.
- بازداشت آقای علی احسانی و محکوم شدنشان به ۲ سال حبس و ۲ سال نفی بلد. هم‌اکنون ایشان بعد از سپری کردن دوره حبسشان، باید بخاطر حکم نفی بلد ۲ سال از شهر سمنان خارج بشوند. آقای علی احسانی دارای ۲ فرزند ۶ و ۸ ساله می‌باشند.

توضیح

- نفی بلد نوعی از تبعید است که فرد باید در طی محکومیت از شهر محل سکونت خود بیرون برود و فرق آن با حکم تبعید آن است که در تبعید برای فرد محکوم محلی هم که باید به آنجا برود را مشخص می‌کنند ولی در نفی بلد انتخاب محل به عهده خود محکوم است.
- عدم صدور جواز دفن برای خانم سبحانی به مدت ۳ روز. در طول این مدت جنازه ایشان بلا تکلیف بود.
 - خراب کردن سد کشاورزی، متعلق به خانواده

- بازداشت سوسن تبیانیان و محکومیت ایشان به ۱۸ ماه حبس که جهت اجرای حکم به زندان اوین منتقل شدند ایشان پس از سپری شدن ۱۴ ماه در تیرماه ۱۳۸۹ آزاد شدند. ایشان دارای دو فرزند ۴ و ۹ ساله هستند.
- بیش از ۴ مرتبه اخراج آقای عباس نورانی از محل کار.
- اخراج مژده نورانی از دانشگاه سمنان.
- بستن مغازه گل‌فروشی آقای پیمان رحمانیان. در نتیجه این اقدام آقای پیمان رحمانیان و خانم زهرا گلستانی از کسب و کار محروم شدند.
- تخریب گلستان جاوید (قبرستان بهائیان) شهرستان سنگسر که متوفیان بهائی شهر سمنان و شهرستان سنگسر در آنجا دفن می‌شدند. اینگونه اقدامات به دفعات (حداًقل ۹ بار) تکرار شده و تا سال ۱۳۹۱ هم ادامه داشته است. در اینگونه حملات به این قبرستان تمامی درختان بالای قبور بارها از بین رفته، سرویس بهداشتی قبرستان کاملاً ویران شده و سنگ قبرها تخریب شده است. لازم به ذکر است که بهائیان سمنان و سنگسر به دفعات با صرف هزینه شخصی سعی در ترمیم آسیب‌های وارده به این قبرستان کرده‌اند ولی هر بار بعد از ترمیم، مأموران دولتی مجدداً مراجعه کرده و اماکن بازسازی شده را دوباره



تجدید نظر تهرئه شدند ولی مغازه پلاستیک فروشی آقای سبجانی به آتش کشیده شد و سرانجام نیز پلمب گردید. در نتیجه افراد ذیل بیکار شدند:

- آقایان: سپهر سبجانی، سیاوش جابری و خانم‌ها: لیلا کسایی و ناهید حر.
- یورش مجدد به منزل سیامک ایقانی و انیسا فنائیان (عکس بالا) و بردن وسایل شخصی از قبیل: اسناد بانکی، کامپیوتر، دسته چک، عکس‌ها و فیلم‌های خانوادگی... از منزل ایشان.
- یورش مجدد به منزل آقای عباس نورانی.

سال ۱۳۹۰ شمسی

- باطل کردن جواز کسب و پلمب شدن مغازه عینک سازی زایس متعلق به آقای لیدر تبیانیان که در نتیجه این اقدام افراد ذیل از کسب و کار محروم شدند:
- سیامک ایقانی، لیدر تبیانیان، حمید رضا بیسقی، اردشیر فنائیان، پویا تبیانیان، آناهیتا اعظمی و پرویز لطفی.
- بازجویی‌های طولانی و غیرقانونی اداره اطلاعات استان سمنان از خانم انیسا فنائیان (همسر آقای سیامک ایقانی) که نهایتاً منجر به محکومیتشان به ۴ سال و ۴ ماه حبس شد. ایشان

خانجانی که توسط اعضای این خانواده و با هزینه شخصی خودشان در روستای دازگاره احداث شده بود. این سد برای آبیاری زمین‌های کشاورزی روستای 'دازگاره' به کار می‌رفت و مجوز آن نیز پیش‌تر از سوی ارگان‌های مربوطه صادر شده بود. این روستا در چند کیلومتری شهر سمنان قرار دارد و در قدیم زمینی بایر بوده که با صرف هزینه و سعی و تلاش چندین ساله خانواده خانجانی آباد شده است. نکته جالب توجه این است که وزارت اطلاعات استان سمنان هزینه تخریب را نیز از خانواده خانجانی گرفته است. مأموران این وزارتخانه با مصاحبه تعداد بسیار زیادی از گوسفندان این خانواده و فروش آنها، به زور هزینه تخریب سد را از خانواده خانجانی اخذ کرده‌اند. مجموعه این اقدامات از سال ۱۳۸۹ شروع شده و تا سال ۱۳۹۰ ادامه داشته است.

- یورش به منزل آقای نادر کسایی و بازداشت ایشان. آقای کسایی محکوم به ۳ سال حبس شدند که بعد از گذراندن ۳ ماه، دیوان عالی کشور حکم را متوقف نمود ولی ایشان مجدداً در دادگاه به یک سال حبس محکوم شدند.
- بازداشت خانم شعله طائف و محکومیت ایشان به یکسال حبس و دو سال نفی بلد. خانم طائف یک سال حبسشان را در زندان اوین تهران سپری کردند و هم‌اکنون در نفی بلد بسر می‌برند.
- پلمب کردن مغازه پوشاک خانم شمیل پیراسته، همسر آقای بهفر خانجانی. در نتیجه این اقدام افراد ذیل از کسب و کار محروم شدند:
- خانم شمیل پیراسته، آقایان بهفر خانجانی و کیان تبیانیان.
- بازجویی از آقای سپهر سبجانی و محکوم شدنشان به یک سال حبس. ایشان در دادگاه

سون بهائیان
متوقیان خود
ستند.

دن فنائیان و
ت منجر به
شد. ایشان
سر می‌برند.
قای بهنام

مک ایقانی
ندان سمنان
ن سمنان از

کرم شدنشان
هم‌اکنون
شان، باید
شهر سمنان
ری ۲ فرزند

فرد باید در
ت خود بیرون
که در تبعید
نه آنجا برود
سد نتخاب

سبجانی به
حوزه ایشان

به خانواده



تخریب مغازه‌ها، گلستان جاوید و خانه‌های بهائیان از جمله دیگر آزار و اذیت‌ها می باشد

- دارای دو فرزند دو سال و نیمه و هفت ساله می باشند. خانم انیسا فنائیان به این حکم اعتراض کرده اند و هم اکنون منتظر نتیجه دادگاه تجدید نظر می باشند در صورت تأیید این حکم از طرف دادگاه تجدید نظر و رفتن خانم انیسا فنائیان به زندان، فرزندان خردسال ایشان از داشتن پدر و مادر محروم خواهند شد زیرا همسر خانم فنائیان - آقای سیامک ایقانی - هم اکنون در زندان سمنان بسر می برند.
- پلمب کردن محل کار آقای فرهاد فنائیان (ایشان شرکت پخش کالاهای بهداشتی داشتند) از آبان ۱۳۹۰ تا اردیبهشت ۱۳۹۱. پس از ۸ ماه محروم کردن آقای فرهاد فنائیان از فعالیت شغلی و مصادره کالاهای تجاری شرکتشان، ایشان بدون هیچ دلیل موجهی محکوم به پرداخت جریمه نقدی شدند. لازم به ذکر است که آقای فرهاد فنائیان پسر خانم صهبا رضوانی و برادر خانم انیسا فنائیان می باشند و وزارت اطلاعات استان سمنان به آزار و اذیت سیستماتیک خانواده ایشان پرداخته است.
- بازداشت و محکومیت آقای بهفر خانجانی به مدت ۴ سال. ایشان هم اکنون در زندان سمنان بسر می برند. آقای بهفر خانجانی دارای دو فرزند هشت و ده ساله می باشند.
- یورش به منزل حسام تبیانان و بازداشت همسر ایشان خانم زهره نیک آیین و محکومیت خانم نیک آیین به ۷ سال حبس. این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۲۳ ماه حبس تقلیل یافت. ایشان دارای یک فرزند ۵ ماهه می باشند.
- پلمب شدن مغازه ابزار و یراق آقای علی تبیانان و ابطال جواز کار ایشان. در نتیجه این اقدام آقایان علی تبیانان و حسام تبیانان بیکار شدند.
- بازداشت آقای افشین ایقانی و محکومیت ایشان به ۴ سال و ۳ ماه و ۱ روز حبس. ایشان هم اکنون در حال گذراندن محکومیت خود در زندان سمنان می باشند. آقای افشین ایقانی دو فرزند ۳ و ۶ ساله دارند.
- پلمب کردن مغازه لوازم آرایشی آقای افشین ایقانی. در نتیجه این اقدام خواهران هدایتی و آقای افشین ایقانی بیکار شدند.

• بازداشت
 • شدن به
 • حکم در
 • حبس تق
 • بازداشت
 • روزی
 • حبس
 • نظر به
 • ایش
 • بست
 • پی
 • دفع
 • بست
 • فروشی
 • محکومیت
 • ایشان
 • شری
 • نتیجه
 • خان
 • دستگیر
 • نفی
 • ایش
 • بید
 • بست
 • آقای
 • سال
 • یورش
 • و باز
 • یک
 • باز
 • احس
 • حبس



روفیا بیدقی

ژینوس نورانی

ماه حبس تقلیل یافت.

گفتنی است، ایشان دارای یک فرزند ۱ ماهه می باشند که سه علت فشار بسازجویی و اضطراب های ناشی از آن در دوران بارداری، فرزند خانم ترانه ترابی، رشد کافی نکرده و ۸ ماهه به دنیا آمده است. با توجه به وضع اسفناک زندان زنان سمنان بردن بچه یک ماهه به این زندان، خطرات جانی برای وی خواهد داشت و بیرون گذاشتن بچه و جدا بودن او از مادر نیز خطرات خاص خود را دارد.

- بازجویی از ندا مجیدی و محکومیت ایشان به پرداخت ۴۰ میلیون ریال جریمه نقدی.
- بازداشت امید فیروزیان و محکومیت ایشان به ۴ سال و ۶ ماه حبس.
- بازداشت خانم ژینوس نورانی و محکومیت ایشان به ۱ سال حبس. خانم ژینوس نورانی

• بازجویی شهیره اعظمی و محکوم شدن ایشان به ۵ سال حبس. این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۸ ماه حبس تقلیل یافت.

• بازداشت و بازجویی از خانم الهام روزبهی و محکومیت ایشان به ۳ سال حبس. این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۲ سال حبس تقلیل یافت. ایشان دارای فرزند ۱۰ ماهه می باشند.

• بستن مغازه فروش روغن ماشین آقای پیمان شادمان و آتش زدن آن به دفعات.

• پلمب کردن مغازه لوازم التحریر فروشی خانم روفیا بیدقی و بازداشت و محکومیتشان به یک سال حبس. ایشان هم اکنون در زندان سمنان و در شرایط بسیار سختی بسر می برند. در

نتیجه پلمب کردن این مغازه آقای گودرز بیدقی و خانم روفیا بیدقی بیکار شدند.

• دستگیری و صدور حکم ۱ سال زندان و ۲ سال نفی بلد برای آقای گودرز بیدقی. حکم نفی بلد ایشان در دادگاه تجدید نظر منتفی شد. آقای بیدقی هم اکنون در زندان سمنان بسر می برند.

• بستن مغازه درب و پنجره آلومینیومی سازی آقای رویین فنائیان.

سال ۱۳۹۱ شمسی

- یورش به منزل آقای عرفان احسانی در دو نوبت و بازداشت کردن ایشان و محکوم کردنشان به یک سال حبس.
- بازداشت خانم ترانه ترابی همسر آقای عرفان احسانی و محکومیتشان به ۵ سال و ۱۰ ماه حبس. این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۲۰

پیام بهائی شماره ۳۹۷

سی به
سنان
و فرزند
همسر
خانم
دگاه
ایشان
بین
فره
شادمان
میت
ایشان
در
سی دو
فشین
یتی و

هم اکنون در زندان سمنان و در شرایط بسیار سختی بسر می‌برند.

• احضار به اداره اطلاعات و بازجویی کردن از ۷ نفر خانم‌های بهائی به نام‌های:

شمیل پیراسته، شهدخت خانجانی، الهام هدایتی، بهدخت خانجانی، طناز فیروزیان، مهوش سبحانی، املیا رشیدی.

اکثر خانم‌های فوق‌الذکر دارای فرزندان خردسال می‌باشند.

• پلمب مغازه درب و پنجره آلومینیوم فروشی آقای عادل فنائیان و باز کردن مجدد آن بعد از چند هفته.

• پلمب کارخانه نور اپتیک متعلق به آقای افراسیاب خانجانی.

در اثر این اقدام آقایان افراسیاب

خانجانی، حیدر

اعظمی و نادر

کسایی بیکار

شده‌اند.

• پلمب

کارخانه پویا نوار که منجر به بیکاری تعداد زیادی از بهائیان سمنان گردیده است، اسامی تعدادی از بیکار شدگان به شرح زیر است:

آقایان بهروز وحدت شعار، طاهر اسکندریان، نظام الدین فنائیان (همسر خانم صهبا رضوانی)، شاهین اسدی، بهرام خانجانی، داریوش طائفی، رضوان الله یقینی، آقای داودی، آقای رضایی، آقای لطفی، آقای باویلی.

• بستن مغازه مکانیکی آقای شیردل پیراسته و باز کردن مجدد آن بعد از ۲ ماه.

• یورش به منازل آقایان اکبر پورحسینی و

افراسیاب سبحانی برای دومین بار و بازداشت ایشان. این آقایان بعد از یک هفته با قید وثیقه آزاد شدند و منتظر حکم دادگاه می‌باشند.

• بازداشت آقای افراسیاب خانجانی.

• ممنوع الملاقات کردن خانم‌ها روفیا بیدقی و ژینوس نورانی به علت بازگو کردن شرایط بد زندان زنان سمنان برای خانواده‌هایشان در هنگام ملاقات با آنها.

• ممنوع الملاقات کردن کلیه زندانیان بهائی، اعم از زن و مرد در روز ۱۴ شعبان امسال، که برای تمام زندانیان زندان‌های سمنان روز ملاقات حضوری بوده است. به ایشان گفته شده است به این علت که شما امام زمان را قبول ندارید ملاقات شما لغو می‌شود.

• بنا به اعتقاد شیعیان

روز ۱۵ شعبان روز

تولد امام زمان

است این روز

در ایران

تعطیل عمومی

و روز جشن

می‌باشد.

لازم به ذکر است که در تمامی مواردی که در این گزارش ذکر شده، کلیه احضاریه‌های وزارت اطلاعات استان سمنان جهت بازجویی افراد، غیر قانونی و به صورت تلفنی بوده است (در حالت قانونی باید احضاریه به صورت کتبی به درب منزل فرد مورد نظر ارسال شود) و اکثر قریب به اتفاق این بازجویی‌ها طولانی (گاه‌ها تا ۱۴ ساعت پشت سرهم) و همراه با توهین و ارباب بوده است. ■

منبع

<http://www.hra-news.org/1389-01-27-05-24-07/13265-1.html>

پیام بهائی شماره ۳۹۷

شرحی کوتاه بر سفرم به عکا

این مقاله ترجمه‌ای است به اختصار از شرح مسافرت خانم مری لوکاس برای زیارت ارض اقدس در سال ۱۹۰۵ یعنی پیش از سفرهای حضرت عبدالبهاء به جهان غرب

نگارش مری لوکاس Mary L. Lucas
ترجمه فاروق ایزدی نیا

حضرت مولی الوری و اطفال خردسال

چقدر مشاهده حضرت مولی الوری با اطفال خردسال و دیدن لحاظ عنایت ایشان به مشکلات کودکان آنها زیبا و دلربا است. یک روز صبح، نوه کوچک ایشان، دخترکی حدود دو ساله، خیلی جدی با حضرت عبدالبهاء صحبت می‌کرد و با حرکات بسیار چشمگیر راجع به مشکل خودش برای ایشان توضیح می‌داد. برایش اتّفاقی افتاده بود. حضرت عبدالبهاء بدون اینکه لبخندی بر لبشان باشد به دقت گوش می‌دادند. درس بزرگی بود. وقتی ملاحظه می‌کنیم که حضرت عبدالبهاء چه اموری را باید تحمّل بکنند- مردی با قدرت عادی نمی‌توانست یک ساعت آن را تحمّل کند- با این همه وقتی کودکی خردسال نزد ایشان می‌آید و درباره مشکلش با ایشان صحبت می‌کند، در کمال رأفت و محبت گوش می‌دهند. چقدر ایشان فارغ از خویشند!

آیا هرگز می‌توانم آن تبسم ملکوتی و آن محبتی را که، موقع تلاوت مناجاتی توسط دخترکی خردسال، در ایشان مشهود بود فراموش کنم؟ هر از گاهی لغتی از ذهن دخترک زده می‌شد، و ایشان که گوشه نیمکت نشسته بودند، در حال نوشیدن چای، در کمال محبت آن را به او یادآوری می‌فرمودند. چقدر اطفال خردسال به ایشان عشق می‌ورزیدند.

صبح سه‌شنبه، ۳۱ ژانویه ۱۹۰۵

صبح سه‌شنبه سی و یکم ژانویه، ساعت هفت در اطاق بزرگ نشیمن چای داده شد. وقتی وارد اطاق شدم، حضرت مولی الوری گوشه نیمکت نشسته بودند، و به من فرمودند بروم کنار ایشان بنشینم. مدتی ساکت نشستیم. چقدر در حضور ایشان انسان احساس آرامش می‌کند! هیچ آرزویی نداشتیم جز اینکه همیشه با ایشان باشیم.

بازداشت
قید وثیقه
شوند.

بیدقی و
شرایط بد
در هنگام

بهای،
مسال، که
روز ملاقات
است به
ندارید

می‌شود.
د شیعیان
شعبان روز
مأم زمان
این روز
سیران

سین عمومی
روز جشن

ردی که در
وزارت
فرد،

ست (در
سی به درب
به اتّفاق
رعت پشت
ست. ■

http://www
07/13265-

شماره ۳۹۷

امروز صبح راجع به معجزات صحبت کردند. این توضیحات و تعبیرات چقدر جالبند که تصوّرات و خرافات را زائل می‌سازند به نحوی که مفاد کتب مقدّسه را می‌توان منطبق با عقل و منطق درک کرد. ایشان فرمودند:

معجزات

• مظاهر مقدّسه الهیه منشأ معجزات و آیات عجیبه و آثار غریبه هستند. برای آنها حتّی مستحیل‌ترین امور میسر است و عجیب‌ترین امور از ایشان ظاهر و باهر شود، امّا تجلّی آنها به نحوی خاصّ است. در نظر آنها معجزات اهمّیتی ندارد. ایشان سخنی از آنها به میان نمی‌آورند. اگر معجزات دلیل و برهان بود، برای کسانی که حضور داشتند معجزه بود نه برای کسانی که غایب بودند. مثلاً، شاید به یک زرتشتی بگویید که معجزات عالیسه از حضرت موسی و حضرت مسیح ظاهر شد، امّا او ساور نخواهد کرد. حتّی بُست پرستان مدّعی اند که امور عجیبه توسط بُست‌های آنها تحقّق یافته است. در هندوستان کتب بسیاری نوشته می‌شود که مشحون از معجزاتی است که به پیشوایان خود نسبت دهند. بدین لحاظ فرد زرتشتی گوید: از کجا بدانم کدام حقیقت است؟ اگر برهان آنها چنین باشد، اگر یکی را قبول کنم، باید همه را قبول کنم.

• اگر معجزات دلیلی برای نفوس حاضر باشد، برهانی برای افراد غایب نیست، امّا اگر

بصیرت حقیقی در زمان هر یک از مظاهر ظهور وجود داشته باشد و وجدان بیدار باشد، هر آنچه که از آنها به ظهور رسد برهان است و هیچ دلیل دیگری مانند خود مظاهر ظهور اهمّیت ندارد. چه که بینا شدن کوران چه اهمّیتی دارد وقتی که نهایتاً موقع مرگ دید خود را از دست خواهد داد؟ زنده کردن مرده چه اهمّیتی دارد؟ چه که عنصر مادّی نهایتاً باید متلاشی شود. امّا آنچه که اهمّیت دارد اعطاء بصری است که ابدی باشد- اعطاء حیاتی است که جاودانی باشد.

• این زندگی مادّی حتّی در زمان وجودش، هیچ نیست. مثلاً، در زمان حضرت مسیح، مردم از این حیات برخوردار بودند، امّا حضرت فرمود، «بگذار تا مرده‌ها مرده‌ها را دفن کنند». کسانی که فقط از حیات عنصری نصیب دارند در نظر حضرت مسیح به منزله میّت محسوب بودند، چه که حیات حقیقی حیات روح است، حیات ابدی است.

• لهدا، اگر در کتب مقدّسه ذکر از قیام مردگان شده، معنای آن این است که از فیض حیات ابدی برخوردار شده‌اند. اگر کوری بینا شده، به این معنی است که بصیرت باطنی به او اعطاء شده است. اگر ناشنوایی علاج شده، به این معنی است که از شنوایی ملکوتی نصیب برده است. این در متن کتاب مقدّس نیز توضیح داده شده است و همانطور که حضرت مسیح از اشعیاء نبی نقل می‌فرماید: «گوش دارند امّا نمی‌شنوند، چشم دارند امّا نمی‌بینند».



مظهور
هر آنچه
و هیچ دلیل
ت ندارد. چه
د وقتی که
ست خواهد
د؟ چه که
هر آنچه که
بی باشد-
در زمان
ت. مثلاً، در
بیج. مردم از
ر ز بودند،
د. «بگذار
ف را دفن
که فقط از
صیب دارند
- مسیح به
وب بودند،
یتی حیات
ی ست.
سه ذکری از
ست که از
گر کوری
ت - طنی به
اج شده، به
نصیب برده
وضیح داده
ح ز اشعیاء
می شنوند،

• این بدان مفهوم نیست که مظاهر ظهور الهی قادر به ظهور معجزات نیستند- چه که قادرند- بلکه معنای آن این است که بصر معنوی و سمع ملکوتی و حیات ابدی نزد آنها مقبول است، و وقتی در کتب مقدسه ذکر معجزات می شود مقصود این است.

• وقتی نابینایان علاج می شدند، یعنی از بصیرت روحانی که همان معرفت الهی است نصیب می بردند؛ غافل بودند آگاه می شدند، بی ایمان بودند مؤمن می شدند، خواب بودند بیدار می شدند، ظلمانی بودند نورانی می شدند، زمینی بودند آسمانی می شدند.

روضه مبارکه

سپس حضرت عبدالبهاء از من خواستند که با ایشان سخن بگویم، و من فرصت را غنیمت دانستم که اسامی افرادی را ذکر کنم که از من خواسته بودند از طرف ایشان با آن حضرت حرف بزنم یا پیامی فرستاده بودند. هیکل مبارک در جواب امر فرمودند که به زیارت روضه مبارکه بروم و در آنجا برای تمام کسانی که ذکرشان به میان آمد دعا بخوانم، و نیز در روضه مبارکه سرودی بخوانم. بنا بر این، همان روز صبح، اندکی بعد، روحا خانم و منور خانم، دوشیزه... و من به روضه مبارکه رفتیم و این تجربه را هرگز فراموش نخواهم کرد.

آن روز فوق العاده عالی بود و بعد از گذشتن از میان خیابانهای باریک (که حالا به نحوی شگفت انگیز زیبا به نظرم می رسد) به حومه با فضای باز رسیدیم. در این موقع از سال یعنی ژانویه / فوریه مناظر اطراف، مشابه بهار ما یعنی اوایل یا اواسط ماه مه [اردیبهشت] بود. مزارع سرسبز که

فرشی از شقایق نعمانی آنها را پوشانده همراه با گل های آلاله و گل های مینا که بر زیبایی آنها افزوده بود. آب های نیلگون مدیترانه و تپه ها نیز در دوردست خودنمایی می کردند. خلاصه، چشم اندازی بود بس باشکوه و منظره ای بس دلپذیر. از کالسکه پیاده شدیم و قدری گل چیدیم و سپس، در حالیکه گل ها را در بغل گرفته بودیم، به راه خود به سوی روضه مبارکه ادامه دادیم.

وقتی به آن حرم مقدس رسیدیم کفش ها را در آوردیم. سکوتی که حاکم بر آنجا بود ابداً تا آن موقع در هیچ جا احساس نکرده بودم. در حال حرکت به طرف در کرسی صحبت نمی کرد، و همه در حال دعا بودیم. میل حضرت عبدالبهاء را به خساطر آوردم و بخششی از سرود Sanctus، 'مقدس، مقدس، مقدس' اثر شارل گونود Charles Gounod را خواندم. این اولین چیزی بود که به ذهنم رسید. به نظر می رسید که گویی من نمی خواندم، بلکه خود صدا اوج می گرفت و جسم مرا ترک می گفت.

بدون هیچ سخنی خارج شدیم، گل ها هنوز در دست ما بود. سپس به تپه ای رفتیم که حضرت بهاء الله غالباً به آنجا می رفتند. قدری گل جمع کردیم و سپس برای ناهار برگشتیم.

وقت ناهار، حضرت عبدالبهاء درباره مظاهر مقدسه الهیه بیاناتی فرمودند و موقع شام فرمودند در قرآن معجزه ای به حضرت مسیح نسبت داده شده که در کتاب مقدس نیست. علاوه بر کتاب مقدس، در سایر کتب مقدسه نیز مطالبی درباره حضرت مسیح نوشته شده است. ذیلاً یادداشت های خودم درباره بیانات حضرت عبدالبهاء در خصوص 'پرنده گلی' مذکور در قرآن را نقل می کنم.

پرنده گلی

در قرآن نوشته شده که حضرت مسیح کمی گِل رُس برداشتند و آن را به شکل پرنده ای در آوردند. سپس در آن دمیدند، پرنده پرواز کرده دور شد. «تعبیر آن این است که پرنده مظهر انسان خاکی است که از طریق حضرت مسیح تعلیمات روحانی وصول می کند. این داستان می گوید که حضرت در آن دمید و پرنده پرواز کرده دور شد. این بدان معنی است که به انسان نفثات حیات ابدیه رسید و از طریق این تنویر فکر به سماوات علم و حکمت پرواز کرد»^۱.

بعد از ظهر و شامگاه سه شنبه

بعد از ظهر سه شنبه منور به اطاقم آمد تا صحبت کند و نکات جالب بسیاری را بیان کرد. هیچ حرفی از عزیمت من در میان نبود. معمول چنان بود که در خصوص آمدن و رفتن باید منتظر امر حضرت عبدالبهاء می شدند. شامگاه سه شنبه را در اطاق بزرگ با خانم ها گذراندم. ماسدر مقدس نبوتی قدیمی را برایم بیان کردند- نام کتابی را که این نبوت از آن نقل شده فراموش کرده ام. نبوت مزبور چنین می گوید: «خوشا به حال کسی که عگا را ببیند، و خوشا به حال کسی که زائران عگا را ببیند و بشناسد»^۲.

پنجشنبه دوم فوریه ۱۹۰۵

پنجشنبه دوم فوریه بود و ما طبق معمول در اطاق نشیمن بزرگ ساعت هفت صبح به صرف چای مشغول شدیم. حضرت عبدالبهاء به بیان توضیحی بر آیه ۴۳ باب ۵ انجیل یوحنا لاهوتی بود. بیانات مبارک در جواب سؤال من از این آیه بود که می فرماید: «من به اسم پدر خود

آمده ام و مرا قبول نمی کنید. ولی هرگاه دیگری به اسم خود آید او را قبول خواهید کرد».

حضرت عبدالبهاء فرمودند: «این بیانات حضرت مسیح خطاب به یهودیان و فریسیان بود. مقصود حضرت مسیح از آمدن به اسم پدر، چنین بود که آن حضرت با صفات و کمالات الهیه ظاهر شدند، اما باز هم یهودیان به ایشان اقبال نکردند با آنکه منتظر ظهور موعود و تأسیس ملکوت بودند. آنها متوجه نبودند که نبوت در وجود حضرت مسیح تحقق می یافت، چون منتظر ملکوت عظیم مادی بودند که با فتح و ظفر بر بسیط غربا تأسیس شود و ماشیح [مسیح موعود یهودیان-م] نفسی باشد با ثروت بی پایان و قدرت دنیوی مسلط؛ در حالیکه ظهور حضرت مسیح عکس این واقع شده بود و یهودیان فقط موافق میل و اراده بشری خود اطاعت و اقبال می کردند. لهذا، وقتی اشخاصی از قبیل قیافا به اسم خود آمدند، و از قدرت و صفات دنیوی نصیب داشتند، یهودیان آنها را در مقام رهبری مردم پذیرفتند. ■ ادامه دارد

یادداشت های مترجم

۱- اشاره به آیه ۴۹ از سوره آل عمران (۳) است که می فرماید: «و رسولاً الی بنی اسرائیل ائی قد جئتکم بآیه من ربکم ائی اخلق لکم من الطین کهیئة الطیر فانفخ فیہ فیکون طیراً یاذن الله...» (مضمون به فارسی: و پیامبری است به سوی بنی اسرائیل که [با آنان می گوید] من از سوی پروردگارتان برای شما معجزه ای آورده ام که از گِل برای شما چیزی به هیأت پرنده می سازم و در آن می دمم و آن به اذن الهی پرنده ای [جاندار] می شود).
۲- مقصود نویسنده حدیث نبوی است که جمسال مبارک در انتهای لوح مبارک خطاب به ابن ذئب نقل فرموده اند: «طوبی لمن زار عگا و طوبی لمن زار زائر عگا».

بر قهرمانان ایران چه می‌گذرد؟

مشتی از خروار در دو ماه اخیر

حبس تعزیری محکوم شده‌اند که حکم مزبور در دادگاه تأیید شد.

یاسادآوری می‌شود در حال حاضر بجز دو شهروند مذکور، سه شهروند زن بهائی دیگر به نام‌های رزیتا واثقی، ناهید قدیری و سیما اشراقی در حال گذرانیدن دوره محکومیت ۵ ساله در زندان وکیل آباد مشهد می‌باشند.

از سوی دیگر باید خاطر نشان ساخت که داور نبیل زاده (پدرنورا) و جلاپور وحدت (دایی نورا)، عکس مقابل) نیز بیش از دو سال است که در زندان وکیل آباد مشهد زندانی هستند و هر کدام دارای محکومیت ۵ سال هستند.

تهران: بیش از هفتاد روز سلول انفرادی برای عادل نعیمی

۱۸ مهرماه: بیش از هفتاد روز پیش عادل نعیمی همراه همسرش دستگیر و به بند انفرادی زندان اوین منتقل شد. چند روز بعد برای پسر عادل (شمیم) نیز احضاریه ارسال شد و او نیز به مادر و پدرش در زندان اوین پیوست. هر چند همسر و پسر عادل نعیمی بعد از مدتی به قید وثیقه



مشهد: اجرای حکم حبس نورا نبیل زاده و سونیا احمدی

دو شهروند بهائی مذکور که پیش‌تر از سوی دادگاه انقلاب به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده بودند صبح روز شنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۹۱ پس از احضار و معرفی خود به دایره اجرای احکام مشهد، بازداشت و برای گذرانیدن دوران محکومیت به زندان وکیل آباد مشهد منتقل شدند. قابل ذکر است دو شهروند بهائی فوق‌الذکر طبق حکم دادگاه بدوی به اتهام تبلیغ به نفع آیین بهائی و عضویت در جامعه بهائی به ۵ سال

پیام بهائی شماره ۳۹۷

شده دیگری به
پس بیانات
و پیوسته بود.
به سه پدر
ت و کلمات
پس به ایشان
مید و تاسیس
که سرت در
جین منتظر
فتح و خضر بر
آسیخ موعود
بیان و قدرت
صفت مسیح
عفت موافق
می کردند.
به سه خود
سوی نصیب
همی مردم
درد

ست که
می فرجشکم
کهنه نظیر
به فرسی: و
می گوید]
ی آورده‌ام که
سره و در آن
می شود).
که جمال
دنب نقل
حسن زارزائر

پیام بهائی شماره ۳۹۷

از زندان آزاد شدند، اما هنوز عادل نعیمی در زندان انفرادی بسر می برد.

عادل نعیمی از بیماری دیابت رنج می برد و نگهداری وی در سلول انفرادی برای سلامتی اش خطر جدی در پی دارد.

گفتنی است، برادر کوچک وی، عقیف نعیمی، نیز به ۲۰ سال زندان محکوم شده و اکنون در زندان رجایی شهر کرج در حال سپری نمودن دوران محکومیت خود می باشد.

لازم به ذکر است، که در طی تمام این مدت جناب نعیمی تنها یک بار ملاقات بسیار کوتاه با همسرش داشته و از سایر حقوق از قبیل استفاده از وکیل و تلفن و... محروم بوده است و این بی خبری باعث نگرانی شدید خانواده و دوستان ایشان می باشد.

سمنان: محکومیت انیسا

فنائیان به ۲۲ ماه حبس تعزیری

انیسا فنائیان که پیش از این به حکم دادگاه بدوی به اتهام

تبلیغ علیه نظام و عضویت در تشکیلات بهائی به ۴ سال و ۴ ماه حبس تعزیری محکوم شده بود طبق رأی دادگاه تجدید نظر استان سمنان حکم مزبور به ۲۲ ماه حبس تعزیری تقلیل یافت.

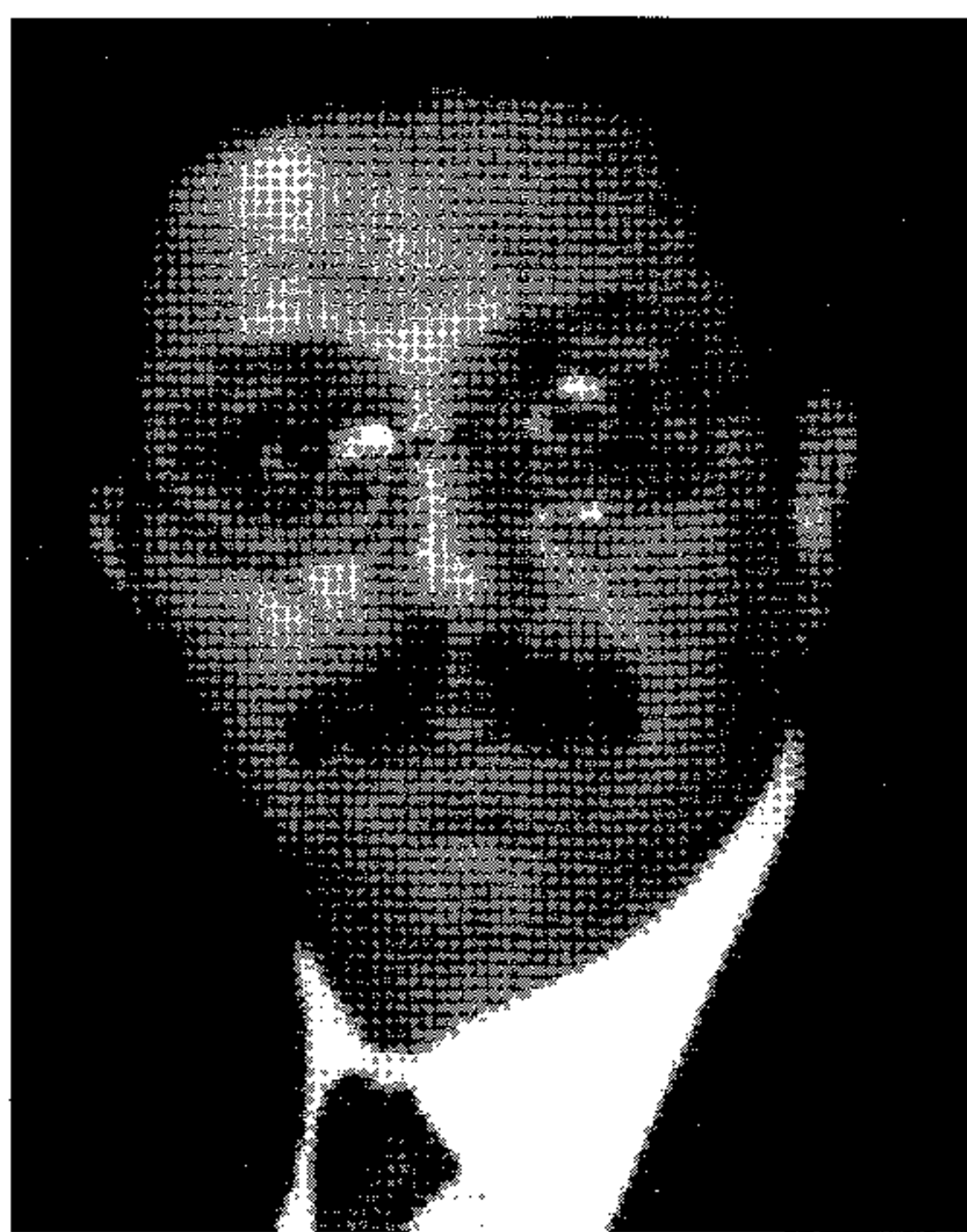
باید خاطر نشان ساخت همسر نامبرده به نام سیامک ایقانی هم اکنون در حال سپری کردن محکومیت ۳ ساله در زندان سمنان می باشد. آنان دارای دو فرزند ۴ و ۹ ساله به نام های

شکیب و ستاره می باشند. مادر انیسا فنائیان به نام صهباء رضوانی نیز سال گذشته پس از سپری نمودن ۳ سال حبس تعزیری از زندان اوین طهران آزاد شد.

گرگان: بارداشت تینا موهبتی

مأمورین امنیتی در شب اول آبان ماه تینا موهبتی جوان بهائی ۱۹ ساله ساکن گرگان را دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل نمودند.

خانم موهبتی در حالی در ترمینال اتوبوسرانی دستگیر شد که قصد بازگشت به تهران را داشت. شایان ذکر است که مادر ایشان نیز خانم شیوا روحانی هفتسه گذشته دستگیر شده بود.

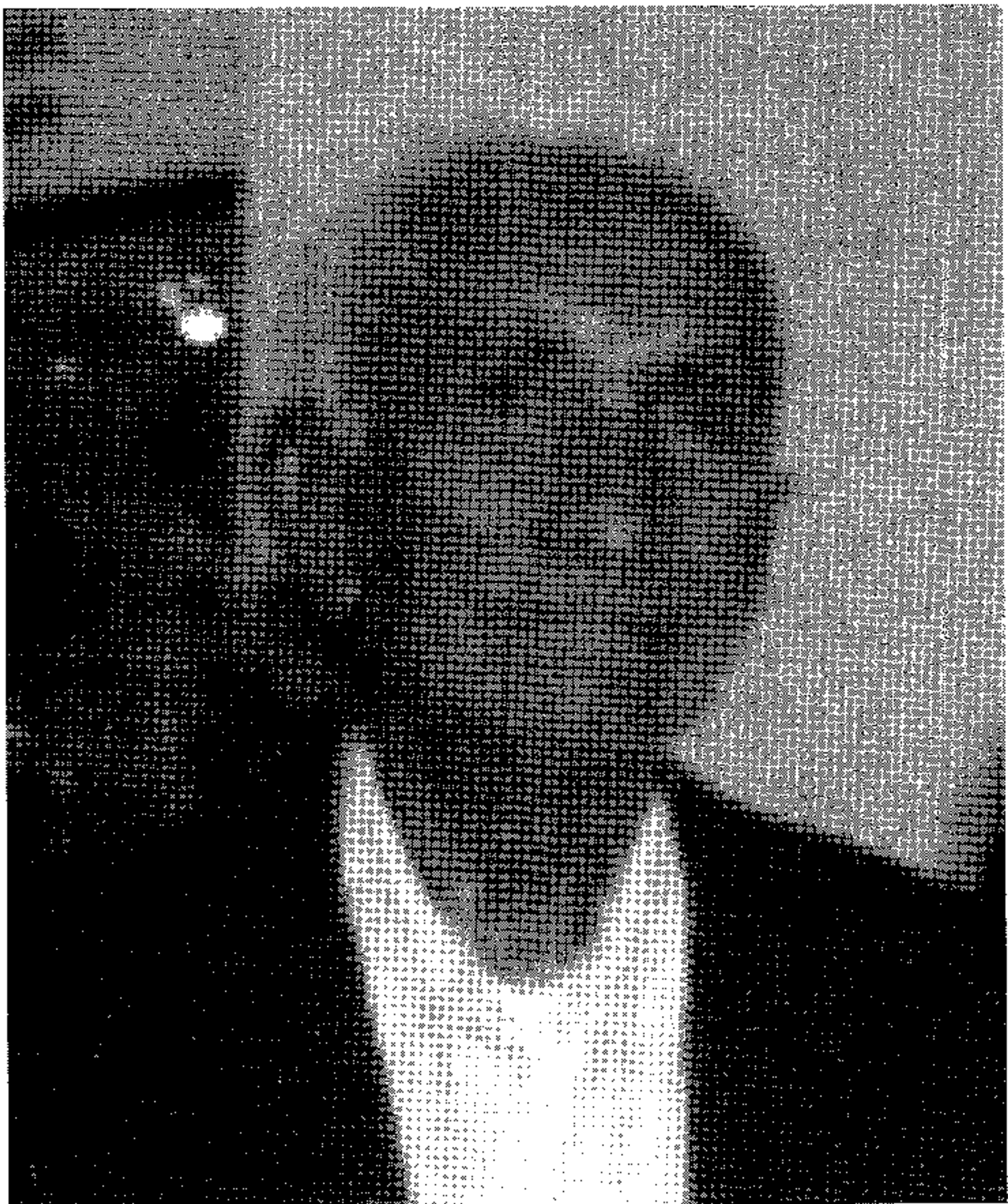


طهران: کیوان رحیمیان از اساتید دانشگاه بهائیان به زندان رفت

جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی: کیوان رحیمیان (عکس مقابل)، از اساتید دانشگاه آنالاین بهائیان ظهر

امروز ۹ مهرماه ۱۳۹۱ برای گذران ۵ سال حبس، خود را به دادسرای شهید مقدسی مستقر در زندان اوین معرفی کرد.

دادگاه اولیه وی در تاریخ ۲۲ خردادماه جاری و بدون حضور وکیل مدافع در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه برگزار شد و وی به ۵ سال حبس تعزیری و پرداخت جریمه نقدی به مبلغ ۹۷ میلیون ریال محکوم شد.



... و صهباء رضوانی نیز
... ۳ سال حبس
... آرد شد.

رہتھی

... و آبان ماہ تینا
... ساکن گرگان را
... منتقل نمودند.
... در ترمینال اتوبوسرانی
... تهران را داشت.
... ست که مادر ایشان
... شیوا روحانی هفته
... سنگیر شده بود.

**بیرجند: محکومیت محمد حسین نخعی
۸۵ ساله به ۳ سال حبس تعزیری**

محمد حسین نخعی شهروند ۸۵ ساله بهائی ساکن روستای خوسف بیرجند که از اردیبهشت ماه سال جاری در شهرستان بیرجند بازداشت می‌باشد پس از ۵ ماه بازداشت موقت به اتهام تبلیغ علیه نظام و عضویت در جامعه بهائی به حکم دادگاه انقلاب شهر مزبور به سه سال حبس تعزیری محکوم شد.

قابل ذکر است نامبرده در دهه شصت نیز مدت ۵ سال در شهرستان گنبدکاووس به اتهام اعتقاد به دیانت بهائی زندانی بوده است.

سمنان: بازداشت ترانه ترابی

و زهره نیک‌آیین همراه با دو فرزند شیرخوار در اول مهر ماه ۱۳۹۱ ترانه ترابی به همراه فرزند ۳ ماهه اش بارمان احسانی و زهره نیک‌آیین به همراه فرزند ۷ ماهه اش رسام تبیانیان برای گذراندن محکومیت خود بازداشت و به بند

پیشتر کامران رحیمیان، برادر کیوان رحیمیان و همسر وی فاران حسامی از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به اتهامات مشابه 'عضویت در جامعه بهائی' (ماده ۴۹۹) و 'اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی' (ماده ۶۱۰)، هر یک به چهار سال حبس تعزیری محکوم شده بودند.

لازم به ذکر است که کامران رحیمیان پس از برگزاری دادگاه و تأیید حکم در دادگاه تجدید نظر و بدون آزادی موقت از بند ۲۰۹ زندان اوین به زندان رجایی شهر جهت اجرای حکم منتقل شد. و فاران حسامی نیز در پی مراجعت به دادسرای مقدسی زندان اوین جهت انجام امور اداری همسرش کامران رحیمیان، اطلاع یافت که حکم وی تأیید شده و در همان روز بازداشت و به بند زنان زندان اوین انتقال یافت.

قابل ذکر است که پدر کیوان و کامران رحیمیان در سال ۱۳۶۳ به دلیل اعتقاد به آیین بهائی بازداشت و اعدام شد.

... کیوان رحیمیان از
... نشگاه بهائیان به
... رفت

... مبارزه با تبعیض
... کیوان رحیمیان
... از اساتید
... بھائیان ظهر
... ۵ سال حبس،
... مستقر در زندان

... ۲۲ خرداد ماه جاری
... در شعبه ۲۸ دادگاه
... برگزار شد و وی
... جرمه نقدی
... محکوم شد.

نسوان زندان سمنان منتقل گردیدند.

ترانه ترابی به اتهام اعتقاد به دیانت بهائی به ۳۰ ماه زندان و زهره نیک آیین به همین اتهام به ۲۳ ماه زندان محکوم شده است.

در بند نسوان زندان سمنان حدود ۷۰ زندانی زن در محیطی به مساحت ۵۰ متر مربع زندگی می‌کنند و حتی تخت خواب به تعداد کافی وجود ندارد.

در این بند که تفکیک جرایم نیز در آن رعایت نشده است، زندانیان از آب بهداشتی و غذای کافی و با کیفیت برخوردار نمی‌باشند و این شرایط برای کودکان شیرخوار این دو شهروند بهائی بسیار خطرناک است.

لازم به ذکر است بند زنان زندان سمنان پیش‌تر استبل اسب بوده است و بعدها تغییر کاربری داده و به زندان تبدیل شده است.

گرگان: بازداشت گسترده بهائیان در گرگان و مینودشت

جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی: بر اساس گزارشات رسیده صبح امروز ۲۶ مهر ماه ۱۳۹۱ نیروهای وزارت اطلاعات با مراجعه به منازل شهروندان بهائی شهر گرگان و بدون ارائه حکم قضائی دارای نام، به تفتیش منازل آنان پرداخته و کامپیوترهای شخصی، کتب و آلبوم عکس‌های خانوادگی را ضبط نمودند و آنان را به مکان نامعلومی انتقال دادند.

افراد بازداشت شده عبارتند از: پریوش شجاعی (فنائیان)، بهنام حسنی، نازی تحقیقی (خلخی)، هوشمند دهقان، فرهاد فهندژ، فرحناز تبیانیان و همسرش فرمند سنایی، شیدا قدوسی، شیوا روحانی (موهبتی)، میترا نوری (موهبتی)، هنا

عقیقیان، کمال کاشانی، پونه سنایی، سودابه مهدی نژاد و مریم دهقان.

ضمناً با مراجعه به منازل روفیا پاکزادان و مارال روشنی به تفتیش و ضبط وسایل پرداختند اما به دلیل عدم حضور آنان، بازداشت نشدند. همچنین منازل برخی افراد دیگر همچون سیامک صدری، فؤاد فهندژ، کاترین سنایی، تفتیش و برخی از وسایل آنان ضبط شد.

قابل ذکر است که در برخی موارد رفتار مأموران خشونت‌آمیز و همراه با توهین و ضرب و شتم بوده و حتی در برخی موارد درب منازل مسکونی شهروندان بهائی را شکسته‌اند.

از مینودشت نیز خبر می‌رسد مأمورین امنیتی ضمن مراجعه به منزل شهنام جذبانی و تفتیش منزل، ایشان و همسرش شهره صمیمی و نیز نوید معلمی و همسرش خانم کاملیا بیدلیان را نیز بازداشت کرده‌اند.

هنوز از دلایل و اتهامات بازداشت این شهروندان بهائی و نیز محل نگهداری آنان خبری در دست نیست.

مشهد: بازداشت نیکا خلوصی و نوا خلوصی

روز چهارشنبه ۵ مهر ماه ۱۳۹۱ مأموران اداره اطلاعات مشهد به محل کار یک شهروند بهائی به نام نیکا خلوصی مراجعه کرده و نامبرده را در همان محل بازداشت نمودند. سپس همراه وی به منزلش رفته و پس از تفتیش کامل منزل و ضبط کامپیوتر و کتب مذهبی، نوا خلوصی (خواهرنیکا) را هم بازداشت و هر دو نفر را به اداره اطلاعات مشهد منتقل می‌کنند.

قابل ذکر است هنگام دستگیری این دو خواهر بهائی و تفتیش منزل، پدر و مادر ایشان در

سنایی، سودابه

و فیبا پاکزادان و وسایل پرداختند. بازداشت نشدند. دیگر همچون کترین سنایی، ضبط شد.

مورد رفتار توهین و ضرب و زور در منازل بسته اند.

مأمورین امنیتی سبانی و تفتیش عیبی و نیز نوید بیدلیان را نیز

بازداشت این ری آنان خبری

نورا خلوصی
مأموران اداره
شهروند بهائی
ممبرده را در
همراه وی
منزل و ضبط
سی (خواهرنیکا)
دوره اطلاعات

ستگیری این دو
مرد در ایشان در

بهای شماره ۳۹۷

منزل حضور نداشته اند و بدون حضور والدین، فرزندان شان بازداشت می شوند.

ترک می کنند.

مشهد: بازداشت ادیب شعاعی

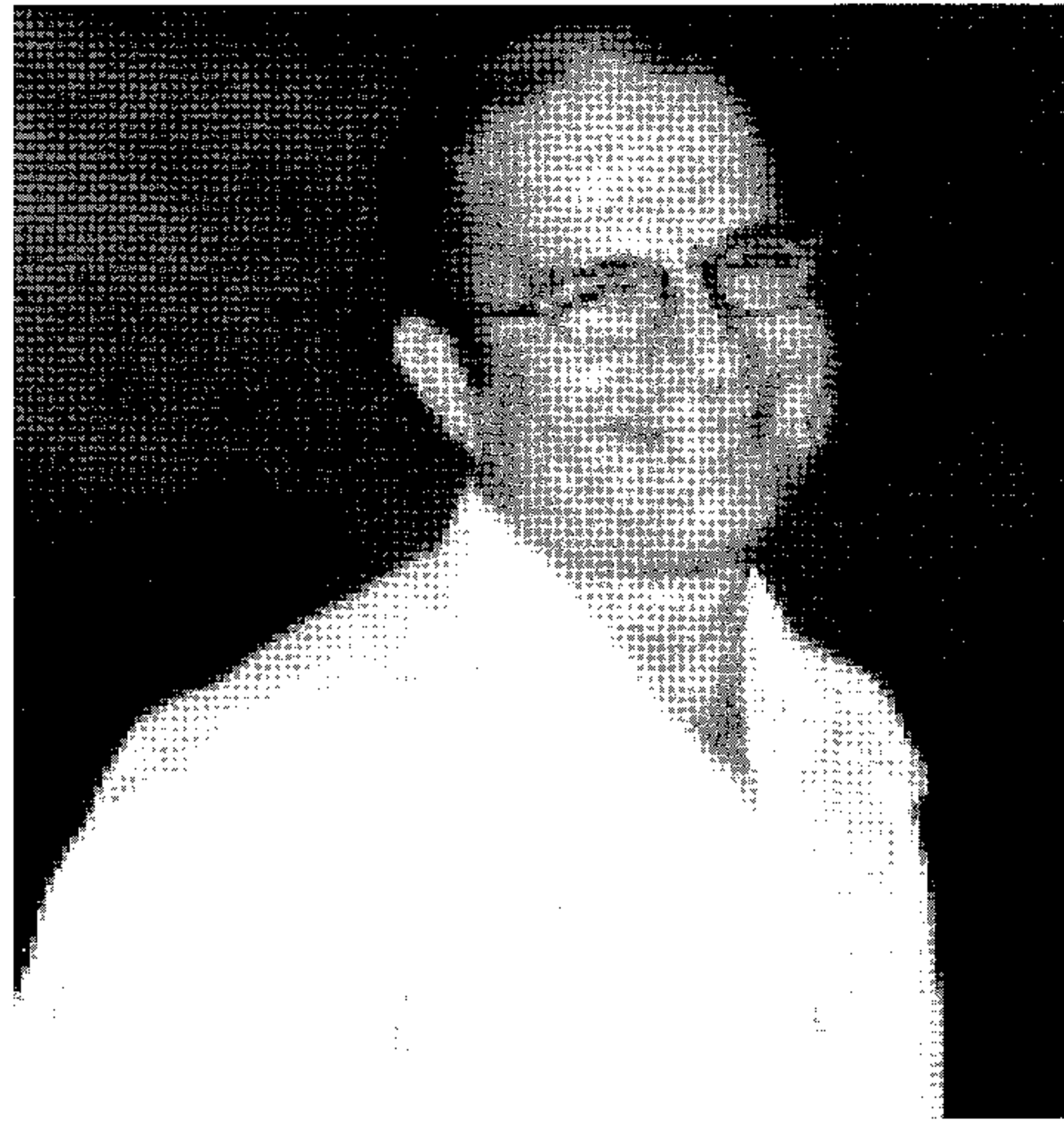
مأموران اداره اطلاعات مشهد صبح روز شنبه ۱۵ مهرماه ۱۳۹۱ به منزل ادیب شعاعی مراجعه کرده و پس از بازرسی کامل منزل و ضبط کامپیوتر و کتیب و عکس های مذهبی نامبرده را نیز بازداشت و به محل نامعلومی انتقال دادند. یادآوری می شود سه شهروند بهائی دیگر به نام های مهسا مهدوی، نیکا خلوصی و نوا خلوصی از روز چهارشنبه ۵ مهرماه تاکنون در بازداشت اداره اطلاعات مشهد می باشند که احتمال دارد بازداشت ادیب شعاعی هم در رابطه با افراد فوق الذکر باشد.



قائم شهر: بازداشت شهناز رنجبر (اولادی)

شهناز رنجبر (اولادی) پس از دو بار احضار به اداره اطلاعات با حکم قضایی بازداشت شد. وی در هفته اول مهرماه به اداره اطلاعات شهر مزبور احضار می شود و او در ۸ مهرماه خود را معرفی و پس از بازجویی از وی خواسته می شود که روز بعد نیز برای ادامه بازجویی خود را معرفی نماید. شهناز رنجبر روز یکشنبه ۹ مهرماه که بار دیگر خود را معرفی می کند در همان محل بازداشت می شود و مأموران در تماس تلفنی با همسرش اطلاع داده اند که شهناز رنجبر با ایشان همکاری نمی کند و به حکم قاضی در بازداشت خواهد بود.

قابل ذکر است مأموران امنیتی در تابستان سال جاری منزل مسکونی شهناز اولادی را تفتیش که پس از هتاک و پاره کردن عکس های مذهبی و ضبط کامپیوتر و کتیب مذهبی محل را



بابل: وضعیت نامناسب جسمی هوشنگ فنائیان در زندان

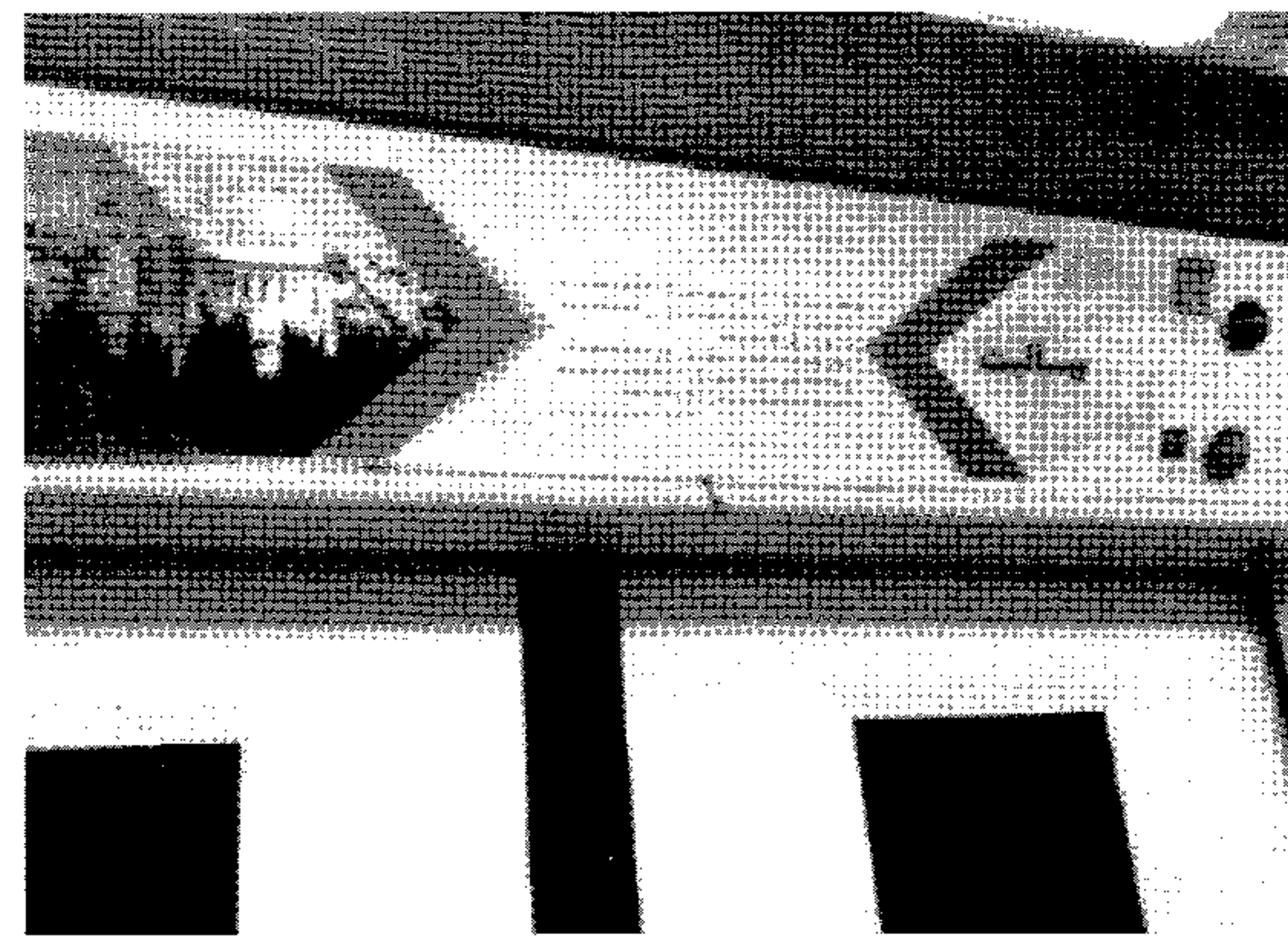
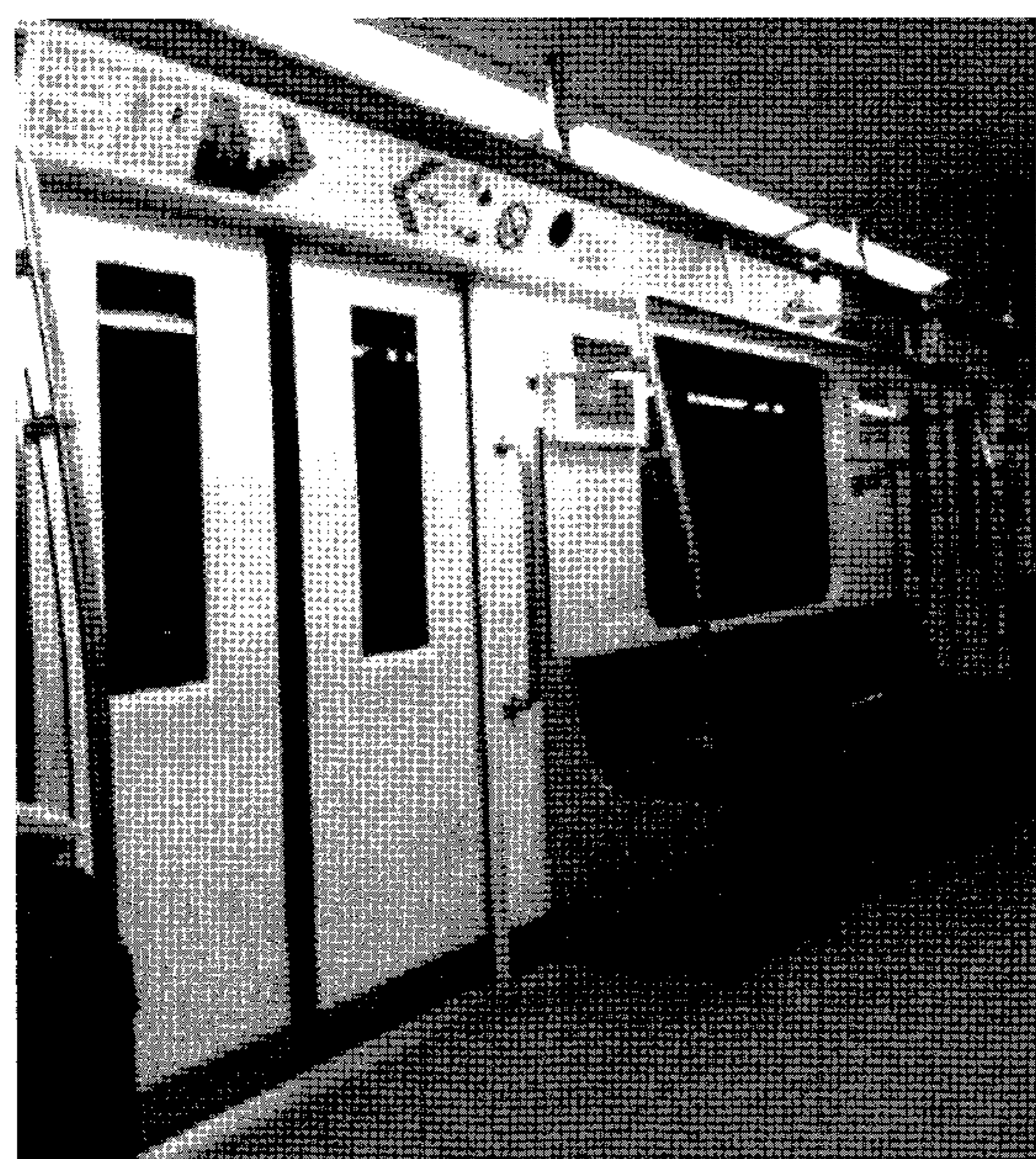
هوشنگ فنائیان بیش از ۸ ماه است که از درد در ناحیه گردن و دست رنج می برد و پزشک دلیل آن را جابجایی مهره های گردن و عضلات بازو اعلام کرده است.

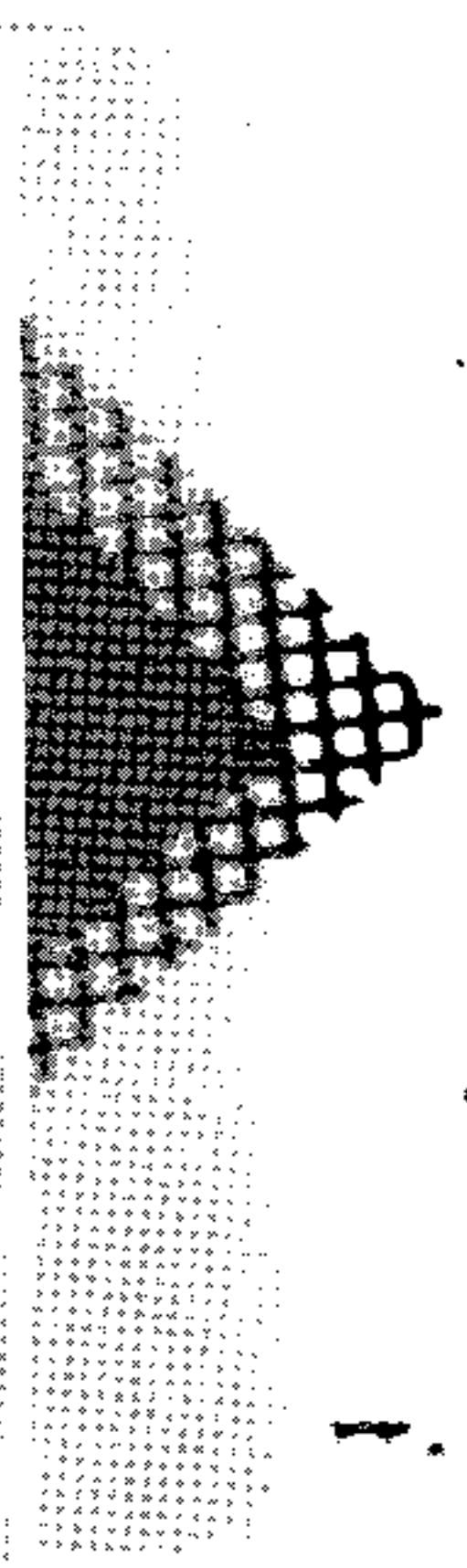
پیام بهائی شماره ۳۹۷

استعلاجی
 این
 دادگه
 محکوم
 نظریه
 شرکت
 نظام
 به رهبری
 سمنان
 سبحانی و
 تعزیری
 ضرب
 مهر
 الکمی
 تعزیری و
 تعزیری
 سال و نیم
 تجدید
 اجرای حکم
 بازداشت
 به اتهام
 زین
 هفته
 شهرگرد
 اطلاعات
 بند
 چهارشنبه
 در منزل
 پیام بهائی

تکلیف خود را در شهر حيفا برپا می کند.
 اسرائیل بهائیت را به عنوان یک مذهب رسمی، به رسمیت می شناسد و بهائیان بست
 در مقابل بهائیان نیز برای کمک به اسرائیل پول جمع آوری می کردند بطوری که
 در سال ۱۳۵۶ مبلغی حدود ۱۲۰ میلیون تومان به وسیله بهائیان ایران جمع آوری
 گردید و به وسیله حساب من ثابت به ارتش اسرائیل پرداخت گردید.

فهرست نامهای بهائیان در ایران - شماره ۱ - صفحه ۳۳۰





با این وجود مسئولین زندان بابل از مرخصی استعلاجی این زندانی عقیدتی جلوگیری کرده‌اند. این شهروند بهائی ساکن آمل پیش‌تر در دادگاه بدوی به ۴ سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شده بود که این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۴ سال حبس تعزیری تقلیل یافت. اتهامات وی 'عضویت در جامعه بهائی و شرکت در مناسبت‌های مذهبی'، 'تبلیغ علیه نظام' (از طریق عضویت در فیس بوک) و نیز 'توهین به رهبری' عنوان شده بود.

سمنان: محکومیت طاهر اسکندری، افراسیاب سبحانی و پویا تیبانیان به ۹ سال و نیم حبس تعزیری

طبق حکم بدوی دادگاه انقلاب سمنان در مهرماه ۱۳۹۱ به ریاست قاضی قاسم عسین الکمالی، طاهر اسکندریان به ۳ سال حبس تعزیری و افراسیاب سبحانی به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند. همچنین حکم بدوی ۶ سال و نیم حبس تعزیری پویا تیبانیان در دادگاه تجدید نظر استان تأیید شد که حکم مزبور به دایره اجرای احکام ارسال گردید.

بازداشت تعدادی از شهروندان مسلمان گرگانی به اتهام ارتباط با بهائیان

از روز چهارشنبه ۲۶ مهرماه تاکنون یکشنبه هفتم آبان ۱۳۹۱ چندین شهروند مسلمان ساکن شهر گرگان به دلیل ارتباط با بهائیان توسط اداره اطلاعات شهر مزبور بازداشت و بازجویی شده‌اند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ابتدا صبح روز چهارشنبه ۲۶ مهرماه چهار شهروند ساکن گرگان در منازلشان بازداشت می‌شوند که یکی از ایشان

در همان روز پس از دادن تعهد کتبی مبنی بر قطع ارتباط با بهائیان آزاد می‌شود. دو تن دیگر پس از یک هفته در روز چهارشنبه ۳ آبان ماه آزاد می‌گردند و یک تن دیگر هنوز در بازداشت اداره اطلاعات گرگان قرار دارد.

در روز سه‌شنبه ۲ آبان ماه دو شهروند دیگر گرگانی به اتهام ارتباط با بهائیان دستگیر که پس از یک روز آزاد می‌شوند. طبق اخباری که از سوی یکی از نزدیکان ایشان به گزارشگر هرانا رسیده یکی از این دو شهروند در بازجویی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌است.

روز بعد، چهارشنبه ۳ آبان ماه یک شهروند گرگانی دیگر پس از شرکت در مراسم تشییع جنازه یکی از بستگان به اداره اطلاعات احضار که پس از معرفی خود تا این زمان خبری از وی در دست نیست.

در روز پنجشنبه ۴ آبان ماه یک شهروند دیگر اهل گرگان نیز تلفنی به اداره اطلاعات شهر مزبور احضار شده‌است. قابل توجه است احتمالاً تعداد بازداشت شدگان مسلمان بیش از تعداد فوق می‌باشد که به علت محدودیت خبررسانی در شرایط امنیتی اخیر شهرستان گرگان تنها اطلاعات فوق قابل دسترسی بوده‌است.

قابل ذکر است به خانواده یکی از بازداشت شدگان فوق اظهار شده است که اتهام فرد بازداشت شده 'تبلیغ علیه نظام' می‌باشد. یادآوری می‌شود در تاریخ ۲۶ مهرماه در یک هجوم گسترده و سازمان یافته ۱۷ شهروند بهائی در گرگان توسط مساموران امنیتی بازداشت شدند. ■

منبع: خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران و جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی

معرفی کتاب

۱- **مثنوی وادی‌های عشق**، فریبرز سبحانی، ۲۰۱۰ میلادی، قطع کوچک، ۱۹۴ صفحه

آقای فریبرز سبحانی ساکن ایالات متحده که اخیراً کتابی استدلالی زیر عنوان آشنایی با سه کتاب آسمانی نوشته و نشر کرده‌اند، اینک بخشی از آثار منظوم خود را به نام **مثنوی وادی‌های عشق** به چاپ رسانده‌اند که نمونه‌ای از ابیات آن را ذیلاً می‌آوریم:

هفت وادی در بیان عاشقی است
طالب معنی به راهش مبتدی است^۱
هفت وادی مبارک در عراق^۲
شد ز حق مرقوم بهر اشتیاق
شرح وادی‌های سبعة اندر آن
گشته نازل از برای طالبان
وادی اول بود راه طلب
کوشش و صبر و تقلاً سوی رب
وادی دوم بود عشق‌الاه
که سراسر جذب و شوق است و پناه
وادی سوم یقین و معرفت
که ز اثمارش بود نفی صفت
وادی چارم مقام وحدت است
نام او توحید و تجرید حق است
وادی پنجم که استغناست او
وجد و بسطش می‌رسد از سوی هو
وادی سادس وصول حیرت است
غوطه خوردن در بحور نعمت است
وادی هفتم بود فقر و فنا
نی فنا و فقر دنیای خطا

ختم شد این مثنوی در این زمان
عشق در امر بها باشد بران

جابجا عباراتی به نشر در توضیح مطلب اشعاری که بعد می‌آید درج شده است. امیدواریم که این مجموعه مورد توجه دوستان علاقمند به مباحث عرفانی قرار گیرد.

یادداشت‌ها

۱- ظاهراً مراد مهتدی است.
۲- اشاره به نزول هفت وادی در کشور عراق است (بغداد) در حدود ۱۸۵۶ م، در جواب سؤال شیخ محیی‌الدین قادری صوفی که مدتی قاضی خانقین بود.

۲- **فرشته کرمل**، حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی، مجموعه‌ای از نامه‌ها؛ تهیه و تنظیم: دکتر حشمت مؤید؛ ناشر: ADEL لوکزامبورگ
استاد دکتر حشمت مؤید در زمان جوانی مجموعه‌ای از نامه‌های حاجی میرزا حیدر علی خطاب به همسر خود نرجس خاتون را در نزد خانم سالمندی در همسایگی خود در طهران به دست می‌آوردند و از آن سواد بر می‌دارند و اینک آن مجموعه همراه با یک پیشگفتار و منتخباتی از کتاب **بهجة الصمد** در ۶۸ صفحه به اهتمام ایشان و معاضدت ناشر مقیم لوکزامبورگ به طبع رسیده است.

نرجس خاتون پس از اظهار دل‌بستگی خود به جناب حاجی طیّ معروضه‌ای به ساحت اقدس

صیح مطلب
ت. میدواریم
علاقمنند به

عرق است
سین شیخ
سستی قاضی

حیدر علی
تیه و تنظیم:
بوکر امبورگ

ن جوانی
حیدر علی
در نزد
صهران به
و اینک

منتخباتی از
به هتسام
گ به طبع

گی خود به
حت اقدس

اعلی موقق می شود که با حاجی ازدواج کند در حالیکه حاجی هیچوقت در بند ازدواج و صرف عمر برای زن و فرزند نبوده است. چنانکه در پیشگفتار آمده حاجی دائماً در سفر و سرگرم تبلیغ بوده و مدتی هم گرفتار حبس و تبعید. از این رو فقط به ندرت به دیدار همسر رفته و با تنگدستی که داشته از همسر خود می خواهد که با قرض گرفتن از مردم اسباب معاش مختصر را در دوره دیدار فراهم کند. در نامه ای از حاجی آمده که: «قرض کنید و صرف کنید. خانه و اسباب دارید رهن گذارید و خرج کنید» البته از مردان در آن روزگاران چنین رفتاری بعید نبوده، اما خواننده امروزی که با اوضاع اجتماعی ایران در آن عصر آشنا نیست از 'فرشته کرمسل' انتظار چنین بی توجهی را ولسو خود خواستار همسری نبوده نمی توان داشت. در نامه اول حاجی می خوانیم که می نویسد: «فدای محبت و دوستی و وفا و صفا و تنهایی و هجر و دوری شما شوم... خدا شاهد و گواه است که فکر و خیال فانی نزد شماست و دلم برای حرقت شما می سوزد و لکن همیشه ایام و اوقات مثل این ایام نبوده و نیست».

به یک اعتبار باید گفت که این مجموعه نامه ها گواه روحیه مردی است که همه چیز حتی زندگی شخصی و خانوادگی خود را فدای امر مبارک کرده است و الا نامه ها از ابراز محبت به همسر دور دست خالی نیست.

۳- عشق به بهای جان

کتابی است در ۴۰۰ صفحه (معملاً با اسناد و مدارک ۵۰۰ صفحه)، درباره ۳۳ تن از شهدای اخیر ایران که بر اساس اطلاعات دریافت شده از خانواده ها یا منابع دیگر همراه با عکس ها، وصیت نامه ها، اسناد تاریخی توسط New era

(عصر جدید) در امریکا به طبع رسیده و چنانکه از نامه ناشر محترم بر می آید تمام درآمد آن به بنیاد مونا برای تعلیم و تربیت کودکان و زنان در گوشه و کنار جهان اختصاص خواهد یافت. اساس کتاب مصاحبه های خانم پوران رحیمی (متحده) است با منسوبین نزدیک شهدای عزیز و نیز افرادی که در زندان با شهدا هم بند بوده اند. این مصاحبه ها در نقاط مختلف امریکا، کانادا و اروپا صورت گرفته و سبک کلام همه جا ساده و روشن است. بر روی جلد کتاب در زیر عنوان عشق به بهای جان نوشته شده: «منسوبین شهداء و بهائیان آزاد شده از زندان سخن می گویند- مصاحبه کننده و نویسنده پوران رحیمی (متحده)». هیئت تصویب تألیفات فارسی این کتاب را ذی قیمت تشخیص داده است.

خانم رحیمی در مقدمه می نویسد: «مطلبی که ذکر آن ضروری است این است که ضمن مرور این حوادث در می یابیم که همسران و فرزندان و دیگر منسوبین شهداء چه زجرهایی را متحمل شده اند و چه صبورانه قبول محرومیت های جانفرسا را نموده اند».

البته تعداد شهدای دوران اخیر به ۳۳ محدود نمی شود و خوشبختانه چنانکه مسموع شد، سرکار محترمه خانم ایران فروتن هم حسب امر ساحت رفیع به جمع آوری شرح احوال شهداء اقدام کرده اند که آرزومندیم روزی موجبات نشر آن فراهم آید.

در آخر کتاب مؤلف بعضی اصطلاحات بهائی را برای درک خوانندگان نا آشنا توضیح داده است و نیز ضمن سخنی با خوانندگان به برخی آثار دیگر بهائی چون تألیف نفیس آقای دکتر فریدون وهمن (یکصد و شصت سال مبارزه با آئین بهائی) ارجاع داده است.

در آغاز کتاب نامه ای از جناب کسامران صمیمی یکی از شهداء که شرح حالشان در همان کتاب آمده خطاب به یکی از دوستان نقل شده که ذکر عباراتی از آن سودمند است:

«مشکل وقتی است که انسان یک دنیا گفتنی داشته باشد و دو دنیا احساس و هزار سخن دل ولی قلمی که ترجمان این همه هیجانات روحی باشد نداشته باشد. این مشکل من است... این مطلب را می دانم که کلیه این حوادث صرفاً برای تحقق مواعید الهی است، محتوم است و غیرقابل اجتناب می باشد. قلم شکسته و بیان قاصر من عاجز از وصف عشق و جانبازی دوستان است. خلق جدید اطلاق کردن کم است بلکه ظهور بنیاد سلف است، رجعت همان ارواح مقدسه و مجرّده است که با هیأت و رفتار و استقامت خود چنان شور و غوغایی بپا کرده اند که هوش از سر برده و معیارهای بشری را یک جا در هم فرو ریخته است. از خطر نمی هراسند و بلا را به جان خریدارند، همه و همه عشق و فداکاری و جانبازی و ایثار است. خلق جدید همین است. در عین بلا شاکرند و در عین خطر در نهایت سکون و وقار... اگر در صدر امر، یک بدیع بود حال هزاران بدیع جان بر کف آماده اند. بی شک از برکت قوه کلمة الله است که این بدیع ها خلق می شوند...»

۴- قاموس مختصر مفاوضات، تهیه کننده ملوک خادم، ناشر سنچری پرس، استرالیا، ۲۰۰۱ م.
خبیر صعود خانم ملوک خادم در ایران که عمری را صرف خدمت امر و تعلیم و تربیت جوانان و نشر نفعات رحمن کرده بود، پیام بهائی را بر آن داشت که به معرفی اجمالی قاموس مختصر مفاوضات که نامبرده یازده سال پیش به طبع رسانده پردازد. کتابی در ۲۸۶ صفحه که با

استناد به نصوص مبارکه سعی کرده است در هر یک از بخش های پنج گانه کتاب مفاوضات و به همان ترتیبی که در متن اصلی آمده توضیحی درباره موضوعات مهمه این اثر شریف ارائه کند. خانم خادم در ۱۲ صفحه مقدمه ای که بر این تألیف نوشته نگاهي اجمالی به مباحث عمده کتاب مفاوضات چون عرفان الهی، علت و مقصد آفرینش، مظاهر کلی الهی، عالم خلقت و انسان، روح و بقای آن، قدمت یا حدوث عالم هستی، قضا و قدر، صبر و اختیار، و نظائر آن افکنده است که خواننده را آماده و مشتاق مطالعه تفضیلی کتاب می کند.

مثلاً زیر عنوان 'طبیعت در تحت قانون عمومی است' از متون مختلفه امری تعریف طبیعت، تعریف کیفیت، تعریف حقیقت، تعریف علم، تعریف دین، تعریف دین از نظر علماء، جهت جامعه، شریعت روابط ضروریه منبعت از حقائق کائنات است به اختصار در ۸ صفحه داده شده است. بعد از هر نص منقول مأخذ آن ارائه شده است ولی در آخر تألیف فهرست کامل کتبی که از آنها توضیحات قاموس استخراج شده نیامده است. برخی از منابع و مأخذ برای کسانی که خارج از ایران هستند نامعلوم اند چون دائرة المعارف زرین و جزوه اعلام. ارزش توضیحات نابرابر است زیرا گاه به نصوص مبارکه ارجاع می شود و گاه به کتب لغت و مانند آن.

در هر صورت برای کسانی که به مطالعه کتاب مفاوضات می پردازند، قاموس تألیف خانم ملوک خادم کمک مفیدی است همانطور که توضیحات تفصیلی که در آثار جناب دکتر علی مراد داودی آمده بر اطلاع خوانندگان آن اثر شریف می افزاید. در آخر کتاب مؤلف معانی لغات دشوار را که در نصوص منقوله آمده بیان کرده است. ■



نامه های خوانندگان

• جناب عباس بیضائی غزلی زیر عنوان در توصیف عشق فرستاده اند که ابیاتی از آن ذیلاً نقل می شود:

ای دوست بیا بعیش و شادی روی آر
در روضه قلب جز گل عشق مکار
سرچشمه شاد زندگانی عشق است

پیوند ده قلوب یار و اغیار

با چهره بشاش و لبانی خندان

بحث و سخنت اثر کند معجزه وار

با شوخی و طنز تا توانی خو کن

اما به نزاکت و ادب حرمت دار

نوع دگر عشق وفای عهد است

این فوز عظیم را غنیمت بشمار

از عشق و نشاط زندگی شیرین است

ای دوست بیا بعیش و شادی روی آر

• آقای دکتر منوچهر روحانی ساکن افریقای جنوبی

از احبای جاسبی که در سراسر دنیا پراکنده اند

خواهش می کنند که هر نوع اطلاعی راجع به

تاریخ امر در جاسب دارند و یا بهائیبانی که در

جاسب شهید شده اند و یا به زندان افتاده اند و یا

فرزندانشان در اکناف دنیا بسر می برند را مستقیماً

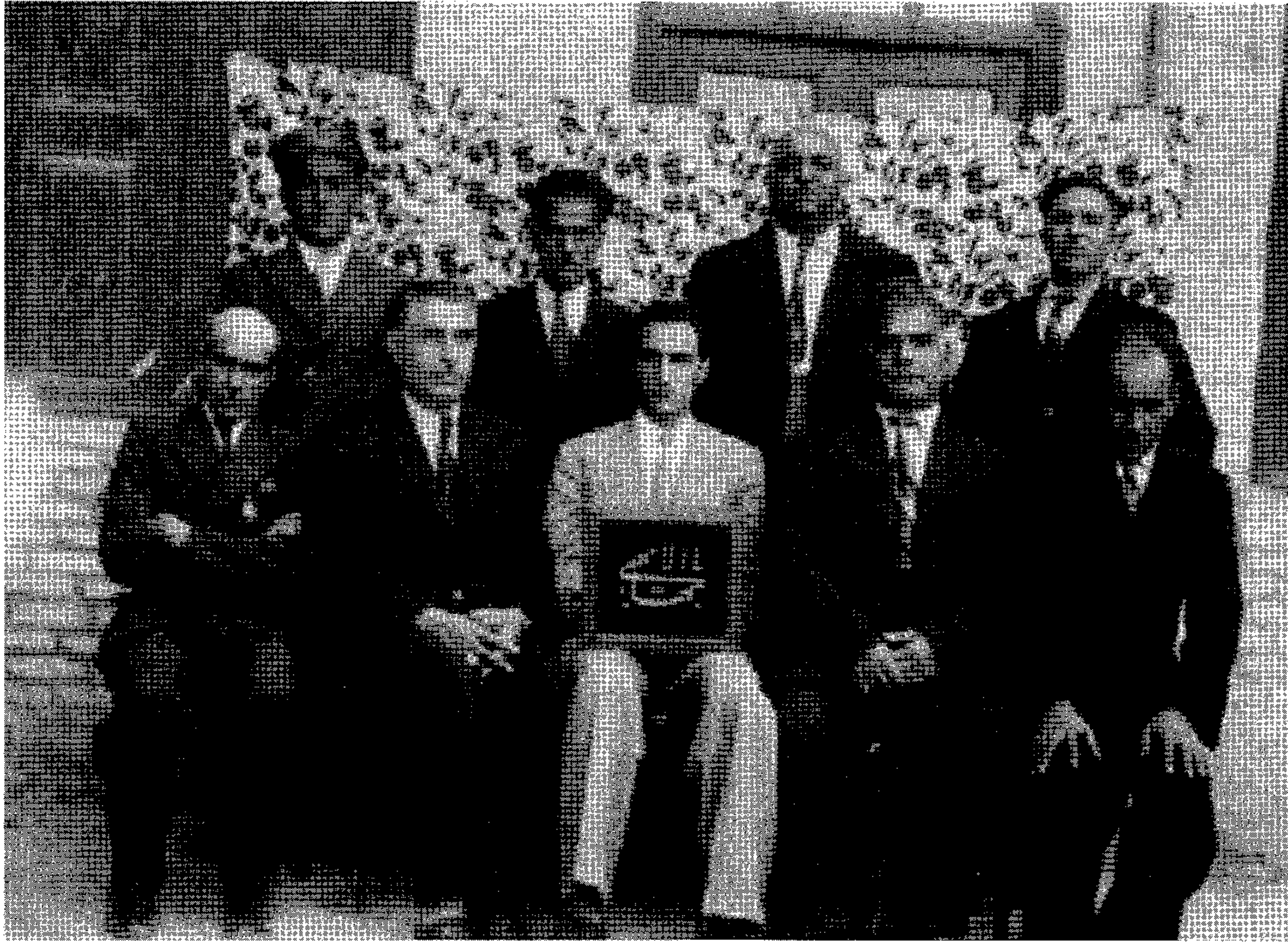
برای ایشان ارسال دارند. مشخصات نشانی ایشان

بدینقرار است:
Dr Roohani,
P. O. Box: 2295, Ruimsig, 1732
Johannesburg,
Republic of South Africa
Tel: +27-011-958-2014
Email: mgroohani@telkom

توضیحاتی بیشتر در باره عکس روی جلد شماره اکتبر مجله پیام بهائی

مراسم یادبود صدمین سال سخنرانی حضرت
عبدالبهاء در کلیسای موحدین سنت جیمز St.
James United Church در مونترآل کانادا در تاریخ
یکشنبه نهم سپتامبر ۲۰۱۲ بین ساعت ۱۰ تا ۱۲
برگزار گردید. کشیش کلیسا پس از سرود دسته
جمعی، سخنرانی بسیار مؤثری درباره حضرت
عبدالبهاء و اهداف آن حضرت ایراد کرد و سپس
سرکار خانم ابرار به شیوایی درباره هیکل اطهر و
دیانت بهائی سخن گفتند.

حضرت عبدالبهاء در روز اول سپتامبر ۱۹۱۲ در
این کلیسا ایراد خطابه فرموده بودند. شرح مفصل
آن روز و عین متن خطابه مبارک را در جلد اول
کتاب *بلدایع الآثار* صفحات ۲۱۲ تا ۲۲۰ می توان



Dr Rooha
P. O. Box
Johannes
Republic
Tel: - 27-
Email: m

مطالعه کرد.

• عکسی از هفتاد سال قبل
اعضای محفل روحانی خرمشهر در
سال ۱۹۴۲، مرحمتی خانم مهین
اعظمی - هلند.

نشسته از راست به چپ:

۱- آقای عباس وراثی. ۲- آقای
غلامرضا طهماسبی. ۳- دکتر
عزت الله راسخ. ۴- آقای محمود
ایمن. ۵- آقای محمد حسین
روحانی.

ایستاده از راست به چپ:

۶- آقای عنایت الله فائز. ۷- دکتر
مهجور. ۸- آقای سروش. ۹- آقای
گلشن. ■

ی جلد

حضرت
حیمر St.
در تاریخ
۱۰ تا ۱۲
بود دسته
حضرت
و سپس
کش ظهرو

در ۱۹۱۲
مفصل
جد اول
می توان

تقاضا از مشترکین عزیز

از کلیه مشترکین مجله که تا کنون موفق به
پرداخت حق اشتراک سال جاری و احیاناً
سال‌های گذشته نشده‌اند خواهشمندیم لطف
فرموده سریعاً نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام
فرمایند. موجب کمال امتنان خواهد شد.

مسئول امور اداری و مالی مجله پیام بهائی

پیام بهائی شماره ۳۹۷

شماره ۳۹۷

فهرست تفصیلی سال سی و چهارم

شماره‌های ۳۸۶-۳۹۷

آثار مقدسه

ارواح (پس از صعود از این عالم، بسز~ چه خواهد گذشت؟)؛ ۳۸۶

استقامت (سفینه ~ در طوفان اعظم)؛ ۳۹۶
اعلی (مجمعی درباره انتقال عرش مبارک حضرت اعلی)؛ ۳۹۲

اطفال (لزوم تدبیر ~ و عواقب محرومی از این طراز)؛ ۳۸۹

حکمت (منظور از ~؟)؛ ۳۹۷

سیاست (چرا بهائیان در ~ مداخله نمی کنند؟)؛ ۳۸۸
عبدالبهاء (از روش حضرت ~ در اسفار غربیه باید درس گرفت)؛ ۳۹۵

عبدالبهاء (خطابه حضرت ~ در کمبریج نزدیک بستون)؛ ۳۹۰

عبدالبهاء (نطق حضرت ~ هنگام تشرک امریکا)؛ ۳۸۷

عبدالبهاء (نگاه حضرت ~ به سفرهای خود در باختر زمین)؛ ۳۹۳-۳۹۴

علمای (هرگاه دین به دست ~ جاهل و متعصب افتد)؛ ۳۹۱

پیام های معهد اعلی

بر حسب تاریخ صدور

۱۹ ژانویه ۲۰۱۰؛ ترجمه ای از نامه دارالانشاء

بیت العدل اعظم درباره مسائل مربوط به اجرای رضایت والدین برای ازدواج، خطاب به یکی از محافل روحانی ملی؛ ۳۹۰

۱ دسامبر ۲۰۱۱؛ ترجمه پیام بیت العدل اعظم به مناسبت صعود جناب ایان سمپل؛ ۳۸۶
۲۰ فوریه ۲۰۱۲؛ نامه دارالانشاء بیت العدل

اعظم در مورد نام نویسی دانشجویان بهائی در دانشگاه‌ها، ۱۴ شهرالملك ۱۶۸، ۳۸۹

۲۷ ژوئن ۲۰۱۲؛ ترجمه ای از نامه دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی خطاب به کلیه محافل روحانی ملی؛ ۳۹۵

رضوان ۲۰۱۲ میلادی؛ ترجمه ای از پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان (۱۶۹ بدیع)؛ ۳۹۱

۱۱ اسفند ۱۳۹۰؛ پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان ایران، ۵ ایام هاء ۱۶۸؛ ۳۸۹
پیام نوروزی سال ۱۳۹۱؛ خطاب به پیروان حضرت بهاء الله در کشور مقدس ایران؛ ۳۸۹

۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۱، ۱۴ شهرالجمال ۱۶۹؛ خطاب به پیروان حضرت بهاء الله در کشور مقدس ایران؛ ۳۹۲

یادداشت ماه

آیا سال ۲۰۱۲ پایان جهان است؟؛ ۳۸۶

پیام بهائی شماره ۳۹۷

ساوی، یولیو؛ [م.] مظلوم، کیومرث؛ ۳۹۰،
 ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳-۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶
 سیاست از دیدگاه حضرت عبدالبهاء؛ دوستدار،
 فرح؛ ۳۹۳-۳۹۴
 صدمین سال نهادن سنگ بنای مشرق الاذکار
 امریکا؛ [ن.م.] دانا، والر؛ [م.] ایزدی نیا،
 فاروق؛ ۳۹۳-۳۹۴
 کلیسای موحدین؛ مولوی نژاد، صالح؛ ۳۹۲
 ملاقات‌های علامه قزوینی و سید حسن تقی‌زاده
 با حضرت عبدالبهاء در پاریس؛ ۳۹۳-۳۹۴
 نبوغ حضرت عبدالبهاء؛ ۳۹۳-۳۹۴
 نقش بهائیان در اتحاد نژادی امریکا؛ پژوهنده؛
 ۳۹۶
 نکته‌هایی از سفرنامه حضرت عبدالبهاء به غرب؛
 ۳۹۳-۳۹۴
 نگاه حضرت عبدالبهاء به امریکا؛ پژوهشگر،
 ۳۹۵
 یکصدمین سالگرد سفر حضرت عبدالبهاء به
 کانادا؛ محمد حسینی، نصرت‌الله؛ ۳۹۳-
 ۳۹۴
ایران، جامعه بهائی ایران
 از تاریخ شکوه می‌کنم؛ رحیمیان، کیوان؛ ۳۹۵
 بر قهرمانان ایران چه می‌گذرد؟؛ ۳۸۶، ۳۸۷،
 ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳-
 ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷
 تابوی ایرانی؛ خاکسار، نسیم؛ ۳۸۹
 تابوی ایرانی؛ رحمانی نژاد، ناصر؛ ۳۹۰
 گذار از انزوا و مجهولیت، چالش‌ها و بحران‌ها؛
 وهمن، فریدون؛ ۳۸۷
 گزارش نقض حقوق بهائیان سمنان طی چهار
 سال اخیر؛ ۳۹۷
 معمای بهائیت؛ وهمن، فریدون؛ ۳۸۹، ۳۹۰

اظهار امر حضرت باب؛ ۳۹۰
 ایران فردا- نگاه انجمن دوستداران فرهنگ
 ایرانی؛ ۳۹۵
 سخنی با ستم‌دیدگان؛ ۳۸۷
 سرنوشت ادیان در سال ۲۰۵۰ چه خواهد بود؟؛
 ۳۹۶
 سفر حضرت عبدالبهاء به غرب؛ ۳۹۳-۳۹۴
 سفینه‌الله- سفینه نوح؛ ۳۹۷
 صوم یا روزه؟؛ ۳۸۸
 عید اعظم رضوان؛ ۳۸۹
 محل عبادت و خدمت؛ ۳۹۱
 ویژه‌نامه بهائیان در ایران، صبح امروز؛ ۳۹۲

مقالات

[م.] = مترجم، [ن.م.] = نویسنده مقاله
**مجموعه مقالات در رابطه با صدمین سالگرد
 سفرهای حضرت عبدالبهاء**
 ارزیابی حضرت عبدالبهاء از سفرهای خود به
 امریکا و اروپا؛ ۳۹۶
 اسلام در خطابات حضرت عبدالبهاء در امریکا و
 اروپا؛ اقبال، کامران؛ ۳۹۳-۳۹۴
 اطلاعاتی مفید درباره سفر حضرت عبدالبهاء به
 غرب؛ ۳۹۶
 اهمیت تاریخی خطابات حضرت عبدالبهاء در
 غرب؛ سعیدی، نادر؛ ۳۹۳-۳۹۴
 تذکرة الوفاء؛ رأفتی، وحید؛ ۳۹۳-۳۹۴
 حضرت عبدالبهاء و ایران؛ وهمن، فریدون؛
 ۳۹۳-۳۹۴
 زنان در آثار حضرت عبدالبهاء؛ فؤادی، مینو؛
 ۳۹۳-۳۹۴
 سفرهای حضرت عبدالبهاء به غرب و نتایج آنها؛
 رأفت، هوشنگ؛ ۳۹۳-۳۹۴
 سفرهای حضرت عبدالبهاء به مصر؛ [ن.م.]

ش مربوط به
 ردواج، هطاب
 ۳۹۰
 العدل اعظم
 سمیل؛ ۳۸۶
 بیت عدل
 جویان بهائی در
 ۱۶۹، ۳۸۹
 دارالانشاء
 به کلیه
 پیام بیت
 بهائیان جهان
 عظم خطاب
 ۱۶۹، ۳۸۹
 به پیروان
 ایران؛ ۳۸۹
 جمال ۱۶۹؛
 الله در کشور
 ۳۸۶

نامه سرگشاده مادری که دخترش را از دانشگاه
اخراج کردند؛ کرمی، فریبا؛ ۳۸۶

فرهنگی، اجتماعی

آیا زبان فارسی زبان علم نیست؟؛ سرکوهی،
فرح؛ ۳۸۷

از دیاد لامذهبان؛ ۳۸۷

با لغات نوساخته چه باید کرد؟؛ پژوهنده؛ ۳۸۷
'باغبان' مخملباف به روایت هالیوود ریپورتر؛
یانگ، دبورا؛ ۳۹۶

بیست و پنجمین سالگرد گشایش مشرق الاذکار
هندوستان؛ ۳۸۶

'بهار عربی' و خلافت فرهنگی؛ دوستدار، فرح؛
۳۸۷

بینش شهروندی، پیش شرط تحول در خاورمیانه؛
دوستدار، فرح؛ ۳۸۹

تابوی ایرانی؛ خطیبی، فیروزه؛ ۳۸۶
درسی از تجربه چین و مقایسه آن با وضع ایران؛
۳۹۲

سالی که فرا روی ماست؛ ۳۸۶
فیلمی تازه درباره آئین بهائی از یک کارگردان
بزرگ ایرانی؛ ۳۹۶

محیط زیست، جلسه‌ای از مواهب یزدانی؛
زرگریور، هوشنگ؛ ۳۸۶

مراسم شب یلدا در نقاط مختلف ایران؛ ۳۹۷
مشکلات جهان در سال ۲۰۱۲؛ مولوی نژاد،
صالح؛ ۳۹۰

موانع پیشرفت و تحول در جوامع خاورمیانه؛
دوستدار، فرح؛ ۳۹۱

نوروز؛ ۳۸۸
یلدا در فرهنگ ایران؛ یارسی، دکتر تورج؛ سپنا،
دکتر شاهین؛ ۳۹۷

هفت میلیارد جمعیت دنیا؛ ۳۸۶

تاریخی

برادران صمدانی، برگی از تاریخ امری قزوین؛
اشرف، فرامرز؛ ۳۸۷

تاریخ جامعه بهائیان قزوین؛ [ن.م.] مؤمن،
موزان؛ [م.] مظلوم، کیومرث؛ ۳۹۶، ۳۹۷
تاریخ دیانت بهائی در شیراز؛ [ن.م.] مؤمن،
موزان؛ [م.] مظلوم، کیومرث؛ ۳۸۶، ۳۸۷،
۳۸۸

صد سال پیش در همین ماه؛ ۳۸۸
ملا محمد علی زنجانی، پس از دوپست سال؛
۳۹۲

نخستین کسانی که در غرب قدم در راه تبلیغ
نهادند؛ ۳۹۲

تحقیقی

آیت حیا؛ علانی (رمزی)، مهربی؛ ۳۹۰
اصول سیاست الهی؛ ۳۹۷
امر بهائی و مسیحیت؛ کاوشگر؛ ۳۸۶
اندیشه وحدت عالم انسانی از کی آغاز شد؟؛
۳۹۱

ایران، از ماراتن تا صلح اعظم؛ [ن.م.] میچل،
گلنفورد؛ [م.] ثابت، مینو؛ ۳۸۸
پنج ویژگی خاص و بی نظیر نقشه‌های بهائی؛
[ن.م.] خان، دکتر پیتسر؛ [م.] رحمانی،
حوریوش؛ ۳۹۲

تفسیر بسم الله الرحمن الرحيم (درباره بخش دوم
~)؛ سعیدی، نادر؛ ۳۹۰

حکومت آینده جهان؛ ۳۹۲، ۳۹۵
دوران تاریخ ساز بغداد؛ ۳۸۹

رسالة مدنیسه: طرحی برای اصلاح و آبادانی
ایران؛ ثابت، بهروز؛ ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷
سوسیالیسم حقیقی آینده؛ ۳۹۰

شرکت بهائیان در انتخابات مملکتی و دوری از

۳۹۲
خاطرات ژولیت تامپسون؛ [م.] دهقانی، خسرو؛
۳۹۲
داستان آن ستون یادبود؛ فتح اعظم، شفیقه؛
۳۹۵
دکتر امین بنانی؛ یارشاطر، دکتر احسان؛ ۳۹۱
دکتر عبدالکریم ایادی؛ ۳۹۶
رؤیای عجیب معلم برزیلی پیانو؛ کیانا، منیژه؛
۳۸۶
شرحی کوتاه بر سفرم به عگا؛ [ن.م.] لوکاس،
مری؛ [م.] ایزدی نیا، فاروق؛ ۳۹۶، ۳۹۷
غرق در نوروز؛ رحیمی، فریدون؛ ۳۸۸
قدسیه خانم اشرف، داستان یک زندگی؛
ارجمند- داسیلورا، مهناز؛ ۳۸۶، ۳۸۷
مراقد؛ وصلی، مهین؛ ۳۸۹
ورقی از دفتر خاطرات؛ فتح اعظم، شفیقه؛ ۳۹۱
یادی از دکتر علی محمد ورقا؛ رأفتی، وحید؛
۳۸۷

شعر و ادب

بخوان به نام گل سرخ؛ دکتر شفیع کدکنی؛
۳۹۴-۳۹۳
به مناسبت اظهار امر حضرت اعلی؛ عبدی،
بهاءالدین محمد؛ ۳۹۰
بهار از دیدگاه زنان افغانستان؛ ۳۸۸
بهاری که خزان از پی ندارد؛ کاوشگر؛ ۳۸۸
پاسخ به حافظ شیرین سخن؛ م. ب. عبدی؛
۳۸۹
جان جهان؛ ثابت، مهوش؛ ۳۹۶
ز عشق گل روی عبدالبهاء؛ آبا ده ای، قابل؛ ۳۹۷
شعرهای حاجی فیروز؛ ۳۸۸
غزل در ایام هاء؛ دیوان ناطق؛ ۳۸۸
قفس؛ مهین گستر، ایرج؛ ۳۹۵
لطف بهاء؛ فتح اعظم، هوشمند؛ ۳۸۹

مداخله در احزاب سیاسی - یک تناقض؟؛
دوستدار، فرح؛ ۳۹۰
ظهورات الهی و زمان؛ پژوهنده؛ ۳۹۵
گروش یهودیان ایرانی به آئین بهائی؛ امانت،
مهرداد؛ ۳۹۱، ۳۹۲
لزوم دین در دنیای مدرن؛ غیبی، فاضل؛ ۳۹۵
لوح هفت شمع وحدت؛ کاوشگر؛ ۳۹۵

مجموعه مقالات در رابطه با کنفرانس دگراندیش ستیزی و بهائی آزاری در ایران، دانشگاه تورنتو ژوئیه ۲۰۱۱

انجمن حجّتیّه و بهائیان؛ صدری، محمود؛ ۳۸۹
بین تمجید و نفرت: مدارس بهائی در ایران؛
شاهور، دکتر سلی؛ ۳۸۶
دین مسانی و دیانست بهائی، از تاریخ چه
می آموزیم؛ وهمن، فریدون؛ ۳۹۱
ظهور گفتمان جدید بهائی ستیزی در ایران؛ ثابتی،
عرفان؛ ۳۹۰
مراحل تدریجی دعوت باب؛ افنان، دکتر محمد؛
۳۸۸
معجزه سقاخانه چهارراه آقا شیخ هادی؛ [ن.م.]
کاتوزیان، دکتر همایون؛ [م.] روهنده،
فرشید؛ ۳۸۷
علمی، پزشکی
پایان جهان کسی و چگونه روی می دهد؟؛
پژوهنده؛ ۳۸۷
سخنان جناب هوشمند ثابت؛ [م.] دانش،
ناصر؛ ۳۸۶

خاطره، داستان و یادواره

اسطوره بابا جنیدی؛ ف. بهگرا؛ ۳۸۹
تکریم خاطره حضرت ولی امرالله؛ [ن.م.] ایادی
امرالله روحیه خانم؛ [م.] ایزدی نیا، فاروق؛

لوتوس؛ ثابت، مهوش؛ ۳۹۲

هم قفس؛ شهریاری (ثابت)، مهوش؛ ۳۸۶

گوناگون

انعکاس امر بهائی در مطبوعات فرانسه؛ ۳۸۸

باکو و مجسمه هایش؛ ترکپور، حسین؛ ۳۸۹

توضیحاتی بر پیام منیع رضوان ۱۶۹ بدیع؛ ۳۹۱

جشنی بزرگ در شیکاگو به مناسبت صدمین سال

بنیادگذاری مشرق الاذکار؛ ۳۹۲

سی و چهارمین سال پیام بهائی؛ هیأت تحریریه؛

۳۸۶

عدالت اجتماعی، بررسی و گفتگو در شیکاگو؛

۳۸۶

وضعیت بهائیان در مصر؛ [ن.م.] بشیر، دوایت؛

[م.] مظلوم، کیومرث؛ ۳۹۶

معرفی کتاب

آثار قلمی جناب شیخ محمد کاظم سمندرو

بعضی آثار متفرقه؛ سمندری، مهندس

روح الله؛ [ن.م.] علائی، سیروس؛ ۳۹۲

بشرویه، زادگاه ملا حسین باب الباب؛ براقی،

دکتر فیروز؛ [ن.م.] مولوی نژاد، صالح؛ ۳۸۷

تاریخ ظهور الحق؛ فاضل مازندرانی، اسدالله؛

[ن.م.] نیک اندیش، بهمن؛ ۳۸۹

صفات ملکوتی، نگاهی به شخصیت حضرت

عبدالبهاء از دیدگاه دو دلباخته شرقی و دو

دلباخته غربی؛ خادمی، منا؛ ۳۹۵

عشق به بهای جان؛ ۳۹۷

فرشته کرمل، حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی؛

مؤید، دکتر حشمت؛ ۳۹۷

قاموس مختصر مفاوضات؛ خادم، ملوک؛ ۳۹۷

گلبنانگ محبت؛ سلوکی، دکتر بهمن؛ ۳۹۶

مثنوی وادی های عشق؛ سبحانی، فریبرز؛ ۳۹۷

ممالک متحده کره زمین؛ فورل، آگست؛ ۳۸۸

۳۸۹

یادداشت هایی درباره حضرت عبدالبهاء؛

محمودی، هوشنگ؛ [ن.م.] داوریناه، بیژن؛

۳۹۶

از گلخن فانی به گلشن باقی

ابرار، طراز الله؛ ۳۸۷

اشراق خاوری، هوشنگ؛ ۳۹۵

اقدسی (ونوس)، ملوک؛ ۳۹۲

امانت، ابراهیم؛ ۳۹۵

بدیعیان پرنیان، مهین؛ ۳۹۷

پارسا، دکتر بدیع الله؛ ۳۹۲

پارسا (عطوفی)، طاهره؛ ۳۹۷

تبیانی، پری؛ ۳۹۵

ثابتی (تأیید)، طاهره؛ ۳۸۸

حقیقی، عطیه؛ ۳۸۸

حکمت شعار، مهدیه (مهین)؛ ۳۹۱

خوشخو، پروین؛ ۳۹۷

رفسنجانی (ایزدی نیا)، طاهره؛ ۳۸۶

روحانی (اشتری)، عصمت؛ ۳۹۱

ستوده (ایدون)، روح انگیز؛ ۳۸۶

سعید، فرهنگ؛ ۳۸۸

سیدی (صمیمی)، سها؛ ۳۹۵

سهراب، ابوتراب؛ ۳۸۹

لقائی، ستار؛ ۳۸۹

ماخانی، رحیم؛ ۳۸۶

ماخانی، نادر؛ ۳۹۰

ماخانی، هدی؛ ۳۹۰

معانی، دکتر داریوش؛ ۳۸۹

معنوی، عطاء الله؛ ۳۹۱

منشادی، غلامحسین؛ ۳۹۱

مودت، هوشنگ؛ ۳۹۷

میثاقیه (اشراقیان)، بدیعه؛ ۳۸۸

مهاجر جاسبی، شریفه؛ ۳۹۵

مهاجرین، دکتر امیر هوشنگ؛ ۳۹۷

ناطق، احسان الله؛ ۳۸۸

ندیمی، بدیع الله؛ ۳۹۰

ورقا، محمود؛ ۳۹۵

عکس‌ها و تصاویر

آصف الدوله؛ ۳۸۷

ابرار، طراز الله؛ ۳۸۷

اشرف، قدسیه خانم؛ ۳۸۶، ۳۸۷

افنان، دکتر محمد؛ ۳۸۸

امانت، ابراهیم؛ ۳۹۵

امانت، مهرداد؛ ۳۹۱

بزاز، حاجی ابوالحسن؛ ۳۸۶

بشیرالهی؛ ۳۸۸

بنانی، دکتر امین؛ ۳۹۱

بورژوا، لویی؛ ۳۹۳-۳۹۴

بیدقی، روفیا؛ ۳۹۸

بهار، ملک الشعرا؛ ۳۸۸

پارسا، دکتر بدیع الله؛ ۳۹۲

پارسا (عطوفی)، طاهره؛ ۳۹۷

تقی زاده، سید حسن؛ ۳۹۳-۳۹۴

توبین، نتی؛ ۳۹۱

ثابت، مهوش؛ ۳۹۲، ۳۹۶

ثابتی (تأیید)، طاهره؛ ۳۸۸

ثابتی، عرفان؛ ۳۹۰

حقیقی، عطیه؛ ۳۸۸

حکمت شعار، مهدیه (مهین)؛ ۳۹۱

خاکسار، نسیم؛ ۳۸۹

خان، دکتر پیترو؛ ۳۹۲

دوستدار، فرح؛ ۳۸۹

رحمانی نژاد، ناصر؛ ۳۹۰

رحیمیان، کیوان؛ ۳۹۷

رفسنجانی (ایزدی‌نیا)، طاهره؛ ۳۸۶

رنجبر (اولادی)، شهناز؛ ۳۹۷

روحیه خانم، امة البهاء؛ ۳۹۱

ستوده (ایدون)، روح انگیز؛ ۳۸۶

سعید، فرهنگ؛ ۳۸۸

سمندر، شیخ محمد کاظم؛ ۳۹۷

سمیل، ایان؛ ۳۸۶

سیدی (صمیمی)، سها؛ ۳۹۵

سهراب، ابوتراب؛ ۳۸۹

شاهور، دکتر سلی؛ ۳۸۶

شیخ رئیس؛ ۳۸۶

شعاع السلطنه؛ ۳۸۷

صدری، محمود؛ ۳۸۹

طهران، عکس‌های مقام اعلیٰ در متروی ~ بر علیه

امر؛ ۳۹۷

عبدالبهاء [حضرت]؛ ۳۹۳-۳۹۴

عبدالحمید دوم، سلطان؛ ۳۹۰

علامه زاده، رضا؛ ۳۹۰

علاء الدوله؛ ۳۸۷

عندلیب لاهیجانی؛ ۳۸۶

انیسا، فنائیان؛ ۳۹۷

فنائیان، هوشنگ؛ ۳۹۷

فرهادی، محمد جواد؛ ۳۹۷

فورل، آگست؛ ۳۸۹

قزوینی، علامه محمد؛ ۳۹۳-۳۹۴

قوام الملک، محمد رضا؛ ۳۸۶، ۳۸۷

کاتوزیان، دکتر همایون؛ ۳۸۷

گلرو، مهدیه؛ ۳۹۲

لقائی، ستار؛ ۳۸۹

ماخانی، رحیم؛ ۳۸۶

ماخانی، نادر؛ ۳۹۰

ماخانی، هدی؛ ۳۹۰

ماکسول، ویلیام سادرلند و می بولز؛ ۳۹۳-۳۹۴
 معانی، دکتر داریوش؛ ۳۸۹
 معنوی، عطاءالله؛ ۳۹۱
 مودت، هوشنگ؛ ۳۹۷
 موقرالذوله؛ ۳۸۸
 میثاقیه (اشراقیان)، بدیعه؛ ۳۸۸
 ناطق، احسان الله؛ ۳۸۸
 نخعی، محمد حسین؛ ۳۹۷
 نورالدین؛ ۳۸۶
 نورانی، ژینوس؛ ۳۹۷
 وحدت، جلایر؛ ۳۹۷
 ورقا، دکتر علی محمد؛ ۳۸۷
 ورقا، محمود؛ ۳۹۵
 ورقه علیا [حضرت]؛ [۳۹۳-۳۹۴]

عکس‌های گروهی و تاریخی

بھائیان اصفهان در کنار تابوت خانم کیت رانسوم
 کهلر؛ ۳۸۹
 حضرت عبدالبهاء به همراه احباء؛ ۳۹۳-۳۹۴
 خانم و آقای جنیدی؛ ۳۸۹
 خانم و آقای فدرستون به همراه برتا دابینز؛ ۳۹۱
 دکتر احسان یارشاطر و دکتر امین بنانی؛ ۳۹۱
 رحیمیان، کیوان، ژینا و فرشته؛ ۳۹۵
 رمی کالونجی و لوئیس سلمانی؛ ۳۹۱
 سمنان، جمعی از احبای دیستگیر شده در آن
 شهر؛ ۳۹۷
 محفل روحانی محلی خرمشهر (۱۹۴۲ م)؛ ۳۹۷
 محفل روحانی ملی بھائیان ایران بر مزار خانم
 کیت رانسوم کهلر؛ ۳۸۹
 کلاس تزئین معلومات امری - لندن به سرپرستی
 جناب حشمت الله محمد حسینی؛ ۳۹۰
 نازنین روحانی و حکمران اصلی دهلی؛ ۳۸۶
 ویولت هوهنگه و رادنی هنکاک؛ ۳۹۱

نویسندگان و مترجمین مقالات

ارجمند- داسیلورا، مهناز؛ ۳۸۶، ۳۸۷
 اشرف، فرامرز؛ ۳۸۷
 افنان، دکتر محمد؛ ۳۸۸
 اقبال، کامران؛ ۳۹۳-۳۹۴
 امانت، مهرداد؛ ۳۹۱، ۳۹۲
 ایادی امرالله روحیه خانم؛ ۳۹۲
 ایزدی نیسا، فساروق؛ ۳۹۲، ۳۹۳-۳۹۴، ۳۹۶،
 ۳۹۷
 بشیر، دوایت؛ ۳۹۶
 پارسی، دکتر تورج؛ ۳۹۷
 پژوهشگر؛ ۳۹۵
 پژوهنده؛ ۳۸۷، ۳۹۵، ۳۹۶
 ترکپور، حسین؛ ۳۸۹
 ثابت، بهروز؛ ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷
 ثابت، مینو؛ ۳۸۸
 ثابت، هوشمند؛ ۳۸۶
 ثابتی، عرفان؛ ۳۹۰
 خاکسار، نسیم؛ ۳۸۹
 خان، دکتر پیترا؛ ۳۹۲
 خطیبی، فیروزه؛ ۳۸۶
 دانا، والری؛ ۳۹۳-۳۹۴
 دانش، ناصر؛ ۳۸۶
 داورپناه، بیژن؛ ۳۹۶
 دوستدار، فرح؛ ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱،
 ۳۹۳-۳۹۴
 دهقانی، خسرو؛ ۳۹۲
 رأفت، هوشنگ؛ ۳۹۳-۳۹۴
 رأفتی، وحید؛ ۳۸۷، ۳۹۳-۳۹۴
 رحمانی، حوربوش؛ ۳۹۲
 رحیمی، فریدون؛ ۳۸۸
 رحیمیان، کیوان؛ ۳۹۵
 روهنده، فرشید؛ ۳۸۷

پیام بهائی

نشریه ماهانه محفل روحانی ملی
فرانسه برای بهائیان

سال سی و چهارم، شماره دوازدهم
شماره پیاپی ۳۹۷
ماه‌های قول، مسائل و شرف ۱۶۹ بدیع
آذر - دی ۱۳۹۱

نشانی هیأت تحریریه برای ارسال
مقالات، نامه‌ها و پیشنهادات
P.O. Box 511
1211 Genève 12, Switzerland

نشانی برای ارسال حق اشتراک، نامه‌های
مربوط به اشتراک و تغییرنشانی
Payám-i-Bahá'í
B. P. 9
06240 Beausoleil, France
Fax: 33-493-784418

حق اشتراک سالانه برای کشورهای اروپایی ۵۰ یورو، و
برای خارج از اروپا ۵۵ یورو است و یا معادل آن به سایر
ارزها.

چگونگی ارسال مبلغ اشتراک:

۱- توسط نمایندگان ما ۲- با حواله پستی ۳- چک
بانکی به یورو به حساب یک بانک فرانسوی در وجه
پیام بهائی ۴- مشترکین امریکا با ارسال چک دلاری به

PAYAM'I BAHÁ'I

P.O. BOX 62

LAKE ZURICH, IL. 60047 - 9998

۵- با کارت اعتباری Visa به یورو ۶- مستقیماً توسط
بانک خودتان به شماره حساب زیر با ارسال رسید و نام
خود به نشانی ما:

Payám-i-Bahá'í

IBAN FR76 30003 01500-00037261910-30

Adresse Swift (BIC): SOGEFRPP

Bank Société Générale

8 Ave. Jean Médicin

06000 Nice, France

کلیه اشتراک‌ها در اول هر سال میلادی
تجدید می‌گردد.

Payám-i-Bahá'í

Publié par l'Assemblée spirituelle

Nationale des Bahá'ís de France

زرگریور، هوشنگ؛ ۳۸۶
ساوی، یولیو؛ ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳-۳۹۴،
۳۹۵، ۳۹۶

سرکوهی، فرج؛ ۳۸۷
سپنا، دکتر شاهین؛ ۳۹۷
سعیدی، نادر؛ ۳۹۰، ۳۹۳-۳۹۴
شاهور، دکتر سلی؛ ۳۸۶
صدری، محمود؛ ۳۸۹
علائی (رمزی)، مہری؛ ۳۹۰
غیبی، فاضل؛ ۳۹۵

ف. بهگرا؛ ۳۸۹
فتح اعظم، شفیقه؛ ۳۹۱، ۳۹۵
فؤادی، مینو؛ ۳۹۳-۳۹۴
کاتوزیان، دکتر همایون؛ ۳۸۷
کاوشگر؛ ۳۸۶، ۳۹۵

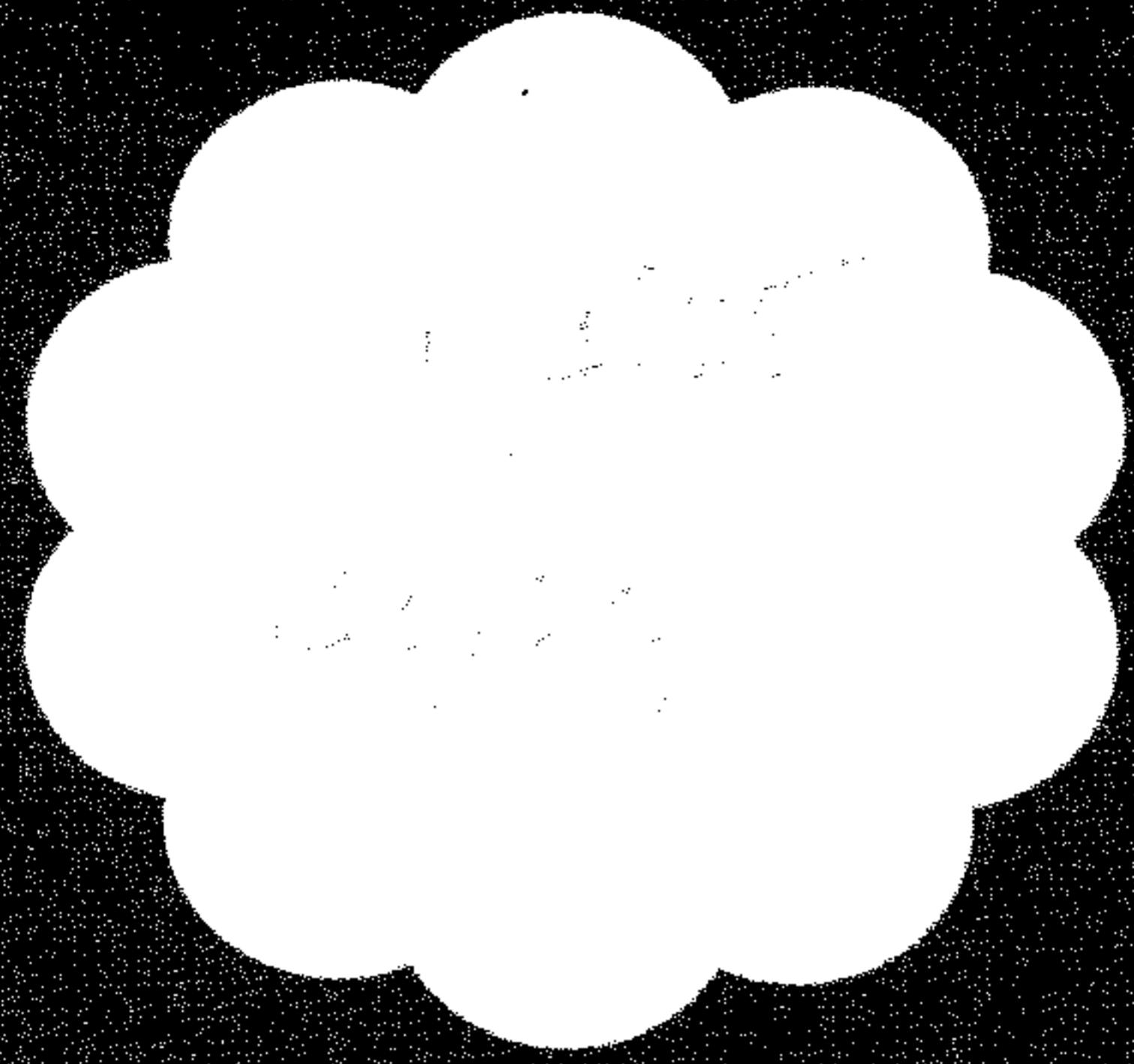
کرمی، فریبا؛ ۳۸۶
کیانا، منیژه؛ ۳۸۶
لوکاس، مری؛ ۳۹۶، ۳۹۷
متحده، لوا؛ ۳۸۸

محمد حسینی، نصرت‌الله؛ ۳۹۳-۳۹۴
مظاسوم، کیسومرث؛ ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۰،
۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳-۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶،
۳۹۷

مولوی نژاد، صالح؛ ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۲
مؤمن، موژان؛ ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۶، ۳۹۷
میچل، گلنفورد؛ ۳۸۸

نیک اندیش، بهمن؛ ۳۸۹
وصلی، مهین؛ ۳۸۹
وهمن، فریدون؛ ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱
یارشاطر، دکتر احسان؛ ۳۹۱
یانگ، دبورا؛ ۳۹۶ ■





بہائیان کاشان

«بہائیان کاشان» نگارش موسی امانت نشر جدیدی از بنیاد فرهنگی نخل است. کتاب شامل ۵۰۳ صفحه است با فهرست‌ها و پی‌نوشت و عکس‌های تاریخی و جلد سخت. کتاب دارای ۹ فصل است و اوضاع عمومی کاشان، انتشار آئین بهائی در آن شهر، جامعه‌ی بهائی کاشان، شعرا و نویسندگان بهائی که در این شهر می‌زیسته‌اند، مدرسه‌ی وحدت بشری، دیدار بہائیان غربی از کاشان، خاندان‌های بهائی در این شهر را در اختیار خوانندگان می‌گذارد.

این کتاب نفیس را می‌توانید به قیمت ۲۹۰۰۰۰ ریور از طریق تلفن یا ای‌میل بنیاد فرهنگی خریداری کنید.

برای تمام اطلاعات و سفارشات

Fundación Nehal

www.fundacionnehal.org W · E info@fundacionnehal.org

+34 91 634 22 36 F · T +34 91 638 33 74

استرالیا bds@bahai.org.au +61-3-9357 1880

کانادا orders@bahaibooksonline.com +1-800-465 3287

امریکا bds@usbc.org +1-847-425 7950

ketab1@ketab.com +1-310-477 7477

و یا با مراجعه به سایت کتاب بهائی: www.ketabebahai.com آن را خریداری نمایید